

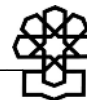
# انگلیس و نقض حقوق بشر

این گزارش ترجمه‌ای از کتاب *Human Rights Violations by the U.K* است که توسط مرکز پایش حقوق بشر منتشر شده است.

## به نام خدا

### فهرست مطالب

چکیده .....	۱
مقدمه .....	۱
بخش اول - جنگ علیه ترور یا زیر پا گذاشتن حقوق بشر .....	۴
بخش دوم - نقش بریتانیا و اروپا در تبعیدهای پروازی آمریکا .....	۲۰
بخش سوم - اشغال عراق و نقض‌های آشکار حقوق بشر .....	۳۰
بخش چهارم - اسلام‌هراسی و تبعیض علیه مسلمانان بریتانیا .....	۴۳
بخش پنجم - نقض حقوق بشر در ایرلند شمالی .....	۵۴
بخش ششم - زندان‌های بریتانیا .....	۵۹
بخش هفتم - پناهجویان و مهاجران در بریتانیا .....	۶۴
بخش هشتم - خشونت علیه زنان .....	۶۶
بخش نهم - آزادی بیان .....	۶۹
ارزیابی .....	۷۱
منابع و مأخذ .....	۷۳



## انگلیس و نقض حقوق بشر<sup>۱</sup>

### چکیده

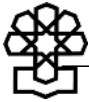
انگلیس از جمله کشورهای غربی است که ادعا می‌کند در تنظیم سیاست خارجی خود موضوع حقوق بشر را به‌طور خاص مورد توجه قرار داده و این مقوله را در مناسبات خود با سایر کشورها به‌عنوان یک ملاحظه اصلی در نظر می‌گیرد. براین اساس، انگلیس گزارش‌هایی را درخصوص وضعیت حقوق بشر در کشورهای مختلف منتشر می‌کند. از جمله در اوایل فروردین ماه ۱۳۹۰، وزارت خارجه این کشور گزارشی را در مورد شرایط حقوق بشر در برخی کشورها منتشر کرد و در آن مدعی وخامت وضعیت حقوق بشر در ایران شد، این درحالی است که واقعیات موجود در هر دو عرصه سیاست داخلی و خارجی انگلیس مؤید موارد متعدد نقض حقوق بشر از سوی این کشور است. گزارش حاضر به ذکر مهمترین این موارد می‌پردازد.

### مقدمه

حقوق بشر به‌ویژه از میانه قرن بیستم نقشی مرکزی در سخن‌پردازی (اگرچه در واقعیت) روابط بین‌الملل، بازی کرده است. در طول دو دهه گذشته حقوق بشر جایگاه برجسته‌تری در حقوق عمومی یا اساسی ملی و نیز حوزه بین‌المللی کسب کرده است. انگلیس یکی از آخرین کشورهایی در دنیای حقوق عرفی و در اروپاست که حقوق بشر را وارد نظام حقوق داخلی خود کرده است.

حقوق بشر در آغاز هزاره سوم به رکن محوری نظام حقوقی به سرعت درحال تغییر انگلیس بدل شده است. پارلمان انگلیس پس از سال‌ها بحث و گفتگو بالاخره در سال ۱۹۹۸ قانون «آوردن حقوق به خانه» را تصویب کرد، اما این مصوبه بسیار پیچیده است و چندان مؤثر به‌نظر نمی‌رسد. مقامات انگلیس با وجود به اجرا گذاشته شدن مصوبه مزبور در ۲ اکتبر ۲۰۰۰، حقوق بشر، حکومت قانون، استقلال قضایی، آزادی بیان و اعتراضات قانونی را به‌عنوان عناصر اصلی زندگی سیاسی، به‌نام «امنیت ملی» و «مبارزه با تروریسم» زیر پا گذاشتند.

آنها مردم را براساس اطلاعات محرمانه به بهانه «تهدید علیه امنیت ملی» مورد شکنجه قرار داده‌اند که پیامدهای نابودکننده‌ای برای قربانیان و خانواده‌های آنها در پی داشته است. آنها ممنوعیت شکنجه را هم در داخل و هم در خارج زیر پا گذاشته‌اند.



انگلیس بدترین آمارهای مربوط به حقوق بشر را در اروپا دارد و یکبار به خاطر عدم تبعیت از تصمیمات دادگاه اروپا مورد بازرسی قرار گرفته است.<sup>۱</sup> یافته علیه بریتانیا تسلیم شد که دولت بریتانیا جواب مناسبی برایشان نداشت.

تضعیف حقوق بشر در انگلیس تحت عنوان قانون ضدتروریسم، امر جدیدی نیست. قانونگذاری ضروری در انگلیس نگرانی بزرگی در طول دهه‌ها بوده است. از اوایل دهه ۱۹۷۰، زمانی که مقامات انگلیسی شروع به اعمال تدابیر ضروری در شرایط منازعه ایرلند شمالی کردند، حقوق بشر به نام امنیت قربانی شده است. در میان سوءاستفاده‌هایی که از تدابیر ضروری شده است می‌توان به شکنجه یا سایر بدرفتاری‌ها و محاکمه‌های ناعادلانه اشاره کرد.

نگرانی شدیدی نسبت به نادیده گرفته شدن جدی حقوق بشر در تمهیدات حقوقی و سیاسی انگلیس پس از حادثه یازده سپتامبر وجود دارد. مقامات انگلیسی یک سری قوانین جدیدی را به تصویب رسانده‌اند، هرچند که انگلیس از قبل نیز برخی از سخت‌گیرانه‌ترین قوانین «ضدتروریسم» را در اروپا داشت.

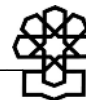
این قوانین متضمن تمهیدات گسترده‌ای است که قوانین حقوق بشری را زیر پا می‌گذارد و اجرای آنها منجر به سوءاستفاده‌هایی جدی از حقوق بشر شده است. از جمله این تمهیدات بازداشت بدون اتهام و محاکمه کسانی است که مقامات انگلیس برچسب «تروریست‌های بین‌المللی مظنون» بر آنها زده‌اند. این برچسب زدن عمدتاً بر پایه اطلاعات محرمانه‌ای است که قوه مجریه از افشای آنها برای اشخاص یا وکیل قانونی آنها امتناع می‌ورزد.<sup>۲</sup>

علاوه بر این مقامات انگلیس تلاش کرده‌اند تا ممنوعیت شکنجه یا سایر بدرفتاری‌ها را نادیده بگیرند. همچنین قوانین بشردوستانه در طول جنگ علیه عراق و در شرایط اشغال این کشور، از سوی ارتش انگلیس نادیده گرفته شده است. در فوریه ۲۰۰۴ کمیته بین‌المللی صلیب سرخ (ICRC) گزارشی را به نیروهای ائتلاف تسلیم کرد که نقض‌های جدی قانون بشردوستانه بین‌المللی از سوی این نیروها در عراق را توضیح می‌داد.

متأسفانه دولت انگلیس هنوز به تضعیف حقوق اساسی بشر، حکومت قانون و استقلال قضایی ادامه می‌دهد و قوانینی برخلاف حقوق اساسی بشر تصویب می‌کند. دیده‌بان حقوق بشر (HRW) در گزارش ۲۴ ژانویه ۲۰۰۸ اعلام کرد: «طرح دولت بریتانیا مبنی بر بازداشت مظنونان تروریستی حداکثر به مدت ۶ هفته بدون محاکمه، ناقض حق اساسی آزادی است و بیزارای مسلمانان بریتانیا را به دنبال دارد». این طرح به‌عنوان طرح جدید ضدتروریستی به پارلمان ارائه شده است.

1. Librty Report, 10 Oct, 2005.

2. The Independent "UK in The Dock of Human Rights After Judges Accuse Minister Of Ducking Reponsibilities," 3 Oct, 2005.



از زمان بمبگذاری‌های لندن در ۷/۷، مقامات ارشد دولت بریتانیا از جمله نخست‌وزیر این کشور به صورت تهدیدآمیزی اعلام کرده‌اند که اگر دادگاه‌ها به سیاست‌های اعلام شده دولت توجه نکنند، آنها سیاست اصلاح «قانون حقوق بشر» ۱۹۹۸ را دنبال خواهند کرد.

تدابیر اتخاذ شده از سوی مقامات انگلیسی به منظور مبارزه با تروریسم منجر به نقض‌های آشکار در رابطه با حقوق بشر شده و نگرانی‌ها نسبت به تأثیر این تدابیر بر مسلمانان، مهاجران و سایر جوامع اقلیت گسترش یافته است.

کمیسر عالی ملل متحد برای حقوق بشر، کمیسر حقوق بشر شورای اروپا، رابط ویژه ملل متحد درباره شکنجه، کمیته ملل متحد علیه شکنجه، کمیته ملل متحد درباره لغو تبعیض نژادی و نیز کمیته اروپایی جلوگیری از شکنجه (CPT) از جمله آنهایی هستند که نگرانی جدی خود را نسبت به آمارهای حقوق بشر انگلیس ابراز کرده‌اند.

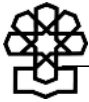
در داخل انگلیس نیز، کمیته‌های قانون اساسی، امور خارجی و حقوق بشر پارلمان اعضای قوه قضائیه و کارشناسان حقوقی و نیز عفو بین‌الملل و بسیاری از سازمان‌های غیردولتی دیگر نگرانی جدی‌شان را در این ارتباط بیان داشته‌اند.

این گزارش بالاتر از همه، مسئولیت‌های اصلی انگلیس که مدعی است از استانداردهای حقوق بشر و حکومت قانون دفاع می‌کند و آنها را بهبود می‌بخشد، مورد بررسی قرار می‌دهد. این گزارش پا از این نیز فراتر گذاشته و در مورد مسائل زیر تحقیق می‌کند:

- نقض‌های جدی حقوق بشر از سوی انگلیس در مبارزه با تروریسم،
- نقش انگلیس در طرح‌های ایالات متحده،
- مشارکت انگلیس با ایالات متحده در اشغال عراق،
- مسئولیت انگلیس برای ایجاد وحشت در میان تمام مسلمانان جامعه بریتانیا و توطئه ایجاد این دیدگاه که کلمات «مسلمان» و «تروریست» هم‌معنی هستند،
- نقض‌های حقوق بشر در ایرلند شمالی،
- زندان‌های انگلیس،
- پناهندگان و مهاجران،
- خشونت علیه زنان،
- آزادی بیان.

مواد ارزشمند گزارش حاضر عمدتاً بر پیمان‌های بین‌المللی، گزارش کمیسر حقوق بشر شورای اروپا،<sup>۱</sup> کمیسر عالی ملل متحد برای حقوق بشر گزارشات عفو بین‌الملل و سازمان‌های غیردولتی (NGOها) ملی و گزارش‌های روزنامه‌نگاران متکی است.

1. Report of Mr Alvor Gil- Robles on his Visit to the UK 4th, 12 Nov, 2004.



## بخش اول - جنگ علیه ترور یا زیر پا گذاشتن حقوق بشر

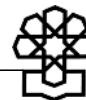
### مقدمه

از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و اعلام «جنگ علیه ترور» مقامات انگلیسی مجموعه‌ای از قوانین جدید را به تصویب رسانده و حمله مداومی را علیه حقوق بشر، استقلال قضایی و حکومت قانون به اجرا گذاشته‌اند. این قوانین به تصویب رسیده‌اند، هرچند که انگلیس قبلاً نیز برخی از شدیدترین قوانین ضدتروریسم را در اروپا دارا بود.

بعد از ۱۱ سپتامبر سه قانون جدید به تصویب رسید هرکدام از این قوانین تمهیدات گسترده‌ای را شامل می‌شوند که ناقض حقوق بشرند و تصویب آنها موجب نقض‌های جدی حقوق بشر شده است. پس از بمبگذاری‌های لندن در تاریخ ۷ جولای ۲۰۰۵، تدابیر خطرناک و ناشیانه دیگری نیز طراحی شد. این تدابیر، همچنین در تضاد با تعهدات انگلیس در رابطه با قوانین حقوق بشری بین‌المللی و داخلی است و موجب نقض‌های مهم و جدی حقوق بشری شده است. تدابیر و سیاست‌های ضدتروریستی منجر به قوانین و کارهایی شده است که اپوزیسیون و اختلاف عقیده را سرکوب می‌کند و به عوامل دولتی اجازه می‌دهد تا دست به سوءاستفاده‌های حقوق بشری نظیر کشتن‌های غیرقانونی، شکنجه، بازداشت خودسرانه و محاکمه ناعادلانه بزنند. این عامل ضدحقوق بشری بارها تکرار می‌شوند و در هیچ‌کدام از آنها مسلمان‌ها و سایر اقلیت‌ها دستی ندارند.

هزاران نفر از مسلمانان براساس قوانین ضدتروریسم در انگلیس در خیابان‌ها متوقف شده‌اند، مورد سؤال قرار گرفته‌اند، بازرسی بدنی شده‌اند، بازداشت شده‌اند و مورد استنطاق قرار گرفته‌اند. عده‌ای از خارجی‌ان مقیم انگلیس از ملیت‌های مختلف، کسانی که بنا به تشخیص مقامات انگلیسی به اجبار از نقل مکان در کشور منع شده‌اند، سال‌ها براساس اطلاعات محرمانه در شرایط سختی تحت نظر قرار دارند. جزئیات این اطلاعات محرمانه از آنها مخفی نگه داشته می‌شود و به همین دلیل آنها نتوانسته‌اند این اقدام دولت انگلیس را نپذیرند.

زمانی که نمایندگان حقوقدان مجلس اعیان این بازداشت‌ها را به دلیل تبعیض‌آمیز و ناموجه بودن غیرقانونی دانستند، دولت راه‌های جدیدی را برای محدود کردن آزادی‌های آنها در پیش گرفت. اول با اعمال به اصطلاح «مقررات کنترل» که با عجله به‌عنوان قوانین مصوب معرفی شدند و سپس با زندانی کردن اکثریت آنها براساس اختیارات مهاجرت که اخراج را بنا به دلایل امنیت ملی به حال تعلیق در می‌آورد هیچ‌کدام از این افراد در هیچ موردی در دادگاه قانونی در بریتانیا به دلیل گناهی در ارتباط با تروریسم، گناهکار شناخته نشده‌اند.



البته، مقامات بریتانیایی قبل از برگزاری دادگاه‌ها اظهار داشته‌اند که در قبال کسانی که تحت نظرند دلیل کافی برای حمایت از یک متهم مجرم وجود ندارد. در هر حال، مقامات بریتانیایی ادعای خود را مبنی بر اینکه این افراد «تهدیدی برای امنیت ملی» هستند تکرار می‌کنند. نگرش تحقیرآمیز دولت بریتانیا به حقوق بشر در «جنگ علیه ترور» در حوزه‌های دیگری نیز وجود داشته است. مقامات دولتی تلاش‌هایی را شروع کردند که ممنوعیت مطلق شکنجه یا سایر بدرفتاری‌ها را با دور زدن آن زیر پا گذاشتند.

عوامل بریتانیا، به‌ویژه عوامل اطلاعاتی آن، به همکاری با عوامل ایالات متحده در اقرار گرفتن از مظنونان با شکنجه در خارج و «تبعید پروازی» مردم به زندان‌های ایالات متحده در پایگاه هوایی بگرام، افغانستان و خلیج گوانتانامو، کوبا جایی که شکنجه یا سایر بدرفتاری‌ها به‌طور عادی اعمال می‌شوند، متهم شده‌اند. دادگاه استیناف انگلیس و ولز، در پی درخواست‌های دولت بریتانیا در آگوست ۲۰۰۴ رأی بر این داد که مدارکی که با شکنجه یا بدرفتاری به‌دست آمده‌اند در دعاوی دادگاهی بریتانیا محکمه‌پسند است. به شرط اینکه عوامل دولت نه به‌طور مستقیم در شکنجه دست داشته باشند و نه همکاری کرده باشند این یعنی شکنجه‌گران خارجی بودند؛ مهر تأییدی بر بریتانیا.

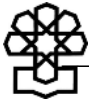
### قانون ۲۰۰۰ - تعریف مبهم و گسترده از تروریسم

زمانی که حمله به ایالات متحده آمریکا در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ رخ داد، قانون تروریسم ۲۰۰۰ کمتر از یک سال در حال اجرا بود. این قانون اختیارات گسترده‌ای را به مقامات دولتی اعطا می‌کرد. این اختیارات را کمیسر حقوق بشر شورای اروپا به‌عنوان «یکی از سختگیرانه‌ترین و جامع‌ترین قوانین ضدترور در اروپا» تعریف می‌کند.

این تعریف مبهم و مبسوط از «تروریسم» به معیاری برای همه قوانین ضدتروریسم در آینده در بریتانیا تبدیل شده است. «تروریسم» به‌عنوان استفاده از کنش یا تهدید به استفاده از کنش، برای نفوذ بر حکومت یا پیشبرد یک هدف سیاسی، مذهبی یا ایدئولوژیک تعریف می‌شود.

این تعریف قابل تفسیر مصداقی است. به‌علاوه، چنین تعریف مبهمی و مبسوطی به آسانی به درد اعمال پلیسی توهین‌آمیز می‌خورد. در انگلیس اعتراض‌کنندگان صلح‌طلب متوقف و مورد بازرسی بدنی قرار گرفته‌اند و براساس اختیارات گسترده‌ای که قانون ضدتروریسم به پلیس اعطا می‌کند موضوع از بازداشت‌شدگان مخفی نگه داشته می‌شود.

همه قوانین ضدتروریسم بعدی بر پایه تعریف مبهم و مبسوط «تروریسم» وضع شده در قانون تروریسم ۲۰۰۰ بوده است. از آنجا که تعریف «تروریسم» و هرگونه جرم مبتنی بر آن دقت و وضوح لازم برای حقوق جزا را ندارد، رفتاری که براساس قسمت‌های متعدد قانون ضدترور جنایی



نامیده می‌شود ممکن است براساس معیارها و قوانین بین‌المللی حقوق بشر به‌عنوان «جرم جنایی» محسوب نشود. خطر اینجاست که ممکن است مردم بخواهند به این وضعیت پایان دهند. وضعیتی که در آن مردم به دلایل سیاسی در برابر اجرای حقوق قانونی خود - که در حقوق بین‌المللی مصون داشته شده است - تحت پیگرد قرار می‌گیرند.

قانون تروریسم سال ۲۰۰۰ همچنین نظام متمایز پایداری از دستگیری، بازداشت و پیگرد ایجاد کرده است که حق همه مردم به برابری و حمایت برابر و بدون تبعیض قانون از همه - حتی که به طور بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است - را نقض می‌کند. این رفتار متمایز نه بر پایه جدیت خود قانون جنایی، بلکه بیشتر بر پایه انگیزه اعلام شده قانون - که در این قانون تحت عنوان «سیاسی، مذهبی یا ایدئولوژیک» تعریف شده است - قرار دارد. این نظام قضایی جنایی موازی تدابیر ایمنی کمتری برای مظنون در مقایسه با حقوق جنایی عادی فراهم می‌آورد.

بخش ۴۴ قانون تروریسم ۲۰۰۰ به پلیس اجازه می‌دهد که هر فردی را در منطقه ویژه‌ای متوقف و بازرسی کند. قبل از بخش ۴۴ پلیس اشخاص را تنها در صورتی می‌توانست متوقف کرده و بازرسی بدنی کند که «دلایل موجهی» و ملاک‌های معینی وجود می‌داشت. اینک دیگر وجود دلایل موجه و ملاک‌های معین ضروری نیست و ما شاهد استفاده اختیارات بخش ۴۴ علیه اعتراض‌کنندگان ضد سرمایه‌داری، ضد سلاح و ضد جنگ نیز بوده‌ایم.

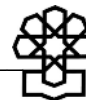
در سایه اشتیاق مزمن و طولانی‌مدت آن به مبهم بودن و گستردگی تعریف تروریسم، همچنین علاقه آن به عدم انطباق تدابیر ضد تروریستی متعدد با استانداردهای شناخته شده محاکمه عادلانه، همه اقلیت‌ها و NGOهای حقوق بشری نگران این بوده‌اند که هر نوع دستگیری، بازداشت، اتهام و محاکمه در ارتباط با یک جرم که در این تعریف گنجانده شده است ممکن است منجر به خطر و بی‌عدالتی شده و حکومت قانون و حمایت از حقوق بشر را در انگلیس تضعیف کند.

در نوامبر ۲۰۰۵ دولت انگلیس پذیرفت که در تعریف تروریسم بازنگری کند. این امر حاکی از جدی بودن نگرانی نسبت به آن تعریف بود. وزیر کشور انگلیس از لردکارلایل اوبریو بازبین مستقل قانون ضد تروریسم، خواست که بازبینی تعریف تروریسم را در عرض یک سال از اجرایی شدن لایحه تروریسم بررسی کند.

لردکارلایل بعدها درباره این واقعیت اظهار نظر کرد که دولت انگلیس «مقررات کنترل» را - که بر ۹ نفر اعمال شده بود - لغو کرده است و به همین دلیل آنها را می‌شد از بریتانیا اخراج کرد.

### قانون ۲۰۰۱ - بازداشت نامحدود بدون اتهام

با وجود اینکه دولت بریتانیا تنها یک سال قبل از حادثه ۱۱ سپتامبر، قانون ضد تروریستی ۲۰۰۰ را



به تصویب رسانده بود، واکنش این کشور در برابر آن حادثه این بود که از طریق قانونگذاری ضروری اختیارات خود را در رابطه با اشخاصی که مظنون به طراحی یا همدستی در حملات تروریستی در داخل بریتانیا بودند، بالا برد. یکی از دلایل تصویب قانون ۲۰۰۱ درباره ضدتروریسم، جرم و امنیت، ناتوانی دولت در بازگرداندن خارجیانی به کشورهای متبوعشان بود. این موضوع در مقدمه قانون مذکور عنوان شده است.

از ویژگی‌های اصلی قانون ۲۰۰۱ درباره ضدتروریسم، جرم و امنیت این بود که خارجیانی مقیم مظنون به تروریسم را در صورتی که نتوان بدون نقض قوانین حقوق بشر بریتانیا از کشور اخراج کرد (به‌عنوان مثال اگر که آنها به مجازات مرگ یا شکنجه در کشور مادری خود محکوم شده باشند) می‌توان بدون محاکمه زندانی کرد. براساس این اختیارات افراد زیادی، به‌ویژه در زندان بلمارش<sup>۱</sup> زندانی شدند. آنها در صورتی که حاضر به ترک کشور می‌شدند می‌توانستند آزاد شوند و عده‌ای از آنها چنین کردند.

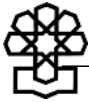
در ۱۳ نوامبر ۲۰۰۱ دولت بریتانیا برنامه ضدتروریسم، جرم و امنیت را به‌منظور مبارزه با القاعده تقدیم پارلمان کرد که در ۱۴ دسامبر ۲۰۰۱ به تصویب رسید. چنین فرآیند قانونگذاری شتابانی باعث شک و تردیدهایی نسبت به کامل بودن، کافی بودن و کارآمد بودن فرآیند قانونگذاری در پارلمان انگلیس می‌شود.

طبق گزارش کمیسر حقوق بشر شورای اروپا:

«پرواضح است که محدودیت تدابیر تحقیرآمیز قانون ۲۰۰۱ برای خارجیانی و استفاده کردن از آن تدابیر فقط برای مسلمانان، تأثیر منفی هم بر نگرش بقیه جمعیت نسبت به مسلمانان و هم بر اعتماد بسیاری از مسلمانان نسبت به عادلانه بودن قوه مجریه داشته است. آسیب‌های وارده بر هردوی اینها به آسانی قابل جبران نیست.»

قانون ۲۰۰۱ اختیارات دولت را به‌طور چشمگیری بالا برد. این قانون از دست دادن اموال تروریستی و مقررات مسدود کردن صندوق‌ها و دارایی‌های تروریستی را در نظر گرفته است. قانون مذکور اختیارات بیشتری به پلیس داده است تا تروریست‌ها را شناسایی کند و همچنین جرائم مبهمی مثل «ارتباط» داشتن با عضوی از اعضای یک «گروه تروریستی بین‌المللی» را در خود گنجانده است.

بخش ۴ این قانون بازداشت نامحدود و بدون اتهام خارجیانی را که از سوی وزارت داخلی، «تروریست‌های بین‌المللی مظنون» نامیده می‌شوند، مجاز دانسته است. این در صورتی است که چنین افرادی را به این دلیل که در صورت انتقال به کشور متبوعشان با خطر واقعی شکنجه یا



رفتار تحقیرآمیز و غیرانسانی روبرو می‌شوند، نتوان از بریتانیا اخراج کرد.

بخش ۴ اختیارات جدیدی برای بازداشت کردن وضع نکرده است. براساس قانون مهاجرت سال ۱۹۷۱ وزارت کشور اختیار بازداشت آن دسته از خارجیانی را که اخراج آنها از کشور درحال تعلیق است دارد. در عوض، بخش ۴ محدودیتی را که الزامات مواد ۵(۱)(f) از کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بر اختیارات بازداشت اعمال می‌کرد از بین برد. این محدودیت می‌گفت که یک فرد را قبل از اخراج تنها به مدت کمی می‌توان بازداشت کرد.

قانون ۲۰۰۱ به نماینده دولتی این اختیار را می‌داد که به خارجیانی که بنابه دلایلی نباید از انگلیس اخراج می‌شدند عنوان «تروریست‌های بین‌المللی مظنون» و «خطر امنیت ملی» بدهد. چنین افرادی را - زمانی که به این عناوین شناخته می‌شدند - می‌شد به مدت نامعلومی بدون هیچ‌گونه اتهام یا محاکمه‌ای، فقط براساس اطلاعات محرمانه‌ای که بازداشت‌شدگان یا وکلای آنها از دسترسی به آنها محروم بودند و بنابراین نمی‌توانستند به‌طور مؤثری این اطلاعات را به چالش بکشند بازداشت کرد.

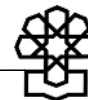
### استفاده از مدرک به‌دست آمده از طریق شکنجه

در جولای ۲۰۰۳ یکی از کارکنان سرویس امنیتی گفت براساس قانون ۲۰۰۱ این امکان وجود داشت که اطلاعات به‌دست آمده از طریق شکنجه را سرویس امنیتی می‌توانست به‌عنوان اطلاعات قابل اتکا ارزیابی کند. بنابراین اطلاعات به‌دست آمده را وزارت کشور می‌توانست در دعاوی حقوقی کمیسیون ویژه درخواست مهاجرت مستمسک قرار دهد. در ۲۹ اکتبر ۲۰۰۳ این کمیسیون رأی بر این داد که چنین مدرکی نه‌تنها در دعاوی حقوقی محکمه‌پسند است، بلکه این نهاد نیز می‌تواند در صدور رأی به آن استناد کند

این حکم همچنین حقوق داخلی بریتانیا را در تضاد با تعهدات بین‌المللی این کشور مبنی بر ممنوعیت مطلق شکنجه یا سایر بدرفتاری‌ها قرار داد.

کمیته اروپایی جلوگیری از شکنجه (CPT) گزارشی از بازدید خود در مارس ۲۰۰۴ منتشر کرد. این گزارش حاکی از این بود که بازداشت‌هایی که براساس قانون ضدتروریسم، جرم و امنیت ۲۰۰۱ انجام شده‌اند در بسیاری از بازداشت‌شدگان اختلالات ذهنی ایجاد کرده است. چراکه مدت این بازداشت‌ها نامعلوم بود و بازداشت‌شدگان اطلاعی نسبت به مدرک جرم خود نداشتند. این کمیته گزارش داد که وضعیت برخی از بازداشت‌شدگان در زمان بازدید در حد غیرانسانی و تحقیرآمیز بود.

همچنین در نوامبر ۲۰۰۴ کمیته ضدشکنجه بر نگرانی خود تأکید کرد. این کمیته توصیه کرد که



مقامات بریتانیایی نباید «در هیچ محاکمه‌ای مدرکی را که از طریق شکنجه به دست آمده است ارائه دهند و بر آن استناد کنند».

کمیسیون حقوق بشر شورای اروپا گزارشی را از بازدید خود در نوامبر ۲۰۰۴ منتشر کرد و نگرانی خود را نسبت به محکمه‌پسند بودن اطلاعات به دست آمده از طریق شکنجه در محاکم قضایی به عنوان مدرک، وضعیت زندان‌ها، رفتار با پناهندگان، پایین بودن میزان مسئولیت‌پذیری جنایی و تبعیض ابراز کرد.

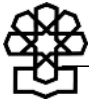
تری دیویس، دبیرکل شورای اروپا در اکتبر ۲۰۰۵ اظهار داشت: «دولت‌های اروپایی نباید از شکنجه در بخش‌های دیگر دنیا چشم‌پوششند. اطلاعاتی که تحت شکنجه به دست آمده باشند نباید هرگز، در هیچ شرایطی، به عنوان «مدرک» در محاکم قضایی پذیرفته شوند، بدون توجه به اینکه در کجا و توسط چه کسی به دست آمده‌اند هر نوع تلاشی برای تغییر کنوانسیون اروپا در مورد حقوق بشر در این خصوص نه تنها حقوق، بلکه امنیت ما را به خطر می‌اندازد».

طبق گزارش عفو بین‌الملل و انتقاد آن، دولت نباید ترور را با خطر پاسخ دهد زیرا شکنجه خود نوعی ترور است و نمی‌تواند جلوی ترور را بگیرد. در پنج سال اخیر (۲۰۰۱-۲۰۰۶) شاهد واکنشی علیه حقوق بشر با نام «جنگ علیه ترور» بوده‌ایم. نقض‌های حقوق بشر به نام امنیت و تدابیری مثل شکنجه و رفتارهای ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز که حقوق اساسی بشر را زیر پا می‌گذارند، صورت می‌پذیرند. اما علیرغم انتقادهای گسترده مقامات بریتانیا در تلاش برای دفاع از احکام دادگاه استیناف در برابر نمایندگان حقوقدان مجلس اعیان هستند.

### بازداشت و شکنجه روحی مظلون‌ها

در ۱۹ دسامبر ۲۰۰۱، ۹ مرد به استناد بخش ۴ قانون ۲۰۰۱، در اول صبح توسط عده‌ای از افسران پلیس بازداشت شدند و همسران و فرزندان آنها صدمه دیدند. گزارش‌ها حاکی است که با برخی از این بازداشت‌شدگان و اعضای خانواده آنها رفتار خشن و گستاخانه‌ای صورت گرفت. بازداشت‌شدگان به سرعت به زندان‌های امنیتی با شرایط سخت بازداشت، انداخته شدند کسان دیگری نیز به کرات بازداشت شده و در چنین اوضاعی نگهداشته می‌شدند.

در کل، ۱۶ خارجی در زمان‌های مختلفی برای بخش ۴ قانون ضدتروریسم، جرم و امنیت<sup>۱</sup> بازداشت شدند. اکثر بازداشت‌شدگان بیش از سه سال تحت شرایط سختی در دو زندان بسیار امنیتی (بلمارش و وودهیل) و در بیمارستان روانی بسیار امنیتی برودمور زندانی بودند. در اثنای بازدید نمایندگان عفو بین‌الملل از زندان بلمارش در ژوئن ۲۰۰۲ برخی از



بازداشت‌شدگان وضعیت خود را با عنوان «شکنجه روانی» توضیح دادند، چراکه نمی‌دانستند تا کی قرار است در بازداشت بمانند و به چه دلیل.

در نوامبر ۲۰۰۴ کمیته ضدشکنجه سازمان ملل متحد نگرانی خود را نسبت به نظام سختگیرانه بازداشت که براساس آن برخی از بازداشت‌شدگان در زندان بلمارش نگهداری می‌شدند ابراز کرد. در ژانویه ۲۰۰۵ رویال کالج روان‌درمان‌گران اطلاعیه‌ای صادر کرد که نسبت به سلامت روانی بازداشت‌شدگان که براساس قانون ضدتروریسم، جرم و امنیت نگهداری می‌شدند ابراز نگرانی می‌کرد. این اطلاعیه بر یافته‌های اکتبر ۲۰۰۴، ۱۲ دکتر رده بالا صحه گذاشت این کالج همچنین اظهار داشت:

«هشت نفر از بازداشت‌شدگان که مورد مطالعه قرار گرفتند از مشکلات سلامت روانی مهمی در رنجند». با اینکه مجلس اعیان رأی می‌داد که بازداشت نامعلوم با حق آزادی مغایرت دارد و تبعیض را قدغن کرد، دولت تلاشی برای جبران خسارت قربانیان نکرد. دولت تا مارس منتظر ماند تا مقدمات قانونی لغو رأی مجلس اعیان را فراهم کند. دولت به‌طور همزمان قانون جلوگیری از تروریسم ۲۰۰۵ را به تصویب رساند که با روح حکم نمایندگان قضایی مجلس اعیان مغایرت داشت و نقض‌های گسترده‌ای را در رابطه با حقوق بشر مجاز می‌شمرد.

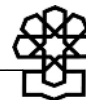
### قانون ۲۰۰۵ - مقررات کنترل و تحدید آزادی

قانون جلوگیری از تروریسم<sup>۱</sup> ۲۰۰۵ قانونی پارلمانی در رابطه با رأی ۱۶ دسامبر ۲۰۰۴ مجلس اعیان است. طبق رأی مجلس اعیان بازداشت بدون محاکمه ۹ نفر خارجی در زندان بلمارش غیرقانونی و مغایر با حق بشر اروپایی و داخلی بود.

قانون ۲۰۰۵ به وزارت داخلی این اجازه را می‌دهد که «مقررات کنترل» را بر افراد مظنون به همکاری در تروریسم اعمال کند. این مقررات در مواردی ممکن است از قوانین حقوق بشر تخطی کند. قانون جلوگیری از تروریسم اختیارات بی‌سابقه‌ای را به دولت برای اجرای «مقررات کنترل» به‌منظور تحدید آزادی، جابجایی و فعالیت‌های افراد مظنون به تروریسم، براساس اطلاعات محرمانه داد. تحمیل «مقررات کنترلی» برای قوه مجریه در حکم «اعلام اتهام»، «محاکمه» و «صدور رأی» برای یک فرد بود.

قانون ۲۰۰۵ این اجازه را می‌دهد که یک فرد را از حقوق مربوط به محاکمه‌ای عادلانه محروم کنند. از جمله حقوقی که براساس این قانون از فرد سلب می‌شود به‌شرح زیر است:

- حق مطلع بودن فوری و با جزئیات نسبت به ماهیت و علت اتهامش،



- حق داشتن محاکمه‌ای در یک دوره زمانی منطقی یا آزاد بودن در جریان دادگاه،  
- حق فرض بی‌گناهی که در مورد همه متهم‌شدگان به جرم جنایی رعایت می‌شود،  
- حق برابری در برابر قانون و حمایت برای قانون بدون هیچ تبعیضی،  
- حق دفاع از خود شخصاً یا از طریق وکیل حقوقی که خودش انتخاب کرده باشد.

در مارس ۲۰۰۵ دولت «مقررات کنترلی» را به کسانی که براساس قوانین سابق بازداشت شده بودند تسری داد و محدودیت‌های سختی را بر آنها تحمیل کرد و حقوق انسانی آنها را نقض کرد. «مقررات کنترلی» بعداً به افراد دیگری تحمیل شد. با وجود تحمیل محدودیت‌های قانون فوق بر مسلمانان و افراد گروهک منافقین و اعضای وابسته آن (MEK-PMOL-NLA) بدون هیچ ممانعتی و با آزادی (تحت نام NCR, NCRI) در انگلیس فعالیت می‌کنند و گروه‌های وابسته آن ازسوی ایالات متحده، کانادا، اتحادیه اروپا، عراق و ایران سازمانی تروریستی نامیده می‌شود.

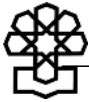
اعضای این سازمان تروریستی روزنامه «مجاهد» را در بریتانیا تهیه و منتشر می‌کنند که آزادانه در دسترس قرار می‌گیرد آنها همچنین یک شبکه تلویزیونی را به نام «تلویزیون ایران» در لندن اداره می‌کنند. این روزنامه و تلویزیون مرتباً برای جمع‌آوری اعانه برای منافقین مورد استفاده قرار می‌گیرد و شماره حساب‌های بانکی را که در بانک‌های بریتانیا ایجاد شده‌اند اعلام می‌کند. قانون تروریسم سازمان‌های غیرقانونی را از انجام چنین فعالیت‌هایی منع می‌کند و به مقامات انگلیسی این اختیار را می‌دهد که دارایی‌های آنها را توقیف کرده و اعضای آنها و نیز حامیان آنها را دستگیر و زندانی کنند.

نفرت‌انگیز اینکه درحالی که بسیاری از افراد و مسلمانان بدون اینکه رسماً متهم به گناهی شده باشند به اتهام جمع‌آوری اعانه برای تروریسم زندانی می‌شوند، یک سازمان غیرقانونی تروریستی به‌طور آشکار به ایجاد حساب بانکی و جمع‌آوری اعانه با حمایت برخی از نمایندگان مجالس پارلمانی اقدام می‌کند.

### **بمبگذاری‌های لندن - وخیم‌تر شدن وضعیت حقوق بشر**

در آگوست ۲۰۰۵ و در پی بمبگذاری‌های لندن، نخست‌وزیر بریتانیا تدابیر جدیدی را برای مقابله با تروریسم پیشنهاد کرد. اغلب این تدابیر مغایر با تعهدات داخلی و بین‌المللی بریتانیا در رابطه با حقوق بشر بودند و بیشترشان مسلمانان و شهروندان غیربریتانیایی را هدف قرار می‌دادند.

وخیم‌تر شدن وضعیت حقوق بشر را حملات تروریستی ۷ جولای ۲۰۰۵ در مرکز لندن تشدید کرد. در نتیجه این حملات دولت پیشنهادات جنجال‌برانگیز چندی را برای تصویب شدن در جهت مقابله با تروریسم ارائه داد و تمهیداتی را برای سرعت بخشیدن به اخراج مظنونان در نظر گرفت.



گزارش‌های روبه‌رشدی از بازداشت و بازرسی‌های خودسرانه و تیراندازی به قصد کشتن به کسانی که به اشتباه مظنون به بمبگذار انتحاری بودند، نگرانی‌های جدی‌ای را نسبت به اختیارات گسترده‌ای که به پلیس داده شده بود ایجاد کرد. گزارش‌ها حاکی از این است که تحت سیاست تیراندازی به قصد کشتن که با رمز «کراتوهای عملیاتی» نامیده شدند، به‌ویژه جوخه‌های نظامی اختیار استفاده از نیروی کشنده (شلیک به سر) را در ارتباط با مظنونان به بمبگذاری انتحاری به‌دست آوردند.

بلافاصله پس از حادثه شلیک، مقامات پلیس قروپلین (MET) گزارش می‌کردند که شلیک مستقیماً به عملیات ضدتروریستی در حال اجرا مربوط بود و می‌گفتند که رفتارها و طرز لباس پوشیدن‌های آنها این ظن را بیشتر می‌کرد که آنها بمبگذار انتحاری هستند.

علیرغم موج انتقادهایی که از سوی اعضای سازمان‌های حقوق مدنی و رهبران مسلمانان به راه افتاد و علیرغم خواسته‌های آنها مبنی بر بازنگری در سیاست شلیک به قصد کشتن و به بحث عمومی گذاشتن آن، پلیس مترو اظهار داشت تاکتیک شلیک به قصد کشتن به‌منظور دفاع سرجای خود خواهد ماند.<sup>۱</sup>

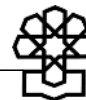
### کشته شدن غمانگیز جین چارلز دومنزس

در روز ۲۲ جولای ۲۰۰۵، جین چارلز دومنزس یک مرد ۲۷ ساله برزیلی، توسط افسران پلیس تروپلین در متروی لندن کشته شد. براساس گزارش‌ها و بعد از اینکه به اشتباه به‌عنوان یک بمبگذار مظنون شناخته شده بود، محکم بسته شده و هفت بار به سرش شلیک شده بود. این حادثه ترس از کشته شدن توسط شلیک پلیس را در بسیاری از لندن‌ها، به‌ویژه آنهایی که از اقلیت‌های نژادی بودند، ایجاد کرد.

ملاک‌ها و حقوق داخلی و بین‌المللی مرتبط لازم می‌دانند که بی‌درنگ تحقیقی راجع به حادثه انجام شود و تحقیق مذکور باید از ابتدا به‌طور مستقل و تمام و کمال صورت پذیرد، اما متأسفانه هیچ نوع پیگیری روشن و کاملی در رابطه با کشته شدن جین چارلز صورت نپذیرفته است و هیچ نوع اتهامی جنایی علیه اشخاص مرتبط با مرگ وی اقامه نشده است.

اطلاعی‌های اولیه پلیس اظهار می‌داشت که جین چارلز مظنون به ارتباط داشتن با حوادث روز قبل بود. همچنین گزارش شد که او سعی داشت تا از دستگیر شدن فرار کند و بدتر اینکه او در تابستان ژاکت ضخیمی پوشیده بود که به‌نظر می‌رسد به‌منظور پنهان کردن مواد منفجره بوده است. با این‌حال، دو روز بعد رئیس پلیس مترو پلین صریحاً اعلام کرد که جین چارلز دومنزس در

1. BBC News, "Shoot to Kill Policy to Remain", 25 July, 2005.



هیچ نوع فعالیت مشکوکی دست نداشته است و در نتیجه یک اشتباه به ضرب گلوله کشته شده است. پلیس بعدها اذعان کرد که جین چارلز یک ژاکت جین پوشیده بود و به هیچ وجه مشکوک عمل نکرده بود.

پلیس مترو پلینتین بعدها تأیید کرد که درصدد بوده است کمیسیون مستقل شکایات پلیسی را از انجام تحقیق مستقلی در ارتباط با کشته شدن جین چارلز باز دارد. این واقعیت که پلیس مترو پلینتین بر تحقیق در مرحله سرنوشت‌ساز اولیه کنترل دارد برخلاف ضرورت انجام تحقیقی مستقل درباره مسببان مرگ جین چارلز است. این واقعیت و نیز اطلاعیه‌های اولیه درباره شرایط کشته شدن، لاپوشانی دولت بریتانیا را نشان می‌دهد.

طبق معیارهای بین‌المللی همه مقامات اجرایی قانون باید بدانند که استفاده از زور و سلاح گرم براساس اصول مطلق مثل ضرورت و تناسب مجاز می‌باشد و نیروی کشتار چاره آخرین است. معیارهای بین‌المللی تأکید می‌کنند که مقامات اجرایی قانون تنها در صورتی می‌توانند به استفاده از سلاح‌های گرم توسل جویند که استفاده از این سلاح‌ها برای حفظ زندگی ضروری و اجتناب‌ناپذیر باشد. در اول نوامبر ۲۰۰۷ یک هیئت ژوری در دادگاه جنایی مرکزی در لندن رأی صادر کرد مبنی بر اینکه کمیسر پلیس مترو پلینتین (آقای یان) براساس قانون سلامت و تندرستی، گناهکار بوده است، البته برای دولت بریتانیا مجرم بودن براساس قانون سلامت و تندرستی کافی نیست و این دولت نمی‌تواند به استناد این قانون تعهدات بین‌المللی خود در رابطه با حقوق بشر را اجرایی و بررسی آشکار و کاملی را از اعمال کارگزاران دولتی در ارتباط با کشته شدن جین چارلز تضمین نماید.

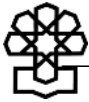
آقای یان، کمیسر پلیس مترو پلینتین گفت کاش زودتر می‌دانست که فرد کشته شده به اشتباه کشته شده است. پاسخ‌خواهی او را مجبور کرد که اعتراف کند: «ما به‌طور وحشتناکی اشتباه کرده‌ایم، اما گناهکار نیستیم. فکر می‌کنم اگر دوباره چنین کاری صورت بگیرد اطلاعات به‌طور بسیار متفاوت‌تری جریان خواهد داشت»<sup>۱</sup>.

### ناسازگاری با معیارهای حقوق بشری

هردوی قانون‌های گفته شده (۲۰۰۱ و ۲۰۰۵) به دلیل عدم برگزاری مذاکرات پارلمانی برای تصویب آنها مورد انتقاد قرار گرفته‌اند قانون ضدتروریسم جرم و امنیت در عرض ۳۲ روز و قانون جلوگیری از تروریسم در ۱۷ روز به توشیح سلطنتی رسیدند.

در آوریل ۲۰۰۶ یک قاضی دادگاه اعلامیه‌ای را منتشر کرد. مبنی بر اینکه بخش ۳ قانون ۲۰۰۵ با توجه به ماده (۶) کنوانسیون اروپایی حقوق بشر برخلاف حق برخورداری از محاکمه‌ای عادلانه

1. The Guardian, 7 Sept, 2007.



است. این قانون را آقای جاستیس سولیوان «توهین به عدالت» نامید.

آقای جاستیس سولیوان در آوریل ۲۰۰۶ در جریان رسیدگی به پرونده Re MB اعلامیه‌ای را براساس بخش ۴ قانون حقوق بشر ۱۹۹۸ منتشر کرد و گفت که بخش ۳ قانون جلوگیری از تروریسم ۲۰۰۵ با توجه به ماده (۶) کنوانسیون اروپایی حقوق بشر برخلاف حق برخورداری از محاکمه عادلانه است.

تدابیر اتخاذ شده در این قانون از سوی تعدادی از سازمان‌های حقوق بشری از جمله عفو بین‌الملل، دیده‌بان حقوق بشر، عدالت و آزادی مورد مخالفت قرار گرفته‌اند. از جمله دیگر انتقادات نسبت به این قانون عبارتند از: شکایت‌هایی راجع به دامنه محدودیت‌هایی که ممکن است اعمال شود، برگزاری دادگاه‌هایی بسته و استفاده از وکلای ویژه برای شنیدن مدرک محرمانه علیه بازداشت‌شدگان و امکان استفاده از مدرکی که در کشورهای دیگر از طریق شکنجه از بازداشت‌شدگان به دست آمده است.

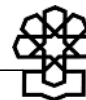
جدیدترین انتقاد در رابطه با قانون جلوگیری از تروریسم (۲۰۰۵) پاسخ به تهدید فزاینده مسلمانان است. این قانون «بازداشت خانگی» مظنونان را در جایی که مدرک کافی برای کشاندن آنها به دادگاه وجود ندارد مجاز می‌شمارد. این جنبه از قانون تنها برای توجیه بازداشت بدون محاکمه ۹ نفر خارجی در زندان بلمارش - که براساس قانون حقوق بشر غیرقانونی بازداشت شده بودند - گنجانده شده است.

### مورد م. ابوریده

م. ابوریده پناهنده بی‌خانمان ۳۳ ساله فلسطینی و بازمانده‌ای از شکنجه است. او متأهل است و پنج فرزند دارد. او از سال ۱۹۹۷ در بریتانیا زندگی کرده است. او در ابتدا در دسامبر ۲۰۰۱ براساس قانون ضدتروریسم، جرم و امنیت دستگیر و زندانی شد و در زندان بسیار امنیتی بلمارش در جنوب لندن نگهداری شد.

آقای ابوریده از نوعی اختلال روانی پس از آسیب رنج می‌برد. او در شرایط سخت بازداشت شروع به خودزنی کرد و حداقل چهار بار اقدام به خودکشی کرد. او همچنین از سیاتیک رنج می‌برد که در طول زندانی بودنش در بلمارش بدتر شد و اینک او را مجبور به استفاده از ویلچر کرده است. م. ابوریده پس از سه سال بازداشت براساس «مقررات کنترلی» در مارس ۲۰۰۵ آزاد شد. او اینک سخت بیمار است و می‌گوید:

اگر می‌توانستم به گذشته برگردم فردا به فلسطین باز می‌گشتم. هرگز با من مصاحبه‌ای نشده بود و از من سؤالی پرسیده نشده بود. اولین باری بود که بازداشت می‌شدم آنها به من گفتند



تروریست هستم، اما هرگز در طول این سال‌ها مدرکی به من نشان ندادند. آنها با من مثل یک جانی رفتار می‌کردند. در واقع آنها با جانیمان بهتر از این رفتار می‌کردند.

## حبس و اخراج معلق

از اواسط فوریه ۲۰۰۶ و در پی امضای تفاهمنامه‌ای با اردن ده نفر دستگیر و به دلایل امنیتی بازداشت شدند و اخراجشان به تعلیق افتاد.

براساس گزارش عفو بین‌الملل از نوامبر ۲۰۰۵، ۲۹ نفر بازداشت شدند و با عنوان «تهدید علیه امنیت ملی» منتظر اخراج شدند هرچند که در معرض شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها قرار داشتند.

طبق گزارش عفو بین‌الملل دولت بریتانیا در ژانویه ۲۰۰۷ دو مرد را به الجزایر تبعید کرد جایی که آنها به دلیل دست داشتن احتمالی‌شان با تروریسم در معرض شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها قرار داشتند. هرچند که هیچ مدرک قطعی‌ای علیه این دو مرد وجود نداشت، مقامات انگلیسی برچسب تهدید علیه «امنیت ملی» زدند و از این برچسب به‌عنوان دلیلی برای اخراج آنها از کشور استفاده کردند برخی از این افراد قبلاً سال‌ها در شرایط سخت در زندان‌های امنیتی بدون اتهام یا محاکمه و براساس قانون ضدتروریسم، جرم و امنیت در بازداشت بوده‌اند.

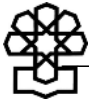
در نتیجه این بازداشت‌ها بسیاری از بازداشت‌شدگان و اعضای خانواده آنها از وخامت جدی سلامت روحی و جسمی رنج می‌بردند:

«آن چهار سال برای ما به‌طور وحشتناکی سخت بود ما با عواقب زندانی بودن نامعلوم و بدون اتهام و محاکمه افراد مورد علاقه خود زندگی می‌کردیم. ما تحت فشار محدودیت‌های سخت و پیچیده مقررات کنترلی زندگی می‌کردیم. هنوز افراد مورد علاقه ما هرگز متهم به هیچ نوع جرم جنایی نشده بودند. به مدت چهار سال ما هیچ نوع آرامش ذهنی و هیچ نوع زندگی خانوادگی نداشتیم. زندگی ما و زندگی فرزندان ما جدا شده بود»<sup>۱</sup>.

عفو بین‌الملل در گزارش خود نگرانی عمیق خود را اظهار داشت مبنی بر اینکه زندانیان زندان لانگ لارتین در «ساعت خودکشی» نگهداری می‌شوند. از جمله این زندانیان «جی» بود که سابقاً به قید ضمانت براساس قانون ضدتروریسم، جرم و امنیت و به دلیل اینکه سلامت روانی‌اش تحت تأثیر حبس طولانی‌مدت بدون اتهام به خطر افتاده بود آزاد شده بود.

عفو بین‌الملل همچنین نگرانی عمیقش را نسبت به بی‌اعتنایی مستمر مقامات بریتانیا به پیشینه مشکلات روانی جدی این افراد و دلایل این مشکلات و نیز پیامدهای بازداشت مجدد آنها بر سلامت جسمی و روانی‌شان ابراز کرده است.

۱. گزیده‌ای از «سخنی از خانواده‌های اخراجی‌ها»، ۳ نوامبر، ۲۰۰۵.



دولت بریتانیا سعی کرد تا منع مطلق شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها را براندازد. این دولت معتقد است که حق یک شخص برای حفاظت شدن از چنین رفتارهایی در خارج باید با خطری که آن شخص برای کشور اخراج‌کننده تحمیل می‌کند مقایسه شود، اما دادگاه اروپایی حقوق بشر در ۲۸ فوریه ۲۰۰۸ بار دیگر تأکید کرد که ممنوعیت درباره افراد اخراج شده برای کشورهایی که این افراد در آنجا در معرض خطر شکنجه یا بدرفتاری قرار دارند مطلق و بی‌قید و شرط است. در اکتبر ۲۰۰۵ طرح جدیدی برای تروریسم پیشنهاد شد. این طرح تدابیر مبهم و فراگیری را شامل می‌شد که حقوق مربوط به آزادی بیان، اجتماعات، آزادی و محاکمه عادلانه را تضعیف می‌کرد.

### قانون ۲۰۰۶ - خلق جرائم جدید

این قانون، یک قانون بریتانیایی است که در ۱۲ اکتبر ۲۰۰۵ به پارلمان ارائه شد و در ۳۰ مارس ۲۰۰۶ به تصویب رسید. این قانون جرائم جدیدی را در ارتباط با تروریسم خلق می‌کند و در جرائم موجود تجدیدنظر می‌کند. پیش‌نویس این قانون در پی بمبگذاری‌های لندن در ۷ جولای ۲۰۰۵ نوشته شد و برخی از اصلاحات آن بسیار مناقشه‌برانگیز بوده‌اند. دولت به این قانون به‌عنوان واکنشی ضروری به یک تهدید تروریستی بی‌سابقه نگاه می‌کند، حال آنکه برخی از اعضای اپوزیسیون در پارلمان آن را به‌عنوان محدودیتی غیرضروری بر آزادی‌های مدنی می‌شمارند که می‌تواند برخی از مسلمانان بریتانیایی را به سمت خشونت سوق دهد.

قوانین ضدتروریستی موجود با به‌دست آوردن قدرت قانون تروریسم ۲۰۰۶ گسترش یافت. این قانون تعریف جدیدی از تروریسم ارائه داد و جرائم جدیدی را در ارتباط با ترویج تروریسم، انتشار منشورات تروریستی و آماده‌سازی عملیات‌های تروریستی و نیز جرائم دیگری در رابطه با آموزش تروریستی جعل کرد. این قانون همچنین اختیارات وزارت کشور را به‌منظور قدغن کردن گروه‌هایی که حامی تروریسم به حساب می‌آیند افزایش داد و نیز اختیارات بازپرسی و پلیسی را گسترش داد.

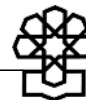
قبل از ارائه قانون نگرانی‌ها نسبت به طرح پیشنهادی دولت گسترش یافت. از جمله منتقدین لوئیس آربور، کمیسر عالی حقوق بشر ملل متحد در نوامبر ۲۰۰۵ در نامه‌ای به دولت بریتانیا نگرانی خود را نسبت به جنبه‌های متعدد طرح تروریسم ابراز کرد. نگرانی‌های وی عبارت بودند از:

- فقدان تعریف دقیقی از تروریسم که جرائم جدید بر پایه آن قرار داشته باشند،

- ماهیت فراگیر و گسترده برخی از این جرائم،

- پرسش‌های فراوان راجع به چگونگی رعایت اصل قانونمندی،

- عدم نیاز جدی واقعی به برخی از جرائم و دامنه مشکوک آنها.



براساس ماده (۹) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده (۱۰) کنوانسیون اروپا در مورد حقوق بشر (درباره آزادی بیان).

- ناتوانی در ایجاد توازن بین منافع امنیت ملی و حق اساسی آزادی بیان.  
بالاخره، کمیسر عالی درباره دوره زمانی بازداشت قبل از محاکمه برای آنهایی که براساس قانون تروریسم بازداشت شده‌اند گفت:

«من شدیداً نگران این هستم که حقوق تضمین شده در ماده (۹) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده (۵) کنوانسیون اروپا در مورد حقوق بشر چگونه مورد حمایت قرار خواهند گرفت».  
قابل ذکر است که این قانون مورد توجه شدید رسانه‌ها قرار گرفت و باعث شکست سنگین دولت تونی بلر در مجلس عوام شد.

قانون ۲۰۰۶ به‌عنوان چهارمین قانون تصویب شده از سال ۲۰۰۰ است که با هدف مقابله با تروریسم تصویب شده است. برخی از تدابیر آن برخلاف حقوق اساسی بشر است. این قانون جرائم جدیدی از جمله «تشویق تروریسم» را خلق کرد که دامنه آن به‌طور چشمگیری از تدابیر حقوق بین‌الملل فراتر رفت.

قانون مذکور همچنین حداکثر زمانی را که پلیس بتواند بدون اتهام افراد را به استناد قانون تروریسم بازداشت کند از ۱۴ روز به ۲۸ روز افزایش داد. آقای یان افسر ارشد پلیس از نمایندگان مجلس خواست که محدودیت ۲۸ روزه برای بازداشت بدون اتهام مظنونان به ترور را به ۵۰ الی ۹۰ روز افزایش دهند.<sup>۱</sup>

براساس تحقیقی که لایبرتی، سازمان حقوق بشر، در ۱۵ کشور دمکراتیک انجام داده است محدودیت ۲۸ روزه بریتانیا برای بازداشت بدون اتهام مظنونان به ترور طولانی‌ترین زمان بازداشت بدون اتهام در بین ۱۵ کشور مذکور است.

یاگوراسل، افسر سیاسی لایبرتی می‌گوید: «نظام قضایی جنایی برخی از کشورها، در مقایسه صادقانه، بسیار شبیه نظام قضایی جنایی خود ماست. هیچ‌کدام از این کشورها اجازه بازداشت پیش از اتهام، چیزی مثل ۲۸ روز، را نمی‌دهند».

عفو بین‌الملل در این خصوص در گزارش خود می‌گوید:

«از اوایل دهه ۱۹۷۰ و به‌ویژه در شرایط منازعه ایرلند شمالی، عده کثیری از افراد براساس تدابیر ضروری و ضدتروریستی بازداشت و نهایتاً بدون هیچ اتهامی آزاد شدند. عفو بین‌الملل نگران این است که این رویه، با تصویب بازداشت بدون اتهام به مدت ۲۸ روز، تکرار شود. این کار به نوبه خود باعث خواهد شد تا بخش‌های زیادی از جمعیت بریتانیا دشمن شوند، زیرا آنها احساس

1. The Guardian, 10 Oct, 2007.



خواهند کرد که به دلیل هویت مذهبی و نژادی واقعی یا غیرواقعی خود مورد هدف قرار گرفته‌اند و به این باور خواهند رسید که هدف اصلی بازداشت‌های طولانی‌مدت نه به خاطر هیچ اتهامی، بلکه به خاطر کسب اطلاعات بوده است».

دیده‌بان حقوق بشر در ۲۴ ژانویه ۲۰۰۸، اظهار داشت که: طرح ضدتروریستی جدیدی به پارلمان ارائه شده است. طرح دولت بریتانیا برای بازداشت مظنونان تروریستی به مدت ۶ هفته بدون اتهام ناقض حق اساسی آزادی است و این خطر را دارد که مسلمانان بریتانیایی را به دشمن مبدل سازد.

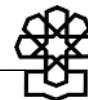
نظرسنجی اخیر گاردین نشان می‌دهد که بسیاری از مسلمانان «جنگ علیه تروریسم» را به عنوان «جنگی علیه اسلام» می‌دانند و معتقدند که قوانین ضدتروریستی بریتانیا به‌طور ناعادلانه علیه جامعه مسلمانان مورد استفاده قرار می‌گیرد. مصاحبه‌هایی که با ۵۰۰ نفر از مسلمانان به عمل آمده است نشان می‌دهند که علاقه مسلمانان به ادغام شدن در جامعه چندفرهنگی بریتانیا در ۱۸ ماه گذشته کاهش پیدا کرده است، و اقلیت روبه‌رشدی از مسلمانان احساس می‌کنند که دولت کاری به مسلمانان ندارد.

### قوانین و تدابیر - تضعیف حقوق بشر

بدیهی است که کشورها تعهد دارند تا تدابیری را برای جلوگیری از حمله به شهروندان و حمایت از آنها در برابر این حملات اتخاذ کنند، چنین جرائمی را مورد رسیدگی قرار دهند، عاملین این جرائم را در محاکم عادلانه محاکمه کنند و غرامت‌های فوری و کافی‌ای را برای قربانیان تضمین کنند. قسمت اصلی محاکم عادلانه عبارت از تضمین این موضوع است که هرکسی که به اتهام دست داشتن در جرمی دستگیر یا بازداشت می‌شود، بدون توجه به انگیزه واهی یا واقعی دست داشتن در جرم و بدون توجه به اینکه جرم واقع شده «جرمی تروریستی» است یا نه، فوراً تفهیم اتهام و یا آزاد شود.

تضعیف حقوق بشر در بریتانیا براساس قانون ضدتروریسم موضوع جدیدی نیست. قانونگذاری فوری در بریتانیا دهه‌ها باعث نگرانی بوده است. از اوایل دهه ۱۹۷۰، زمانی که مقامات بریتانیا شروع به ارائه تدابیر ضروری در شرایط منازعه ایرلند شمالی کردند، حقوق بشر به اسم امنیت قربانی شده است. از جمله سوءاستفاده‌هایی که در سایه تدابیر ضروری انجام شد شکنجه یا سایر بدرفتاری‌ها و دادگاه‌های ناعادلانه بوده است.

تدابیر ضدتروریستی به‌کار گرفته شده از سوی دولت بریتانیا در تناقض آشکار با تعهدات حقوق بشری این کشورند و برخی از این تدابیر به قدری دامنه‌دار و مبهمند که شکل‌های قابل قبول اختلاف عقاید را نیز به‌عنوان جرم دربر می‌گیرند و آزادی مذهب را تضعیف می‌کنند.



تدابیر پیشنهادی عبارتند از: اخراج خارجیانی که «افراطی» نامیده می‌شوند به جاهایی که در معرض شکنجه باشند، جرم دانستن «بیانی» که «تحریک غیرمستقیم» نامیده می‌شود از جمله «بیانی» که تروریسم را توجیه یا تشویق کند، طولانی‌تر کردن دوره زمانی بازداشت بدون اتهام پیش از محاکمه و بستن مساجد به بهانه «دامن زدن به افراط‌گرایی».<sup>۱</sup>

شاید دولت بریتانیا تصور می‌کند که مردم و دادگاه‌ها مشتاقانه از تدابیری که بتواند پای دولت بریتانیا را به شکنجه، بازداشت خودسرانه، دادگاه‌های ناعادلانه و محروم کردن مردم از حق بیان عقاید مخالف و عمل به فرایض دینی‌شان باز کند، استقبال خواهند کرد. مقامات بریتانیایی به جای اینکه رویه‌ای کارآمد و منطقی در پیش بگیرند که امنیت را تأمین کرده و در همان حال احقاق حق نماید به هرکاری دست می‌زنند.

اخراج یک فرد به این منظور که در معرض شکنجه قرار گیرد ناقض حقوق بین‌المللی و حقوق داخلی بریتانیاست. ممنوعیت شکنجه مطلق و بی‌قید و شرط است و هیچ استثنایی را حتی به دلایل امنیت ملی نمی‌پذیرد. دولت گفته است «تضمین‌های دیپلماتیکی» را از دولت‌های کشورهای که از شکنجه علیه تبعیدشدگان استفاده می‌شود گرفته خواهد شد.

تونی بلر (نخست‌وزیر سابق بریتانیا) در پاسخ به منتقدانی که می‌گفتند تضمین‌های دیپلماتیک کشورهای که استفاده از شکنجه در آنها امری عادی است کارساز نیست، گفته است موانع قانونی باید از میان برداشته شود و او درصدد اصلاح قانون حقوق بشر بریتانیا برای کمک کردن به این تبعیدشدگان است.

دیوید بلانکت، وزیر سابق امور داخلی رسماً به قضات با لحن شدیدی هشدار داده بود که «دولت با هیچ‌گونه تلاش قضایی برای نقض تدابیر ضدتروریستی جدید مسامحه نخواهد کرد».

تدابیر پیشنهادی، همچنین برخی از سخنان ائمه مساجد که «تروریسم را توجیه و تشویق می‌کنند» و بیان دیدگاه‌های افراطی را جرم محسوب می‌کند. دولت بریتانیا تهدید کرده است که افراد داخل مرزهای بریتانیا به‌خاطر چنین بیان مجرمانه‌ای از کشور تبعید خواهند شد و از ورود کسانی که بیانشان تهدیدی علیه امنیت ملی، نظم عمومی یا روابط بریتانیا با یک کشور سوم باشد جلوگیری خواهد شد.

چنین تعاریف مبهمی از بیان ممنوعه نگرانی‌های جدی‌ای را در این باره برمی‌انگیزد که دامنه این تدبیر گسترده است و می‌تواند اختلاف عقیده معتبر را جرم به حساب آورد. به‌علاوه، فقدان تعریفی با محدودیت جغرافیایی ایجاد ارتباط بین بیان مجرمانه (در بیرون از بریتانیا) و هر نوع خشونت (در داخل بریتانیا) را بیش از حد مشکل خواهد کرد. بنابراین تردیدی نیست که سیاست

۱. سخنرانی تونی بلر در ۵ آگوست ۲۰۰۵.



دولت بریتانیا در این خصوص در تضاد با آزادی بیان است.

پیشنهاد تأسیس دادگاه‌های ویژه ضدتروریسم نگرانی‌های جدی‌ای را نسبت به تضعیف ملاک‌های اساسی دادگاه عادلانه برانگیخته است. براساس این پیشنهاد «وکلائی ویژه» امنیتی می‌تواند مدرک علیه متهم را در دادگاه‌های بسته بشنوند، اما نمی‌تواند چیزی از آن مدرک را به متهم یا به وکیل انتخابی او افشا کند. یک قاضی به تنهایی تصمیم خواهد گرفت که آیا یک فرد بدون اتهام بازداشت شود و چه مدت یا براساس آن مدرک دادگاهی شود.

کارتنر گفت: «دولت بریتانیا قبلاً به خاطر نظام بازداشت نامعین خود مورد مؤاخذه قرار گرفته است» او گفت: «دادگاه‌های محرمانه، که براساس مدارک محرمانه و بدون دسترسی متهم به وکیل کارآمد تشکیل می‌شوند به شکست زندان به بلمارش گوش فرا می‌دهند. دولت بریتانیا عبرت نگرفته است»؟. پیشنهادهای دیگری که حاکی از تلاش بریتانیا برای تضعیف حقوق اساسی بشر است عبارتند از: توانایی بستن مساجد و تبعید آن دسته از مبلغین اسلامی به خارج از بریتانیا که «نامناسب برای تبلیغ» تشخیص داده شوند. این پیشنهادها آزادی ابراز مذهب را نادیده می‌گیرند.

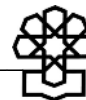
دولت بریتانیا تنها در شرایط بسیار بحرانی که در حقوق بین‌المللی مشخص شده است می‌تواند محدودیت‌هایی را بر چنین حقوقی اعمال کند. تنبیه جمعی نه تنها قانونی نیست، بلکه در شرایط کنونی بسیار تفرقه‌افکنانه است. دولت باید تأثیر عمیقاً منفی چنین تدابیری را بر جوامعی که در معرض این تدابیر قرار دارند در نظر داشته باشد.

هولی کارتز، مدیر آسیای مرکزی و اروپای دیده‌بان حقوق بشر گفته است: «چاره کار این نیست که کل یک جامعه تنبیه شود، اگر مدرکی وجود دارد که فردی در جرمی دست داشته است، باید اقامه دعوا خاصی علیه آن فرد انجام شود. بستن مساجد می‌تواند به این معنا باشد که کل یک جامعه به نحوی از انحاء در تروریسم دست دارد. این کار اعتماد را از جامعه مسلمانان سلب می‌کند».

نتیجه اینکه، نظام کنونی ایجاد رعب و وحشت و بی‌آبرو کردن، برای نظام‌های قضایی کاملاً نفرت‌انگیز است. گذشته از اینکه تهدید تروریسم بر روح بریتانیا درست، غلط یا اغراق‌آمیز باشد، راه‌حل این تهدید، تعلیق آزادی‌های اساسی و مدنی نیست.

### بخش دوم - نقش بریتانیا و اروپا در تبعیدهای پروازی آمریکا

دولت‌های اروپایی (از جمله بریتانیا) مکرراً ارتباط خود را با برنامه‌های غیرحقوق بشری ایالات متحده انکار کرده‌اند. مدرکی فاش شده است که نشان می‌دهد افراد زیادی به‌طور غیرقانونی بازداشت شده و به‌طور محرمانه به کشورهای ثالثی - جایی که آنها در آنجا در معرض جرائمی مثل شکنجه و سر به نیست شدن تحمیلی بوده‌اند- فرستاده شده‌اند. روشن شده است که بسیاری از



دولت‌های اروپایی زمانی که از سرزمین آنها برای انتقال تبعیدشدگان توسط هواپیما استفاده شده است سیاست «شتر دیدی ندیدی»، در پیش گرفته‌اند و برخی از آنها حتی در موارد خاصی فعالانه در انتقال تبعیدشدگان مشارکت کرده‌اند.

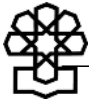
حریم‌های هوایی و فرودگاه‌های اروپا را هواپیماهای سازمان اطلاعات و جاسوسی آمریکا (سیا) را به کرات برای پروازهای مربوط به اخراج تبعیدشدگان مورد استفاده قرار داده است. سرویس‌های جاسوسی برخی از کشورهای اروپایی در بازداشت افراد اخراجی و بازجویی از آنها مشارکت کرده‌اند. برنامه انتقال این واقعیت را نیز روشن ساخته است که سرویس‌های اطلاعاتی خارجی آشکارا در اروپا برخلاف حکمرانی قانون و بدون پاسخگویی فعالیت می‌کنند.

گزارش ژوئن ۲۰۰۶ شورای اروپا برآورد کرده است که در سرزمین اتحادیه اروپا یکصد نفر توسط سیا ربوده شده و به کشورهای دیگر انتقال داده شده‌اند و در اغلب آنها دولت‌های دیگر با سیا همکاری کرده‌اند.

طبق گزارش فوریه ۲۰۰۷ پارلمان اروپا، سیا ۱۲۴۵ نفر را با پرواز منتقل کرده است و بسیاری از مضمونان به جاهایی برده شده‌اند که در معرض شکنجه باشند. اکثریت بزرگی از پارلمان اتحادیه اروپا این نتیجه‌گیری گزارش مذکور را پذیرفتند که بسیاری از دولت‌های عضو اتحادیه چشم بر روی کارهای غیرقانونی سیا بسته‌اند. آنها برخی از دولت‌های اروپایی و سرویس‌های اطلاعاتی را به دلیل عدم تمایلشان به همکاری با بازرسی‌ها مورد نقد قرار دادند.

اروپا اغلب خودش را به عنوان چراغ راهنمای حقوق بشر معرفی می‌کند. واقعیت نگران‌کننده این است که بدون کمک اروپا، امروزه برخی از افراد در سلول‌های زندان‌ها در بخش‌های مختلف دنیا از فرط شکنجه زخمی نمی‌شدند. بدون اطلاعاتی که توسط سرویس‌های اطلاعاتی اروپا فراهم شده است، ممکن نبود قربانیان تبعید در مرحله اول ربوده شوند. بدون دسترسی به حریم هوایی و تجهیزات فرودگاهی اروپا، هواپیماهای اروپایی نمی‌توانستند محموله‌های انسانی‌شان را جابجا کنند. خلاصه، بریتانیا و اروپا شرکای ایالات متحده آمریکا در این جنایت بوده‌اند.

از آنجا که همه می‌دانند که هواپیماهای سیا تبعیدشدگان را با استفاده از حریم هوایی و فرودگاه‌های اروپایی منتقل می‌کنند، انکار دولت‌های اروپایی در مورد همدستی با سیا رنگ می‌بازد. در هر حال، دولت‌ها باید سیستم‌های مناسبی داشته باشند تا تضمین کند که هواپیماهای گذرکننده از حریم هوایی آنها به‌منظورهای جنایتکارانه - چه قاچاق مواد مخدر، انسان یا سلاح و چه نقض حقوق بشر مثل انتقال غیرقانونی بازداشت‌شدگان - مورد استفاده قرار نمی‌گیرد.



## گزارش دیک مارتی

سناتور دیک مارتی، نماینده سوئیس در شورای اروپا در گزارش خود نتیجه‌گیری کرد که یکصد نفر در اروپا توسط سیا ربوده شده و سپس به کشوری برده شده‌اند که در آنجا در معرض شکنجه قرار بگیرند. دیک مارتی، رابط کمیته امور حقوقی و حقوق بشر مجمع پارلمانی شورای اروپا، در گزارش ۷ ژوئن ۲۰۰۶ خود متذکر شد:

«مجموعه اطلاعات گردآوری شده نشان می‌دهد نامحتمل است که دولت‌های اروپایی از آنچه در زمینه جنگ علیه تروریسم، در برخی از فرودگاه‌هایشان، در حریم هوایی‌شان یا در پایگاه‌های آمریکایی مستقر در خاک آنها اتفاق می‌افتاده است کاملاً بی‌خبر بوده باشند. آنقدر که نمی‌دانستند، نمی‌خواستند که بدانند. نمی‌توان باور کرد که عملیات‌های خاصی که توسط سرویس‌های اطلاعاتی آمریکا اجرا شده است می‌توانست بدون همکاری فعالانه یا حداقل تبانی سرویس‌های اطلاعاتی ملی (کشورهای اروپایی) به سرانجام برسد»<sup>۱</sup>.

پارلمان اروپا نیز در گزارشی در ۱۴ فوریه ۲۰۰۷ نتایج مشابه نتایج آقای مارتی ارائه داد و گفت کشورهای اتحادیه اروپا چشم خود را بر تبعیدهای بیش از اندازه‌ای که از طریق سرزمین و حریم هوایی آنها صورت می‌گیرد، بسته‌اند.

مجمع پارلمانی شورای اروپا، در قطعنامه و توصیه‌نامه‌ای که از سوی اکثریت به تصویب رسید در ۲۷ ژوئن ۲۰۰۶ خواستار نظارت بر آژانس‌های اطلاعاتی خارجی فعال در اروپا شد.

گزارشی در رابطه با پروازهای تبعید و بازداشت‌های غیرقانونی توسط تری دیویس دبیرکل شورای اروپا در ۱۴ ژوئن ۲۰۰۶، به‌عنوان قسمتی از تحقیق وی براساس ماده (۵۲) کنوانسیون حقوق بشر اروپایی منتشر شد. آقای دیویس در گزارش خود در سه‌شنبه ۲۷ ژوئن ۲۰۰۶ گفت:

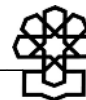
«تبعید عملی تحقیرآمیز و غیرانسانی نه فقط برای قربانیانش، بلکه برای مجریان این اعمال نیز است. این درک ساده برای من و تیمم روشن شده است، زیرا ما با افراد متعددی ملاقات کرده‌ایم که زندگی‌شان به‌طور از یاد نرفتنی‌ای در اثر تبعید عوض شده است».

همچنین عفو بین‌المللی تحقیقی در مورد پروازهای مشهور به «تبعیدهای بیش از اندازه» را به‌دلیل نقض حقوق بین‌المللی و داخلی انجام داده است. گزارش آن یک هفته بعد از آنکه ناظر حقوق بشر شورای اروپا بریتانیا را یکی از ۱۴ کشور اروپایی دانست که با سیا همدست بوده‌اند منتشر شد.<sup>۲</sup>

این گزارش بر پنج مورد تبعید دیگر شامل ۶ دولت اروپایی و ۱۱ قربانی تمرکز می‌کند. در همه این موارد مردانی که دست و پایشان در هواپیما بسته بود به خارج، جایی که آنها در معرض سوءاستفاده

1. Dick Marty, Daft Report, Part II, Para. 230, 7 June, 2006.

۲. این گزارش مدعی است که بوسنی و هرزگوین، آلمان، ایتالیا، مقدونیه، سوئد و ترکیه نیز در این پروازها همکاری کرده‌اند.



قرار داشتند منتقل شدند. تأثیر این تبعیدها هم بر تبعیدشدگان و هم بر خانواده‌هایشان نابودکننده بود. این گزارش همچنین نقش دولت‌های متعدد اروپایی را برجسته می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه اقدام یا عدم اقدام این کشورها، تعهداتشان را در قبال حقوق داخلی و بین‌المللی نقض کرده است. در ژوئن ۲۰۰۶ منزیس کمبل، رهبر حزب لیبرال دمکرات از تونی بلر، نخست‌وزیر وقت خواست تا تأیید کند که دولت بریتانیا هیچ‌گونه کمک لجستیکی در این پروازها به سیا نکرده و هیچ‌گونه اطلاعاتی که در شکنجه مورد استفاده قرار گیرد به سیا نداده است. تونی بلر در جواب گفت که دولت همه آنچه را که باید در این مورد گفته شود گفته است. با این حال او تأیید کرد که از ۱۹۹۸ با دو درخواست ایالات متحده مبنی بر پرواز زندانیان از طرق بریتانیا موافقت شده است.

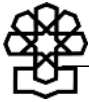
### مسئولیت‌های دولت‌ها

پروازهای تبعید غیرقانونی‌اند زیرا فرآیند درست و سالم اجرایی و قضایی را نادیده می‌گیرند. آنها نوعاً به نقض‌های حقوق بشری متعددی منجر می‌شوند. اغلب قربانیان غیرقانونی دستگیر و بازداشت می‌شوند، برخی از آنها ربوده می‌شوند و برخی دیگر از دسترسی به هر نوع فرآیندی قانونی برای مخالفت با انتقالشان به کشورهای که شکنجه در آنجا متداول است محروم می‌شوند. بسیاری از آنهایی که به‌طور غیرقانونی در یک کشور بازداشت شده و به کشوری دیگر منتقل شده‌اند «مفقود» شده‌اند. همه قربانیان پروازهای تبعید که عفو بین‌الملل با آنها مصاحبه کرده است می‌گویند مورد شکنجه و یا به نوعی بدرفتاری قرار گرفته‌اند.

هر کشوری به کشور دیگری که ناقض حقوق بین‌المللی است کمک کند اگر چنین کمکی را با «آگاهی از شرایط» نقض انجام دهد در برابر جامعه بین‌المللی پاسخگو است. به عبارت دیگر، کشورها در صورتی که به انتقال‌هایی کمک کنند که ناقض اصل تعهد به امتناع از انتقال افراد به برخی جاهاست، شریک جرمند.

براساس این اصل انتقال افراد به کشورهای که افراد در آنجا در معرض شکنجه و یا سایر بدرفتاری‌ها و یا در معرض سربه‌نیست شدن و یا بازداشت محرمانه و بازداشت ممنوع‌الملاقات قرار دارند، جرم محسوب می‌شود. طبق کمیسیون حقوق بین‌المللی، «کمک به ربودن اشخاص در خاک خارج»، «آماده کردن آگاهانه کمکی اساسی» و «گذاشتن سرزمین خود در اختیار کشور دیگری» نمونه‌هایی از همدستی شمرده می‌شوند.<sup>۱</sup>

۱. کمیسیون حقوق بین‌المللی، تفاسیر مواد مربوط به مسئولیت دولت‌ها راجع به اقدامات غلط در چارچوب ملاحظات بین‌المللی، ماده (۱۶)، پاراگراف‌های ۱ و ۸، ص ۱۵۷.



کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، دولت‌ها را ملزم می‌کند که تدابیر دیپلماتیک، اقتصادی، قضایی و تدابیر دیگری را به منظور تأمین حقوق تضمین شده در کنوانسیون برای افراد داخل مرزهایشان، هرچند که کنترل مؤثری به بخشی از سرزمین خود نداشته باشند، اتخاذ کنند. بنابراین دولت‌های عضو شورای اروپا در مسئولیت سوءاستفاده‌های صورت گرفته بر افراد بازداشت شده در مراکز بازداشت آمریکا یا پایگاه‌های هوایی آمریکایی مستقر در سرزمین‌هایشان، شریکند.

برخی از دولت‌های اروپایی، به ویژه بریتانیا درصدد بوده‌اند تا خودشان را با اخذ «تضمین‌های دیپلماتیک» براساس اینکه تبعیدشدگان به یک کشور خاص در آنجا مورد شکنجه یا بدرفتاری قرار نخواهد گرفت، از مسئولیت مبرا کنند. با این حال، اتکا به چنین تضمین‌هایی از تعهد بی‌قید و شرط کشورهای مثل بریتانیا را به امتناع از انتقال افراد به کشورهای که افراد در آنجا در معرض شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها قرار دارند کم نمی‌کند. اگر خطر شکنجه یا سایر بدرفتاری‌ها آنقدر زیاد است که نیاز به چنین تضمین‌هایی است، پس خطر آنقدر زیاد است که نباید اجازه چنین انتقال‌هایی داده شود. به علاوه، کشورهای که به دنبال چنین تضمین‌هایی هستند به روشنی می‌پذیرند که کشورهای دیگری ممکن است در زندان‌هایشان از شکنجه برای افراد دیگری استفاده کنند.

### نقش بریتانیا در تبعیدهای پروازی

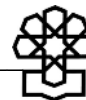
همدستی اخیر بریتانیا در تبعیدهای پروازی فوق‌العاده در مقاله ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۵ گاردین فاش شد. این مقاله استفاده از فرودگاه‌های بریتانیایی در تبعیدهای پروازی فوق‌العاده را نشان داد: «هوایم‌های درگیر در این عملیات‌ها از ۱۱ سپتامبر حداقل ۲۱۰ بار به بریتانیا پرواز کرده‌اند - به طور میانگین هر هفته یک پرواز - هوایم‌های سیا از ۱۹ فرودگاه و پایگاه هوایی بریتانیا از جمله هسرو، گیتویک، بیرمنگام، لوتون، بورنموث و بلفاست استفاده کرده‌اند».

عفو بین‌الملل نیز گزارشی درباره تبعید پروازی منتشر کرده است که نشان می‌دهد که ۶ هوایم‌های سیا حدود ۸۰۰ پرواز به داخل یا بیرون حریم هوایی اروپا داشته‌اند.

کمیته امور خارجی پارلمان بریتانیا، در پاسخ به نگرانی‌های عمومی رو به رشد نسبت به انجام پروازهای فوق‌العاده تبعید توسط دولت، در ۲۵ فوریه ۲۰۰۵ نامه‌ای به دفتر کشورهای مشترک‌المنافع و خارجی نوشت و خواستار توضیح سیاست دولت در این خصوص شد.

پس از بی‌اعتنایی دولت به پاسخ به دست داشتن در پروازهای فوق‌العاده تبعید و درخواست ارائه اطلاعات، کمیته امور خارجی رأی ذیل را در رابطه با پاسخ دولت به بازرسی‌ها صادر کرد:

«ما به این نتیجه رسیدیم که دولت نتوانسته است به سؤال‌هایی درباره پروازهای فوق‌العاده



تبعید با شفافیت و مسئولیت‌پذیری لازم برای چنین مسئله‌ای، پاسخ دهد. اگر دولت معتقد است که پرواز فوق‌العاده تبعید ابزاری معتبر در جنگ علیه تروریسم است، باید چنان شفاف و روشن سخن بگوید که مسئولیت‌پذیر بماند. ما توصیه می‌کنیم که دولت به سیاست مبهم‌سازی‌اش پایان دهد و جواب‌های روشنی به سؤال‌های ۲۵ فوریه کمیته بدهد.<sup>۱</sup>

از آنجا که ادعای پروازهای تبعید بسیار جدی بوده است، جک استراو، وزیر خارجه وقت، اولین مقام ارشدی بود که در این خصوص به اجبار وارد میدان شد.

در اواخر سال ۲۰۰۵ استراو به نمایندگان مجلس گفت که هیچ موردی یافته نشده است که در آن ایالات متحده از حریم هوایی یا سرزمین بریتانیا برای انتقال زندانیان به جاهایی استفاده کرده باشد که در آنجا شکنجه یا اشکال دیگر بازداشت غیرقانونی و بدرفتاری ممکن است علیه تبعیدشدگان اعمال شود. چند هفته بعد آقای استراو تکرار کرد که هیچ «پرواز تبعیدی» در دوره حکومت بوش صورت نگرفته است.

در اوایل سال ۲۰۰۷، تونلی بلر اهمیت انکارها را افزایش داد. نخست‌وزیر وقت به کمیته اطلاعات و امنیت گفت: ایالات متحده هیچ فردی را از طریق بریتانیا یا سرزمین‌های برون‌مرزی‌اش در دوره بعد از ۱۱ سپتامبر تبعید نکرده است. کمیته مذکور چنان‌که باید و شاید این اطمینان‌های سطح بالا را پذیرفت.

### پذیرش اعترافنامه‌های فوق‌العاده

به مدت بیش از دو سال نمایندگان مجلس از همه احزاب سیاسی ادعاهای دقیقی درباره دست داشتن بریتانیا در پروازهای تبعید سیا داشته‌اند. نمایندگان مجلس، نمایندگان پارلمان اروپا و شورای اروپا هرکدام کمیته‌های ویژه‌ای را برای تحقیق تشکیل داده‌اند. کمیته اطلاعات و امنیت پارلمان بریتانیا از وزرا و مقامات به‌طور خصوصی درباره این ادعا پرسیدند. مدارکی یافته شد که نشان می‌داد سایر کشورهای اروپایی نیز با پروازهای محرمانه سیا همکاری می‌کردند.

اما دولت اصرار می‌کرد که این ادعاها حقیقت ندارند. وزرا از جمله تونی بلر و جک استراو می‌گفتند که ایالات متحده به آنها اطمینان داده است که هیچ پرواز سیا که حامل بازداشت شده‌ها باشد در خاک بریتانیا فرود نیامده است. مقامات اصرار می‌کردند که بریتانیا در کاری که می‌تواند این کشور را متهم به همکاری در شکنجه کند همکاری نخواهد کرد.

اما در خبری تکان‌دهنده در ۲۱ فوریه ۲۰۰۸، میلیبند وزیر امور خارجه مجبور به عذرخواهی خفت‌بار از نمایندگان مجلس عوام شد. وزیر خارجه به نمایندگان مجلس گفت که برخلاف

1. Foreign Policy Aspects of the War against Terrorism, Six Report of 2004-2005.



«تضمین‌های روشن قبلی» دو پرواز در ۲۰۰۲ در سرزمین بریتانیا در اقیانوس هند فرود آمدند.<sup>۱</sup>

مقامات دولتی بریتانیا پس از اینکه به پروازهای تبعید آمریکا اجازه دادند که دو بار در خاک بریتانیا فرود آیند ناراحتی و عصبانیت خود را از واشنگتن نشان دادند.

آقای میلیبند گفت: «درواقع بسیار متأسف» است که باید اظهارات گذشته آقای بلر، نخست‌وزیر و جک استراو، وزیر امور خارجه وقت را - که گفته بودند آمریکا برای پروازهای تبعید از پایگاه‌های هوایی بریتانیا استفاده نکرده است - اصلاح کند.

گوردون براون، نخست‌وزیر که در بروکسل به سر می‌برد گفت: «جای تأسف است که این موضوع شناخته نشده بود ... اما مهم این است که مطمئن شویم دیگر چنین کاری صورت نخواهد گرفت».

اندرو تائیری، رئیس کمیته همه احزاب درباره پروازهای تبعید گفت: «این اظهارنظر (میلیبند) باعث خواهد شد که مردم بریتانیا اطمینان‌های دیگری را که از ایالات متحده دریافت می‌کنیم باور نکنند. ما باید در نظر داشته باشیم که این پروازهای فوق‌العاده تبعید احتمالاً غیرقانونی و قطعاً غیراخلاقی‌اند».

منزیس کمبل، رهبر سابق حزب لیبرال دمکرات، گفت این وضعیت برای دولت شرم‌آور و «ناقض تعهدات اخلاقی ما و مسئولیت‌های قانونی ما» است.

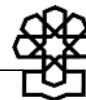
دولت «کنترل کارآمدی» بر آنچه در میدان دیه‌گو گارسیا اتفاق افتاده، نداشته است.

فعالان حقوق بشر نگرانی‌های خود را این‌گونه ابراز کردند که این دو مورد شناسایی شده ممکن است تنها «ظاهر قضیه» باشد. طبق گزارش لایبرتی مدارک روشنی وجود دارد که هواپیماهای سیا، همچنین، از حریم هوایی و فرودگاه‌های بریتانیا برای بردن مظنونان به کشورهای دیگر - جاهایی که حقوق بشر در آنجا رعایت نمی‌شود - برای بازپرسی استفاده کرده‌اند. این گزارش اضافه می‌کند:

«درحالی که دولت ما رخ دادن چنین کاری را انکار می‌کند، کمیته ملل متحد علیه شکنجه مدعی است، مدرک دارد و دولت آمریکا را سرزنش می‌کند. هم پارلمان اروپا و هم شورای اروپا معتقدند که پروازهای فوق‌العاده تبعید از طریق اروپا صورت گرفته است و صدها پرواز هواپیماهای سیا ثبت شده است که از طریق بریتانیا پرواز کرده‌اند».<sup>۲</sup>

۱. این خبر را اغلب روزنامه‌های بزرگ بریتانیا در ۲۲ فوریه ۲۰۰۸ منتشر کرد.

۲. گزارش لایبرتی درباره پروازهای تبعید، دسامبر ۲۰۰۵.



## مورد بیشتر الراوی و جمیل البنا

روز ۲ نوامبر ۲۰۰۲، بیشتر الراوی، جمیل البنا و عبدالله الجنودی در فرودگاه گیتویک لندن لحظاتی قبل از سوار شدن به هواپیما به مقصد گامبیا دستگیر شدند آنها براساس قانون تروریسم ۲۰۰۰ به مدت دو روز توسط مقامات بریتانیایی راجع به همکاری و همدستی با تروریسم بین‌المللی مورد سؤال قرار گرفتند.

آنها به دلیل پیدا شدن وسیله‌ای مشکوک - شارژ باتری - در چمدان بیشترالراوی بازداشت شدند، البته آنها در نهایت بدون هیچ اتهامی آزاد شدند و به آنها گفته شد برای سفر به گامبیا آزادند.

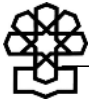
روز ۸ نوامبر ۲۰۰۲ بیشتر الراوی ۳۹ ساله و جمیل البنا ۴۵ ساله برای تجارت، از بریتانیا به سوی گامبیا پرواز کردند. الراوی، تبعه عراق، از سال ۱۹۸۳ با خانواده‌اش در بریتانیا زندگی می‌کرد، جمیل البنا، تبعه اردن در سال ۱۹۹۴ به بریتانیا آمده و اجازه اقامت بدون تاریخ دریافت کرده بود تا به‌عنوان یک پناهنده در بریتانیا بماند.

آنها در لحظه ورودشان به فرودگاه بنجول گامبیا از سوی آژانس اطلاعاتی ملی گامبیا دستگیر شدند و هاب الروی، برادر بیشتر، تبعه بریتانیا که برای استقبال از آنها به فرودگاه رفته بود و عبدالله الجنودی نیز با آنها دستگیر شدند.

پس از پرسش‌های اولیه آژانس اطلاعاتی ملی گامبیا در مورد هدف دیدار آنها از گامبیا، بازجویی از آنها توسط عوامل ایالات متحده صورت گرفت. این چهار مرد در مکان‌های افشا نشده چندی در طول این مدت نگهداری شدند. براساس گزارش‌ها یکی از این مردان را عوامل آمریکایی تهدید کرده و گفته بودند، در صورتی که همکاری نکنند او را به دست پلیس گامبیا خواهند سپرد تا مورد ضرب و شتم و تجاوز قرار گیرد.

الراوی و البنا به مدت بیش از یک ماه در بنجول بدون ملاقات نگهداری شدند و از سوی عوامل آمریکا در مورد ارتباطشان با القاعده بازجویی شدند. سپس در یکی از روزها قبل از ۲۳ ژانویه ۲۰۰۳ هر دوی آنها به‌طور محرمانه به پایگاه هوایی آمریکا در بگرام در افغانستان منتقل شدند. انتقال آنها در شرایطی صورت گرفت که نه اجازه مشورت با یک وکیل به آنها داده شد، نه بازنگری مستقلی به مدارک علیه آنها صورت گرفت و نه دادخواستی در دادگاه عالی گامبیا به‌خاطر آنها انجام یافت. آنها پس از حدود یک ماه ماندن در بگرام در افغانستان، به خلیج گوانتانامو منتقل شدند. الراوی در مارس ۲۰۰۶ آزاد شد و پس از چهار سال بازداشت بدون اتهام به بریتانیا بازگشت.

گزارش کمیته اطلاعات و امنیت پارلمان بریتانیا در جولای ۲۰۰۷ افشا کرد علیرغم اینکه آمریکایی‌ها به سرویس امنیتی هشدار داده بودند که تبعید الراوی را از قبل - برخلاف حقوق بین‌المللی - طراحی کرده‌اند، دولت بریتانیا به این دلیل که او پاسپورت انگلیسی ندارد دخالت نکرد.



دولت مدعی شد که مسئولیت او با دولت عراق است. زمانی که پدر او ازسوی رژیم صدام حسین مورد شکنجه قرار گرفت او به‌عنوان یک نوجوان از عراق گریخت.

الراوی، مقیم بریتانیا، در یک مصاحبه قابل توجه برای آبرزور در ۲۹ جولای ۲۰۰۷ توضیح داد که چگونه توسط سرویس امنیتی لو رفته است. او ربوده شد و توسط عوامل ایالات متحده لخت شد، او را درحالی که پوشک بچه و گرمکن بر تنش پوشانده بودند، دست و چشم و گوش بسته و درحالی که در هواپیما بر روی یک برانکارد خوابانده و محکم بسته بودند به زندان بلک‌سایت سیا در نزدیکی کابل در افغانستان منتقل کردند.

دیک مارتی، رابطه کمیته امور حقوقی و حقوق بشر مجمع پارلمانی شورای اروپا می‌گوید: «این مورد، که مربوط به دو ساکن دائمی بریتانیاست که در نوامبر ۲۰۰۲ در گامبیا دستگیر و ابتدا به افغانستان و از آنجا به خلیج گوانتانامو منتقل شدند، نمونه‌ای از همکاری سرویس امنیتی بریتانیا و سیا در ربودن افرادی است که مدرکی علیه آنها وجود ندارد تا بتوان آنها را به‌طور قانونی در زندان نگاه داشت ...»<sup>۱</sup>.

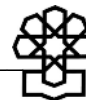
در اواخر سال ۲۰۰۲ آشکار شد که مقامات بریتانیایی در فرصت‌های دیگری پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بیشتر الراوی و جمیل البنا را مورد سؤال قرار داده و یا به هر حال با آنها تماس برقرار کرده‌اند، اما آنها را به هیچ نوع جرم جنایی متهم نکرده‌اند.

عفو بین‌الملل از زمانی که در نوامبر ۲۰۰۲ برای اولین بار از موضوع اطلاع یافت، مکرراً نگرانی‌اش را نسبت به رفتار مقامات بریتانیا با بیشتر الراوی و جمیل البنا ابراز و به‌ویژه این سؤال را مطرح کرده است که این مقامات چه نقشی در انتقال غیرقانونی این دو مرد به زندان آمریکا داشته‌اند، اما مقامات بریتانیایی جوابی نداده‌اند.

البته در سال ۲۰۰۶ در جریان بازنگری پرونده بیشتر الراوی و جمیل البنا توسط دادگاه عالی انگلیس و ویلز، دست داشتن بریتانیا در بازداشت و احتمالاً تبعید آنها قوت گرفت.

دلایل به‌وجود آمدن این موارد عبارت بودند از امتناع دولت بریتانیا از درخواست از مقامات بریتانیا مبنی بر آزاد کردن جمیل البنا و بیشتر الراوی یا در نظر گرفتن نمایندگانی برای آنها. در طول دادگاه، اسنادی که توسط یکی از اعضای سرویس‌های امنیتی بریتانیا فاش شد، تنها به‌عنوان «گواه A» شناخته شد. این اسناد تأیید می‌کرد که سرویس‌های امنیتی بریتانیا الراوی و البنا را در طول سفرشان به گامبیا تحت نظارت خود داشتند. اسناد مذکور همچنین اظهارات سابق جمیل البنا را تأیید کردند. او قبلاً به وکیل خودش گفته بود که دو عامل اطلاعات بریتانیا حدود ۱۰ روز قبل از سفرش به گامبیا به خانه وی آمده و به او گفته بودند که آنها از برنامه سفرش اطلاع دارند. وقتی

1. Dick Marty, Op.Cit, Para. 163.



که البنا از آن دو نفر (عامل اطلاعات) پرسیده بود که آیا اجازه دارد به این سفر برود آنها جواب مثبت داده بودند.

دادگاه عالی بریتانیا همچنین این موضوع را شنید که چگونه سرویس‌های امنیتی بریتانیا اطلاعاتی را به کشور دیگری غیر از گامبیا - که هویتش فاش نشد - ارائه داده است. عفو بین‌الملل می‌گوید با توجه به شرایط، تنها نتیجه منطقی این است که آن کشور دیگر ایالات متحده آمریکا بوده است. دادگاه نتیجه گرفت:

«البته واقعتاً موضوع این است که بی‌تردید اطلاعاتی درباره فعالیت‌های احتمالی مدعیان به گامبیایی‌ها داده است و شواهد حاکی است که اطلاعات مذکور به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به دست مقامات ایالات متحده رسیده است».

وهاب الراوی در دادگاه اظهار داشت که وقتی خواسته بود که بازداشت شدنش را به اطلاع کمیسر عالی بریتانیا برساند یکی از مقامات گامبیایی خندید و گفت: «بریتانیا از ما خواسته است که شما را دستگیر کنیم».

کلیو استافورد - اسمیت، وکیل البنا، گفت: وقتی اجازه یافت تا موکلش را در خلیج گوانتانامو ببیند، البنا به او گفت:

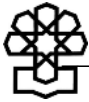
«بازجویم از من پرسید: «چرا تو این قدر از آمریکا عصبانی هستی؟ دولت تو، بریتانیا MI5 به سیا زنگ زد و گفت که تو و بیشتر در گامبیا هستید و خواست که شما را بگیرند. بریتانیا همه چیز را به ما واگذار کرده است. بریتانیا شما را به سیا فروخته است»».

در مورد بالا، بریتانیا در تبعید پروازی آن دو مرد و نقض حقوق بشر دست داشته است. از جمله حقوقی که در این مورد نقض شده است عبارتند از:

- حق شناسایی فرد در هر جایی به‌عنوان یک فرد قبل از اعمال قانون،<sup>۱</sup>
- حق دسترسی به دادگاه،
- حق آزادی و امنیت فرد،
- حق معالجه مؤثر،
- حق نبودن در معرض شکنجه یا سایر بدرفتاری‌ها.

این حقوق در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون اروپا در مورد حقوق بشر و نیز در منشور حقوق اساسی اتحادیه اروپا پاس داشته شده‌اند که آشکارا از سوی دولت بریتانیا نادیده گرفته شده است.

۱. ماده (۱۶) ICCPR که بریتانیا در سال ۱۹۷۶ تصویب کرد.



## بخش سوم - اشغال عراق و نقض‌های آشکار حقوق بشر

### مقدمه

تجاوز نظامی ایالات متحده به عراق با همکاری بریتانیا در ۲۰ مارس ۲۰۰۳، پیروزی نظامی سریعی در پی داشت و منجر به برکناری صدام حسین از حکومت شد. متجاوزان مدعی برقراری صلح، شکوفایی اقتصادی و دموکراسی در عراق بودند، اما از آن زمان به بعد خشونت، جنگ داخلی و رکود اقتصادی بر این سرزمین مستولی شد. صدها هزار نفر از عراقیان مردند و عده کثیری زخمی و معلول شدند. چهار میلیون نفر بی‌خانمان شدند که از این تعداد حدود ۲ میلیون نفر کشور را ترک کردند. فقر شیوع پیدا کرد و بیماری و مرگ کودکان هر روز افزایش می‌یابد.

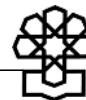
واشنگتن و لندن درباره اینکه چگونه بدون مجوز شورای امنیت و برخلاف منشور ملل متحد به جنگ با عراق رفتند، اطلاعات غلط، دروغ و اغراق‌آمیزی به افکار عمومی و سازمان ملل متحد دادند. نیروهای ائتلاف کشور عراق را تخریب کردند و به غارت، آتش‌زنی، تخریب بیمارستان‌ها، دانشگاه‌ها، کتابخانه‌ها، موزه‌ها و تقریباً همه مؤسسات ملی روی آوردند. میلیاردها دلار در جریان برنامه «بازسازی» از طریق فساد، تقلب و تخلف مالی به هدر رفته است.

نیروهای ائتلاف از قدرت نظامی گسترده‌ای استفاده کردند که منجر به تخریب چندین شهر عراق شد. نیروهای ائتلاف هزاران نفر از عراقی‌ها را بدون اتهام و محاکمه در بازداشت بدون محدودیت زمانی نگهداشته‌اند که بسیاری از آنها تحت شکنجه و بازجویی‌های توهین‌آمیز قرار دارند. نیروهای مذکور شهروندان عراقی را در جریان جستجوی خانه‌ها و در جریان انواع عملیات‌های نظامی می‌کشند. این نیروها همچنین دست به کشتار و فجایع فراوان زده‌اند.

دولت‌های بریتانیا و آمریکا اطلاعاتی را برای توجیه حمله نظامی‌شان به عراق جعل کرده‌اند. با اینکه این دو کشور مدعی هستند که براساس حقوق بین‌المللی دست به حمله به عراق زده‌اند، اکثریت غالبی از کشورهای و ملت‌ها به‌طور دیگر فکر می‌کنند.

کشورهایی که جنگ و اشغال را شروع کردند - به‌ویژه دو کشور انگلیس و آمریکا - باید مسئولیت کشتارها، ویرانی‌ها، اختلال در نظم عمومی، رشد فرقه‌گرایی و بحران اقتصادی را به‌عهده بگیرند. آنها همچنین باید مسئولیت نقض حقوق بین‌المللی و تضعیف همکاری بین‌المللی ناشی از جنگ و اشغال را بپذیرند.

بریتانیا آگاهانه تقریباً دو میلیون پناهنده عراقی را نادیده گرفته است. این کشور هیچ کمکی به همسایه‌های عراق در رابطه با پناهندگان عراقی نکرده است. در چهار سال گذشته بریتانیا هیچ



برنامه‌ای برای اسکان پناهنده‌ها نداشته و هیچ کمک بشردوستانه‌ای به آنها نکرده است.<sup>۱</sup> بی‌شک، انواع مسئولیت‌ها در رابطه با فاجعه عراق وجود دارد، صدام حسین دیکتاتوری بود که جامعه ضعیف و آسیب‌دیده‌ای را به ارث گذاشت. جنگ بلندمدت و وحشتناک با ایران (۱۹۸۰ - ۱۹۸۸) و سی سال تحریم‌های تنبیهی ملل متحد بی‌تردید صدمات زیادی به جامعه عراق وارد آورده بود. دولت‌های بریتانیا و آمریکا حتی زمانی که صدام بیش از حد افراط می‌کرد هنوز با کمک‌ها و نیروهایشان از او حمایت می‌کردند و آنها تحریم‌های اقتصادی گسترده ملل متحد را در مدت سی سال سبب شدند که به مردم عراق لطمه وارد کرد و باعث شد تا صدام در قدرت بماند.<sup>۲</sup> این بخش از گزارش، به‌ویژه موارد زیر را بررسی می‌کند: دلایل غلط درباره جنگ، مخالفت با اشغال، نقش سازمان ملل متحد در عراق، بازداشت شهروندان، پیش زمینه قانونی بازداشت‌ها، جرائم جنگی و نقض آشکار کنوانسیون‌های بین‌المللی، بازداشت توسط نیروهای بریتانیایی، شکنجه و سوءاستفاده‌های سربازان بریتانیایی و رأی دادستانی کل بریتانیا در این خصوص.

### دلایل غلط برای جنگ

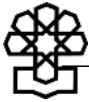
پیش از حمله، آمریکا و انگلیس به شورای امنیت فشار آوردند که اجازه «استفاده از زور» علیه عراق را صادر کند. استدلال آنها این بود که استفاده از زور برای بازداشتن دولت عراق از توسعه سلاح‌های کشتارجمعی یا استفاده از این سلاح‌ها - که ممکن است ملت‌های دیگر را نشانه برود - ضروری است. آنها اعلام کردند که عراق قطعنامه‌های شورای امنیت را نقض کرده است و آنها در این مورد مدارکی را به شورای امنیت ارائه داده‌اند. بیشتر اعضای شورا مرد بودند و شورا در پایان مجوزی برای اقدام نظامی صادر نکرد.

دولت‌های آمریکا و انگلیس با سرویس‌های اطلاعاتی مشهورشان، قبل از جنگ کاملاً آگاه بودند که مدرک درباره سلاح‌های کشتارجمعی عراق ضعیف است و یا اصلاً وجود ندارد. خاطرات شخصی و گزارش‌های دیگر نشان می‌دهد که مقامات دولت بوش درباره جنگی علیه عراق در اوایل ۲۰۰۱ بدون اشاره به موضوع سلاح‌های کشتار جمعی بحث می‌کردند و رئیس‌جمهور جورج بوش و نخست‌وزیر تونی بلر درباره حمله به عراق در کاخ سفید در ۲۰ سپتامبر ۲۰۰۱ صحبت کردند.<sup>۳</sup> همچنین رئیس اطلاعات بریتانیا، آقای ریچارد دیرلاو در دیداری با تونی بلر در ژوئن ۲۰۰۲ اظهار داشت: «اطلاعات و واقعیت‌ها درباره سیاست توسط رهبران در واشنگتن تعیین شده بودند».

1. The Sandy Times, 25 March, 2007.

2. Mark Phythian, Arming Iraq "How the U.S. and Britain Secretly Built Saddam's War Machine", (Boston, 1997).

3. Sir Christopher Meyer, DC Confidential, Meyer was the UK Ambassador to Washington at the Time, (London, 2005).



لندن به‌زودی مشغول دفاع موازی از ادعاهای غلط و اغراق‌آمیز - از جمله دو «گزارش» مشهور داوونینگ استریت - بود.

دو کشور همچنين ادعا کردند که براساس «دفاع مشروع به‌استناد ماده (۵۱) منشور ملل متحد عمل کرده‌اند. البته اینک ما می‌دانیم که عراق هیچ‌گونه تهدید آشکار و فوری تهاجم نظامی اعمال نمی‌کرد و سیاستمداران نیز این موضوع را می‌دانند.

کارن رُس، کارشناس ارشد عراق در هیئت نمایندگی بریتانیا در ملل متحد، بعدها حکایت کرد که مقامات اطلاعاتی بریتانیا و آمریکا به مدت ۴/۵ سال هرروز به عراق رفت‌وآمد می‌کردند ولی هیچ گزارشی در مورد این که صدام توان کافی در حوزه سلاح‌های کشتار جمعی دارد یا تهدیدی بر بریتانیا یا کشور دیگری اعمال می‌کند ارائه ندادند.

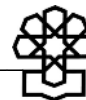
در نهایت، بریتانیا و انگلیس استدلال‌های بشردوستانه - از جمله آزاد کردن مردم عراق از دیکتاتوری صدام حسین و ظلم و ستم وحشتناک وی - را پیش کشیدند. آنها مدعی شدند جنگ آزادی و دموکراسی را به عراق به ارمغان خواهد آورد، اما اگر لندن و واشنگتن نسبت به چنین موضوعی نگران بودند، پس چرا قبلاً با دادن سلاح، کمک، همکاری‌های نظامی با صدام همکاری می‌کردند و حتی او را از محکوم شدن توسط دادگاه‌های حقوق بشر ملل متحد حمایت می‌کردند؟

### مخالفت با اشغال

عراقی‌ها به‌شدت با پایگاه‌های بلندمدت آمریکایی‌ها در خاک کشورشان مخالفند، تا جایی که نظرسنجی‌های مکرر از افکار عمومی نشان می‌دهد عراقی‌ها خواستار خروج نیروهای ائتلاف از کشورشان هستند. اکثریت رو به رشدی از مردم آمریکا و مردم بریتانیا نیز خواستار عقب‌نشینی‌اند.

جورج بوش، رئیس‌جمهور وقت آمریکا اظهار داشت: «نیروهای ما به محض انجام کارشان به وطن خود بازخواهند گشت»، اما هنوز پس از گذشت مدت‌ها عده زیادی از سربازان آمریکایی در عراقند و رئیس‌جمهور زمان یا ملاکی را برای خروج نیروها از عراق مشخص نکرده و تنها به این گفته اکتفا کرده است که نیروهای ما زمانی که «مأموریت خود را تمام کنند» عراق را ترک خواهند کرد.

از آن زمان به بعد، اشغال آمریکایی - بریتانیایی با مقاومت رو به رشدی در عراق مواجه شده است و حمایت از جنگ و اشغال در کشورهای مهاجم دائماً رو به کاهش بوده است. غلط بودن ادعاهای این دو کشور درباره تهدیدات سلاح‌های عراق ثابت شده است و هزینه‌های عملیات بالا رفته است. با این دو کشور ادعا کردند که طبق حقوق بین‌المللی عمل کرده‌اند، اکثریت غالبی از مردم و دولت‌های جهان طور دیگر می‌اندیشند.



در سال ۲۰۰۵ نظرسنجی نظامی محرمانه‌ای توسط وزارت دفاع بریتانیا فاش کرد که درصد بالایی (۴۵ درصد) از عراقی‌ها معتقدند که حملات علیه سربازان بریتانیا و آمریکا موجهند. بعد از ژانویه ۲۰۰۶ حمایت از حملات علیه نیروهای آمریکایی اساساً افزایش یافت و در سپتامبر ۲۰۰۶ به ۶۱ درصد رسید. این نظرسنجی نشان داد که در بین جواب‌دهندگان سنی و شیعه، اکثریت بزرگی از این حملات حمایت می‌کنند.

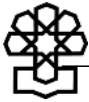
در ماه‌های اولیه اشغال، اکثریتی از مردم آمریکا فکر می‌کردند که نیروهای اشغالگر باید در عراق بمانند تا دموکراسی را تقویت کرده و جامعه جدیدی بنا نهند، اما چنین عقایدی همواره تحلیل رفته‌اند. اینک تنها اقلیت اندکی در آمریکا و خارج از آن فکر می‌کنند که اشغال نتایج مثبتی داشته است (یا خواهد داشت). برخی از نظامیان رده بالای آمریکا خواستار عقب‌نشینی شده‌اند و مخالفت کنگره با جنگ رشد یافته است.

در جولای ۲۰۰۵ یادداشت محرمانه‌ای رو شد که نشان می‌داد واشنگتن احتمالاً نیروهایش را در اوایل ۲۰۰۶ فراخواند، اما در فوریه ۲۰۰۷، ارتش آمریکا استراتژی «هجومی» اش را به اجرا درآورد. ارتش آمریکا براساس این استراتژی ۲۸۰,۵۰۰ سرباز بر ۱۰۰,۰۰۰ نیروی آمریکایی قبلی اش در عراق اضافه کرد.

تهاجم آمریکا و انگلیس به عراق موجب کشته شدن غیرنظامیان زیادی شد و بحران‌های انسانی بزرگی ایجاد کرد. عملیات‌های ضدشورش نیروهای ائتلاف باعث کشته شدن عده زیادی و بی‌خانمان شدن صدها هزار عراقی شد. در اوایل سال ۲۰۰۶، زد و خوردهای فرقه‌گرایی تشدید شد و خشونت داخلی موجب کشته و زخمی شدن و بی‌خانمان شدن عده زیادی شد.

میزان مرگ‌ومیر عراق به‌طور شتابان افزایش یافته است. با تشدید حملات زمینی و هوایی نیروهای ائتلاف و تشدید خشونت‌های فرقه‌گرایی، جمعیت رو به رشدی از عراقی‌ها مجبور به ترک خانه‌هایشان شده‌اند. مطابق گزارش کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان ۱/۹ میلیون نفر در داخل عراق بی‌خانمانند و ۲ میلیون پناهنده به کشورهای همجوار فرار کرده‌اند. بیکاری و گرسنگی نیز به سرعت بالا رفته است. طبق برنامه توسعه ملل متحد یک‌سوم جمعیت عراق اینک در فقر زندگی می‌کنند. آموزش ازکارافتاده است. به‌علاوه، نیازهای اساسی عراقی‌ها در ارتباط با آب شرب، غذا، بهداشت و نیروی برق برآورده نمی‌شود.

بیمارستان‌ها از ارائه خدمات درمانی عاجز و با کمبود نیروی انسانی مواجهند. نظام رفاه بین‌الملل قادر به پاسخگویی به بحران‌های رو به رشد انسانی نبوده است. آژانس‌های بین‌المللی خود با مشکلات جدی روبرویند. بحران انسانی عراق به مرحله‌ای رسیده که قابل مقایسه با برخی از بزرگ‌ترین فجایع جهانی است.



## نقش سازمان ملل متحد در عراق

از آنجا که شورای امنیت ملل متحد با تهاجم آمریکایی - انگلیسی به عراق و اشغال این کشور در مارس ۲۰۰۳ موافقت نکرد، واشنگتن و لندن سازمان ملل متحد را نادیده گرفته و آزادانه وارد عراق شدند، اما مقاومت سخت عراق، مسائل سیاسی و اقتصادی پایدار و انتقادهای بین‌المللی مستمر آمریکا و انگلیس را واداشت تا به دنبال شرکای بین‌المللی برای عمل خود از جمله به دنبال کمک سازمان ملل متحد باشند.

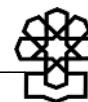
بین کسانی که فکر می‌کردند که سازمان ملل متحد می‌تواند ابزاری برای بین‌المللی‌سازی جنگ و عقب‌نشینی آمریکا و بریتانیا باشند و آنهایی که فکر می‌کردند حضور سازمان ملل در جنگ فقط به بی‌آبرو شدن کل دنیا منجر خواهد شد، بحث در گرفت.

دبیرکل وقت سازمان ملل، کوفی عنان، در پی تصویب قطعنامه ۱۴۸۳ شورای امنیت، دو ماه بعد از جنگ نماینده ویژه‌ای را برای عراق منصوب کرد و سازمان ملل برخی مسئولیت‌های کوچک را در آنجا به عهده گرفت. بسیاری از منتقدین هشدار دادند که سازمان ملل نباید با اشغال و جنگ غیرقانونی شناخته شود.

در آگوست ۲۰۰۳ بمبگذاری عظیمی در اداره مرکزی ملل متحد در بغداد ترس‌های منتقدین را تأیید کرد. در جریان این بمبگذاری ۱۵ نفر از اعضای سازمان ملل از جمله نماینده ویژه کشته شدند. بنابراین سازمان ملل عراق را ترک و فاصله خود را حفظ کرد، اما در فوریه ۲۰۰۴ تحت فشار سنگین ایالات متحده پذیرفت که هیئتی را به منظور کمک به تأسیس دولت موقت جدیدی به این کشور اعزام کند.

ائتلاف آمریکایی - بریتانیایی درحالی که به دنبال کسب مشروعیت از طریق سازمان ملل بودند، نقش سیاسی آن را ضعیف نگه‌داشتند. بعد از تأسیس دولتی موقتی در ژوئن آمریکا به سازمان ملل فشار آورد تا نقش بیشتری در اجرای انتخابات ملی ایفا نماید، اما خطرات امنیتی و بی‌میلی دبیرکل و کارکنان سازمان ملل، نقش آن را در پایین‌ترین حد نگه‌داشت.

اندکی قبل از درگرفتن دشمنی‌ها، دبیرکل سازمان ملل گفته بود که استفاده از زور بدون اجازه شورای امنیت «منطبق بر منشور» نخواهد بود و بسیاری از کارشناسان حقوقی اینک حمله آمریکایی - انگلیسی را به‌عنوان عملی تجاوزکارانه و ناقض حقوق بین‌المللی قلمداد می‌کنند. کارشناسان همچنین به بی‌قانونی‌ها در هدایت جنگ توسط ایالات متحده و نقض کنوانسیون‌های ژنو از سوی ائتلاف آمریکا - انگلیس به‌عنوان قدرت‌های اشغالگر اشاره می‌کنند.



## بازداشت غیرقانونی شهروندان

نیروهای اشغالگر فرآیندهایی را اجرا کرده‌اند که بازداشت‌شدگان را از حقوق انسانی که در ملاک‌ها و حقوق بشر بین‌المللی تضمین شده است محروم می‌کند. به‌ویژه بازداشت‌شده‌ها از حقوق خود برای اعتراض به قانونی بودن بازداشت‌شان قبل از دادگاه محروم می‌شوند. برخی از بازداشت‌شدگان بیش از دو سال بدون هیچ نوع کمک با معالجه مؤثر نگه‌داشته شده‌اند، برخی دیگر بدون توضیح یا عذرخواهی یا جبران خسارت بعد از ماه‌ها بازداشت آزاد شده‌اند، اینها قربانیان نظامی هستند که خودسرانه و مناسب برای سوءاستفاده است.

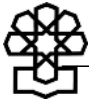
جدول ۱. بازداشت‌ها در عراق (ارقام به صد گرد شده‌اند)

تاریخ	توسط نیروهای ائتلاف	توسط دولت عراق	مجموع
ژانویه ۲۰۰۴	۸،۵۰۰	۰	۸،۵۰۰
جولای ۲۰۰۴	۶،۴۰۰	۰	۶،۴۰۰
نوامبر ۲۰۰۴	۸،۳۰۰	۰	۸،۳۰۰
آوریل ۲۰۰۵	۱۰،۰۰۰	۰	۱۰،۰۰۰
جولای ۲۰۰۵	۱۰،۰۰۰	۵،۰۰۰	۱۵،۰۰۰
اکتبر ۲۰۰۵	۱۱،۶۰۰	۱۱،۸۰۰	۲۳،۴۰۰
دسامبر ۲۰۰۵	۱۴،۰۰۰	۱۲،۰۰۰	۲۶،۰۰۰
فوریه ۲۰۰۶	۱۴،۲۰۰	۱۵،۳۰۰	۲۹،۵۰۰
آوریل ۲۰۰۶	۱۵،۴۰۰	۱۳،۳۰۰	۲۸،۷۰۰
جولای ۲۰۰۶	۱۲،۶۰۰	۱۵،۲۰۰	۲۷،۸۰۰
آگوست ۲۰۰۶	۱۳،۶۰۰	۲۲،۰۰۰	۳۵،۶۰۰
اکتبر ۲۰۰۶	۱۳،۶۰۰	۱۵،۷۰۰	۲۹،۳۰۰
دسامبر ۲۰۰۶	۱۴،۵۰۰	۱۵،۲۰۰	۲۹،۷۰۰
مارش ۲۰۰۷	۱۷،۹۰۰	۱۹،۸۰۰	۳۷،۷۰۰

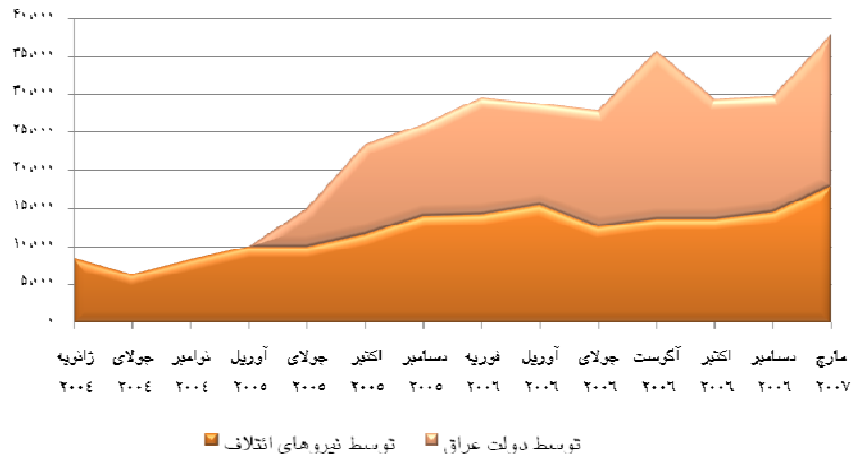
Sources: Amnesty International "Beyond Abu Ghraib", January 2004, June 2005, P.17.

Unami Human Rights Reports, Except for December 2005 Which is a GPF Estimate, October 2005-March 2007.

نیروهای ائتلاف ده‌ها هزار نفر را بدون هیچ‌گونه اتهام، محاکمه و حق اعتراض به بازداشت‌شان بازداشت کرده‌اند. آنها تضمین‌های کافی برای حمایت از بازداشت‌شدگان در برابر شکنجه و بدرفتاری در نظر نگرفته‌اند. موارد فراوانی از شکنجه و بدرفتاری با بازداشت‌شده‌ها گزارش شده است. از جمله شکنجه‌هایی که برای قربانیان اعمال می‌شود شوک‌های الکتریکی و کتک‌کاری با کابل‌های پلاستیکی است. آنها، حتی سازمان‌های بازرسی مستقل را - به بهانه وضعیت خطرناک امنیتی - از ارائه تسهیلات به بازداشت‌شده‌ها و تماس با آنها بازمی‌دارند.



### نمودار ۱. بازداشت‌ها در عراق



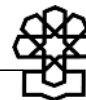
کوفی عنان، دبیرکل سازمان ملل متحد در گزارش خود به شورای امنیت در ژوئن ۲۰۰۵ درباره وضعیت بازداشت‌شدگانی که در عراق توسط نیروهای اشغالگر نگهداری می‌شوند، گفت: «یکی از چالش‌های بزرگ حقوق بشر، بازداشت هزاران نفر بدون مراحل دادرسی مناسب است... . بازداشت طولانی بدون دسترسی بازداشت‌شده‌ها به وکیل و دادگاه، طبق حقوق بین‌المللی ممنوع است».<sup>۱</sup>

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ (ICRC) در فوریه ۲۰۰۴ گزارشی را به نیروهای ائتلافی تحت فرمان آمریکا تسلیم کرد که نقض‌های جدی حقوق بین‌المللی بشر را توسط نیروهای مذکور در عراق نشان می‌داد. این نقض‌ها عبارت بودند از وحشیگری علیه بازداشت‌شدگان در اثنای دستگیری و بازداشت اولیه و گاهی کشته شدن یا به‌شدت زخمی شدن بازداشت‌شده‌ها و استفاده از روش‌های متعدد شکنجه و بدرفتاری علیه آنها. تصاویر افشا شده در آوریل ۲۰۰۴ از شکنجه و بدرفتاری سربازان آمریکایی با بازداشت‌شده‌ها در زندان ابوغریب، باعث نفرت و انزجار جهانی شد. با تحقیقی که در پی این رسوایی توسط ژنرال آنتونیو تاگوبا انجام شد روشن شد که نیروهای ائتلاف باید در برابر بدرفتاری‌های سیستمیک و غیرقانونی با بازداشت‌شده‌ها در زندان ابوغریب در خلال اگوست ۲۰۰۳ و فوریه ۲۰۰۴ پاسخگو باشند و آشکار شد که سربازان در نقض هولناک قانون اساسی در این زندان دست داشته‌اند.<sup>۲</sup>

درحالی که عده‌ای از سربازان آمریکایی در ارتباط با بدرفتاری با بازداشت‌شدگان در دادگاه نظامی محاکمه شدند، ولی مقامات ارشد اجرایی آمریکا از تعقیب قضایی مستقل مصون مانده‌اند.

1. United Nations Doc, 5/2005/373, UN Security Council, Report of the Secretary General Pursuant to para 30 of resolution 154g (2004), 7 June, 2005, Para. 72.

2. The "Taguba Report" on Treatment of Abu Ghraib Prisoners in Iraq, Article 6-15 Investigation of the 800th military police brigade.



هرچند که عده‌ای از آنها به خاطر ارتکاب به نقض جدی حقوق بشر در عراق، از سوی دادگاه‌های نظامی آمریکا محاکمه شده‌اند، اما حکم‌هایی برای آنها صادر شده است که شدت این نقض‌ها را نادیده می‌گیرد.

همچنین عده‌ای از سربازان بریتانیایی، در ارتباط با شکنجه و بدرفتاری علیه بازداشت‌شدگان و مرگ آنها متهم و محاکمه شده‌اند. دادگاه استیناف انگلیس ویلز در ۲۱ دسامبر ۲۰۰۵ در رابطه با مرگ بهادود سالم المالکی ۲۶ ساله و پنج عراقی دیگر برگزار شد.

در یک مورد دیگر، یک دادگاه نظامی سه سرباز بریتانیایی را در فوریه ۲۰۰۵ به دلیل بدرفتاری با بازداشت شده‌ها در می ۲۰۰۳ در کمپ بردبستکت در نزدیکی بصره مجرم شناخت و برای هرکدام از آنها از ۱۴۰ روز تا دو سال حبس صادر کرد.<sup>۱</sup>

همچنین در نمونه‌ای دیگر، لرد گلد اسمیت دادستان کل بریتانیا در جولای ۲۰۰۵ اعلام کرد که چهار مرد ارتشی بریتانیا، مظنونین را با مشتم و لگد کتک زده‌اند و آنها را وادار کرده‌اند که خودشان را به کانال شط‌البصره بیاندازند.<sup>۲</sup>

جای بسی تأسف است که تحقیق و بازرسی از نقض حقوق بشر از سوی نیروهای ائتلاف در عراق محاکمه مسئولین امر، به‌طور کلی در اختیار مقامات داخلی خود آنهاست. بنابراین بدیهی است که تحقیق و بازرسی از ارتش و تعقیب قضایی ناقضان حقوق بشر امکان ندارد براساس معیار بی‌طرفی بین‌المللی انجام شود.

### توجیه حقوقی بازداشت‌ها

پیش‌زمینه حقوقی بازداشت‌هایی که از سوی نیروهای اشغالگر صورت می‌گیرد این است که عراق در وضعیت منازعه مسلحانه بین‌المللی قرار داشت. در نتیجه کسانی که توسط نیروهای اشغالگر از آزادی‌هایشان محروم شده‌اند. در واقع توسط حقوق انسان‌دوستانه بین‌المللی مورد حمایت قرار گرفته‌اند.<sup>۳</sup>

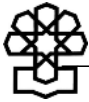
کنوانسیون چهارم ژنو، قابل اجرا برای وضعیت‌های منازعه مسلحانه بین‌المللی، اشعار می‌دارد که بازداشت «تنها در شرایطی می‌تواند قابل اجرا باشد که برای تأمین امنیت قدرت بازداشت‌کننده ضروری باشد».

با واگذاری قدرت در ژوئن ۲۰۰۴ وضعیت حقوقی تغییر یافت. از آن زمان به بعد به‌نظر می‌رسد که عراق در وضعیت منازعه مسلحانه داخلی قرار دارد که در این وضعیت نیروهای

1. The Guardian, Audrey Gillan, Soldiers in Iraq Abuse Case Sent to Prison, 26 Feb, 2005.

2. CNN, British trio Charged War Crimes, 19 July, 2005.

۳. کنوانسیون‌های سوم و چهارم ژنو (۱۹۴۹).



چندملیتی و نیروهای امنیتی عراقی در یک طرف و شورشیان در طرف دیگر قرار گرفته‌اند. بنابراین کنوانسیون‌های ژنو دیگر کاملاً برای اشخاصی که در ارتباط با منازعه مسلحانه بازداشت می‌شوند کاربرد ندارد. در این وضعیت، همه طرف‌ها از جمله نیروهای چندملیتی با ماده (۳) مشترک در چهار کنوانسیون ژنو و با مقررات عرفی مناسب برای منازعات مسلحانه غیربین‌المللی و نیز حقوق بشر محدود می‌شوند.<sup>۱</sup>

علاوه بر موارد بالا، قوانین حقوق بشر در عراق قابل اجراست. آمریکا، بریتانیا و عراق، از نظر میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی کشورهای هستند که باید تضمین‌هایی را برای حمایت از بازداشت‌شدگان فراهم آورند.

همان‌گونه که کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد تأکید کرده است، قوانین انسان‌دوستانه بین‌المللی و قوانین حقوق بشر در شرایط منازعه مسلحانه یکدیگر را تکمیل می‌کنند.

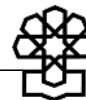
طبق گزارش عفو بین‌الملل، سیستم بازداشت‌های امنیتی که از سوی نیروهای چندملیتی در عراق به اجرا گذارده می‌شود حقوق اساسی بشر را نقض می‌کند. ماده (۹) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، همه بازداشت‌ها از جمله کسانی که به دلایل امنیتی بازداشت می‌شوند را مورد حمایت قرار می‌دهد. این ماده تأکید می‌کند که هیچ‌کسی نباید خودسرانه بازداشت شود. بازداشت شده‌ها، همچنین باید به دادگاه‌هایی دسترسی داشته باشند که بتوانند بی‌درنگ درباره قانونی بودن بازداشت آنها رأی صادر کند و در صورتی که بازداشت‌شان غیرقانونی بوده باشد ترتیبات آزادی آنها را بدهد. این الزام‌ها در مورد کسانی کاربرد دارد که با دستگیری و بازداشت از آزادی‌هایشان محروم می‌شوند و به همین دلیل برای بازداشت‌شدگان نیروهای چندملیتی در عراق کاربرد دارند.

### جرایم جنگی و نقض وحشتناک کنوانسیون‌های بین‌المللی

اینک نزدیک به پنج سال پس از تجاوز آمریکایی - بریتانیایی به عراق، وضعیت حقوق بشر در این کشور وحشتناک است. صدها هزار نفر از شهروندان عراقی به‌طور خشونت‌باری مرده‌اند و مسئولیت این مرگ‌ها مستقیماً با نیروهای اشغالگر است.

ده‌ها هزار نفر در بازداشت‌های همراه با بدرفتاری نگهداشته می‌شوند. آنها از خانواده‌هایشان جدا شده و مدت‌های طولانی ممنوع‌الملاقات نگهداری می‌شوند. این سیاست باعث وحشت مردم عراق شده است. این سیاست لطمات زیادی بر مردم وارد آورده و قوانین بین‌المللی را شدیداً نقض کرده است.

۱. ماده (۳) مشترک در چهار کنوانسیون ژنو ایجاب می‌کند که با بازداشت شده‌ها به‌طور انسانی رفتار شود، هرچند که این ماده به جزئیات مربوط به شرایط بازداشت اشاره نکرده است.



ایالات متحده و بریتانیا به طرز غیرقابل قبولی ادعا می‌کنند که مجوز بازداشت نامحدودی را براساس نامه‌ای از کالین پاول به ضمیمه قطعنامه ۱۵۶۴ شورای امنیت ملل متحد دریافت داشته‌اند. نامه مذکور از بازداشت سخن می‌گوید «در جایی که به دلایل اجتناب‌ناپذیر امنیتی ضروری باشد» دبیرکل سابق سازمان ملل متحد، کوفی عنان، این تفسیر از قطعنامه را نپذیرفته است و سازمان ملل هنوز تردیدهای نسبت به مشروعیت این سیاست دارد.

پرونده نیروهای آمریکا و متحدان بریتانیایی‌اشان غیرقابل قبول است. برخلاف سخنرانی‌های قبل از جنگ و توجیهات بعد از تهاجم رهبران سیاسی آمریکا و بریتانیا و علیرغم تعهدات آنها براساس قوانین بین‌المللی، نیروهای اشغالگر از ابتدای تهاجم چشم‌های خود را بر بسیاری از نقض‌های حقوق بشر و مسائل عراق بسته‌اند.

کنوانسیون‌های ژنو و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی معیارهای روشنی را برای رفتار و وضعیت قانونی زندانیان جنگی و مجرمان بازداشت شده وضع کرده‌اند. براساس این معیارها بازداشت خودسرانه افراد و ممنوع‌الملاقات کردنشان غیرقانونی است. حق همه بازداشت‌شده‌ها برای برخورداری از وکیل قانونی و روال قضایی مناسب تضمین شده است. آنها حق دارند که از معیارهای انسانی و محترمانه در زمان بازداشت برخوردار باشند، آنها حق تماس گرفتن با صلیب سرخ را دارند و نباید با آنها بدرفتاری شود. قوانین داخلی ایالات متحده و بریتانیا بازداشت خودسرانه، خارج از حدود قانون و ممنوع‌الملاقات را اجازه نمی‌دهد. کنوانسیون بین‌المللی جلوگیری از سر به نیست شدن اجباری، دستگیری و بازداشت‌های سیستماتیک و گسترده را مثل جنایت علیه بشریت می‌داند.

### بازداشت توسط نیروهای بریتانیایی

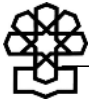
بریتانیا (به همراه آمریکا) با ایفای نقش در بازداشت بدون اتهام هزاران نفر در عراق قوانین حقوق بشر داخلی و بین‌المللی را نقض کرده است. در پایان اکتبر ۲۰۰۵ بریتانیا به تنهایی «بازداشتی امنیتی» را در عراق بدون اتهام و محاکمه نگه‌داشته بود.<sup>۱</sup>

جالب توجه است که بازرسی از بازداشتی‌های انجام شده از سوی نیروهای بریتانیایی و استفاده از شکنجه علیه آنها، توسط کمیته منطقه‌ای بازرسی بازداشت صورت می‌گیرد نه توسط یک سازمان مستقل. این کمیته کلاً از مقامات نیروهای چندملیتی تشکیل شده است.<sup>۲</sup>

موارد گفته شده نمی‌تواند منعکس‌کننده نتایج وحشتناک تجاوز جنایتکارانه بلر و بوش در عراق

1. Amnesty International Report 2006, on the UK.

2. Foreign and Commonwealth Office, Human Rights - Annual Report 2005, P. 63.



باشد، اما تکرار چنین فاجعه‌ای را دشوار می‌کند. مدارک افشا شده در ۲۹ ژانویه ۲۰۰۶ از کاخ سفید نشان می‌دهد که تونی بلر و جورج بوش چگونه درباره جنگ عراق دروغ گفتند و طولانی سیاسی در سطح جهان راه انداختند.

کتابی که جدیداً منتشر شده است نشان می‌دهد که چگونه این دو نفر با همدستی یکدیگر سازمان ملل متحد را گول زده‌اند. تونی بلر نهایت حمایت خود را از جورج بوش نشان داد. این کتاب - نوشته فیلیپ سندس، استاد حقوق دانشگاه لندن - براساس اطلاعات سطح بالا، نشان می‌دهد که چگونه این دو نفر تصمیم به جنگ گرفته بودند و برایشان اهمیتی نداشت که حمایت سازمان ملل را به دست بیاورند یا نه.

کتاب مذکور، همچنین، ادعاهایی جدی در رابطه با عملکرد مقامات سابق بریتانیا در جنگ مطرح می‌کند.

### شکنجه و بدرفتاری‌های انجام شده توسط سربازان بریتانیایی

مرگ‌ومیرهای زیادی در بین بازداشتی‌های آمریکایی و بریتانیایی در عراق رخ داده است که موارد زیادی از آن مربوط به شکنجه، بدرفتاری یا قتل است. در اواخر سال ۲۰۰۴ عفو بین‌الملل موردی را از بازداشتی‌های بریتانیا کشف کرد که چهار عراقی در نتیجه شکنجه و بدرفتاری مرده بودند.<sup>۱</sup>

همچنین دو پرونده مشهور، یکی در مورد سربازان آمریکا و دیگری در مورد سربازان بریتانیایی، وجود دارد که متهمان پرونده سربازان عراقی را از پل‌ها یا سنگ‌چین‌های بلند به رودخانه پرت می‌کردند و آنها را می‌کشتند.<sup>۲</sup>

در ۱۱ فوریه ۲۰۰۶ فیلم ویدئویی تکان‌دهنده‌ای از تلویزیون ملی بریتانیا پخش شد که سربازان بریتانیایی را درحالی نشان می‌داد که چهار نوجوان عراقی را که به اتهام شورش در خیابان‌ها دستگیر شده بودند زیر مشتمت و لگد گرفته بودند. این فیلم ویدئویی همچنین نشان می‌داد که یک سرباز با کنار زدن پتو از صورت یک عراقی مرده و دو بار زدن بر سر او، او را مسخره می‌کرد.<sup>۳</sup>

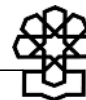
وزارت دفاع فیلم پخش شده را تأیید کرد و پلیس سلطنتی تحقیقی را در مورد این اظهارات شروع کرد.

همچنین وکلای ۵ عراقی در ۲۲ فوریه ۲۰۰۸ اظهارات شاهدان را با جزئیات، عکس‌های اجساد و گواهی فوت مردگان منتشر کردند. در ابتدا هفته‌ها به این ادعاها رسیدگی نشد تا اینکه در نهایت پلیس سلطنتی تحقیق درباره آنها را شروع کرد.

1. Amnesty International, "United Kingdom Briefing for the Committee Against Torture", 26 Nov, 2004.

2. "Beyond Abu Ghraib", p.13 (US Case), p.15 (UK case).

3. The Mail on Sunday, 12 Feb, 2006, P. 23.



اینک کارشناسان حقوق بشر ادعا می‌کنند «سربازان بریتانیایی احتمالاً بیش از ۲۰ نفر از زندانیان را در شمال عراق در سال ۲۰۰۴ اعدام کرده‌اند. گزارشی راجع به دستگیرشدگان بعد از جنگی مسلحانه در نزدیکی شهر Majat-al-kabir در می ۲۰۰۴ نیز نشان می‌دهد که سربازان اسیر شده‌ها را شکنجه و مثله می‌کردند»<sup>۱</sup>.

فیل شاینر، وکیل، گفت: مدارک روشنی از بدرفتاری سیستماتیک و کوتاهی کردن‌های سیستماتیک در سطح نظامیان، کارمندان و سیاستمداران عالی‌مقام در دست است».

او اضافه کرد: «ما به‌عنوان یک ملت تا زمانی که به چنین مدارکی روبرویم نباید به اصلاحات اساسی مورد نیاز برای تضمین جلوگیری از تکرار چنین حوادثی دل خوش کنیم».

دولت‌های آمریکا و بریتانیا با تحقیق و بازرسی رسمی از جنایات سطح پایین به گزارش‌های مربوط به استفاده از شکنجه و بدرفتاری واکنش نشان داده‌اند و از پذیرش مسئولیت در سطوح بالاتر شانه خالی کرده‌اند. تعداد انگشت‌شماری از مجرمان به دادگاه کشیده شده‌اند، احکام سبکی صادر شده است و فرماندهان و مقامات رده بالا از پاسخگویی فرار کرده‌اند.<sup>۲</sup>

دادستان کل سابق بریتانیا، لرد گلداسمیت، در سال ۲۰۰۳ به فرماندهان نیروهای زمینی گفت که بازرسی آنها از بازداشت شده‌ها در عراق مطابق با معیارهای قوانین حقوق بشر بریتانیا نیست و آنها باید رویکردی «عملگرایانه» در برخورد با زندانیان در پیش بگیرد.

اگرچه ممکن است بسیاری از حوادث بدرفتاری سربازان بریتانیایی با شهروندان عراقی، براساس حقوق بین‌المللی خارج از تعریف شکنجه سخت باشد، اما براساس کنوانسیون اروپایی حقوق بشر لزومی ندارد که تهدید یا استفاده از درد، سنگین باشد تا قانون را نقض کرده باشد.

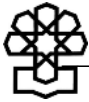
قابل ذکر است که براساس دکترین «مسئولیت آمر» - که در دادگاه‌های جنایی مربوط به جنگ جهانی دوم از سوی دولت‌های آمریکا و بریتانیا عنوان شده بود - فرماندهان و مقامات ارشد باید مسئولیت نقض‌های جدی حقوق بین‌المللی را به‌عهده بگیرند. هرچند که مستقیماً دستوری برای نقض حقوق بین‌المللی صادر نکرده باشند. براساس این دکترین مقامات عالی‌رتبه آمریکا و بریتانیا پاسخگوی این جرائم هستند.

### توجیه شکنجه

شکنجه در حقوق بین‌المللی این‌گونه تعریف شده است: هر نوع تهدید یا استفاده از درد شدید جسمی و روحی علیه یک شخص به‌منظور گرفتن اعتراف یا اطلاعات دیگر. در طول جنگ نظامی،

1. The Guardian, 22 Feb, 2008.

2. Detainee Abuse and Accountability Project (Human Rights Watch, Human Rights First and the New York University School of Law).



کنوانسیون‌های سوم و چهارم ژنو زندانیان جنگی و شهروندان نگهداری شده توسط سربازان را حمایت می‌کنند. شکنجه، همچنین، از سوی دادگاه جنایی بین‌المللی به‌عنوان یک جنایت جنگی تعریف می‌شود.

لرد اسمیت، دادستان کل سابق بریتانیا استدلال کرد از آنجا که نیروهای بریتانیایی کنترل کامل عراق را در دست ندارند، این کشور قسمتی از حوزه قضایی بریتانیا نیست و بنابراین قانون حقوق بشر بریتانیا در آنجا اجرا نمی‌شود، اما او زمانی که دادگاه استیناف براساس قانون حقوق بشر بریتانیا در مورد سربازانی که شهروندان عراقی را زندانی کرده بودند حکم صادر می‌کرد، این استدلال خود را فراموش کرد. این پرونده از سوی دولت به مجلس اعیان فرستاده شد.

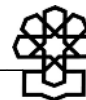
براساس گزارش گاردین (۱۳ ژوئن ۲۰۰۷) مجلس اعیان این حکم را صادر کرد که قانون حقوق بشر در مورد پرونده شهروندان عراقی که در زندان‌های بریتانیایی در اثر شکنجه مردند اجرا می‌شود و با این حکم شوک پرسروصدایی را به رفتار بریتانیا در جنگ در عراق وارد آورد. مجلس اعیان گفت که بریتانیا متعهد به انجام تحقیقی مستقل درباره مرگ بها موسی - که پس از تحمل ۹۳ زخم جداگانه در بصره در سال ۲۰۰۳ مرد - است.

مجلس اعیان رأی بر این داد که تعهدات بریتانیا براساس کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نسبت به رفتار سربازان بریتانیا در عراق قابل اجراست. مجلس اعیان رأی دسامبر ۲۰۰۵ دادگاه استیناف را تأیید کرد که می‌گفت مقامات بریتانیایی در ارتباط با آقای موسی - کارگر ۲۶ ساله - حق قضاوت برون‌مرزی داشتند.

واقعیت این است که چنین احکامی هیچ نوع تعهد قانونی بر دولت بریتانیا اعمال نمی‌کند. این احکام به خودی خود نشان نمی‌دهند که مقامات ارشد و وزرای بریتانیا در جرائم جنگی دست داشته‌اند.

کمیته مشترک پارلمان بریتانیا درباره حقوق بشر طی مکاتبه‌ای از دولت درباره مدارک شکنجه در دادگاه نظامی بها موسی «توضیح» خواست. اندرو دیسمور، رئیس این کمیته، گفت: «ما از وزارت دفاع درباره مدرکی راجع به استفاده از تکنیک‌های تحقیرآمیز و غیرانسانی بازپرسی - که از سال ۱۹۷۲ ممنوع شده است - توضیح خواهیم‌آید».

وکلا خانواده آقای موسی و مدافعان حقوق مدنی خواستار انجام تحقیقی کامل راجع به شرایط مرگ وی شدند. آنها قبل از جلسه دادگاه، عکس‌ها و مدارکی را افشا کردند که ۹۳ زخم مجزا از جمله یک مورد شکستگی بینی، چهار مورد شکستگی استخوان دنده و یک مورد خط‌افتادگی بر دور گردن را در بدن آقای موسی نشان می‌داد. آنها احکامی را که یک دادگاه نظامی قبلاً درباره هفت سرباز - که با موسی و دیگران بدر رفتاری کرده بودند - صادر کرده بود، نپذیرفتند. طی این



احکام ۶ نفر از سربازان بری از اتهام شده بودند و فقط یکی از آنها به جنایت جنگی محکوم شده و تنها به مدت یک سال زندانی شد.

همچنین روشن نیست که آیا دولت به حکم مجلس اعیان مبنی بر انجام تحقیقی درباره مرگ موسی متعهد است یا اینکه دولت تحقیق دادگاه نظامی را کافی می‌داند؟ طبق گزارش ایندیندنت (۲۹ می ۲۰۰۷)، دادستان کل سابق بریتانیا، لرد اسمیت، متهم شده است که به ارتش گفته است سربازان بریتانیایی را زمانی که زندانیان عراقی را دستگیر، بازداشت و بازجویی می‌کنند قانون حقوق بشر بریتانیا محدود نمی‌کند. ایمیل‌های سری بین فرماندهان نظامی بریتانیا در عراق و لندن اندکی پس از شروع جنگ نشان می‌دهد که نظر لرد اسمیت این بوده است که در زمان در اختیار داشتن زندانیان باید رویکردی «عملگرایانه» اتخاذ شود و نیازی به رعایت «معیارهای عالی» قانون حقوق بشر بریتانیا نیست.

به نظر مدافعان حقوق بشر این، در حکم توصیه دادستان کل به ارتش برای نادیده گرفتن قانون حقوق بشر بریتانیا و کنوانسیون‌های ژنو بود. آن همچنین برخلاف توصیه مشاور حقوقی ارتش در عراق بود که رعایت معیارهای عالی را ضروری می‌دانست. گروه‌های حقوق بشر و کارشناسان حقوق بین‌المللی از دولت خواستند که نظر حقوقی لرد اسمیت را برملا کند زیرا نظر حقوقی لرد اسمیت به رشد فرهنگ بدرفتاری سربازان بریتانیایی با عراقی‌ها دامن خواهد زد.

### بخش چهارم - اسلام‌هراسی و تبعیض علیه مسلمانان بریتانیا

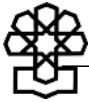
بیانیه جهانی حقوق بشر (UDHR) می‌گوید که همه در برابر قانون یکسانند قانون بدون هیچ‌گونه تبعیضی از همه آنها به‌طور مساوی دفاع می‌کند.

ماده (۲) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دولت‌ها را متعهد می‌کنند که حقوق گنجانده شده در این اسناد را «بدون تمایز بین هیچ نوعی مثل نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقاید سیاسی و عقاید دیگر، اصل و نسب ملی یا اجتماعی، فقر، تولد یا سایر شرایط» محترم بدارند.

ماده (۱۸/۱) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی از حق آزادی اندیشه، آگاهی و مذهب دفاع می‌کند. این آزادی‌ها عبارتند از آزادی هرکس به‌صورت فردی یا در اجتماع با دیگران و خصوصی و عمومی از بیان مذهب و باور خود به‌صورت عبادت، انجام فرایض دینی، عمل و آموزش.

براساس ماده (۲۰) میثاق بین‌المللی مذکور «هرنوع طرفداری از تعصب مذهبی، نژادی و ملی که منجر به برانگیخته شدن نژادگرایی، دشمنی یا خشونت می‌شود باید توسط قانون ممنوع شود.

طرز بیان ماده (۹/۱) کنوانسیون اروپا در مورد حقوق بشر، ماده (۱۰/۱) منشور حقوق اساسی



ملل متحد و ماده (۱/۱) بیانیه ملل متحد درباره تعصب مذهبی و تبعیض مثل هم است. منشور حقوق اساسی ملل متحد محدودیتی کلی نسبت به تبعیض در نظر گرفته است.

کشورهای عضو سازمان امنیت و همکاری اروپا خودشان را به رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه بدون هیچ‌گونه تمایز و نیز به تضمین حمایت در برابر تبعیض متعهد کرده‌اند. کشورهای مذکور همچنین خودشان را متعهد ساخته‌اند که «تدابیر مناسب و متناسبی را برای حمایت از اشخاص و گروه‌ها در برابر تبعیض، دشمنی یا خشونت به‌خاطر هویت مذهبی، زبانی، فرهنگی، قومی و نژادی‌شان» اتخاذ کنند و از دارایی‌های آنها محافظت کنند.

در جولای ۲۰۰۴ شورای دائمی سازمان امنیت و همکاری اروپا حکم شماره ۶۲۱ را درباره مدارا و مبارزه با نژادگرایی، بیگانه‌هراسی و تبعیض اتخاذ کرد که براساس آن دولت‌های مشارکت‌کننده خود را به برداشتن گام‌هایی برای مبارزه با تبعیض و خشونت علیه مسلمانان متعهد نمودند.

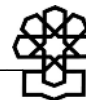
در سال ۲۰۰۰ کمیسیون اروپایی مبارزه با نژادگرایی و تعصب توصیه‌نامه‌ای سیاسی راجع به مبارزه با تعصب و تبعیض علیه مسلمانان تصویب کرد. این توصیه‌نامه از کشورهای عضو شورای اروپا می‌خواهد که تدابیر ضروری برای مبارزه با تبعیض، به دلایل مذهبی، در استخدام و حوزه‌های دیگر در نظر بگیرند، از جمله این تدابیر می‌تواند تشویق کارفرمایان به در نظر گرفتن «کدهای رفتار» و اعمال تعبیه‌های مناسب باشد. آن همچنین دولت‌های عضو را متعهد می‌کند تا تضمین کنند که مؤسسات عمومی با آگاهی از نیاز به ملزومات فرهنگی و سایر ملزومات جامعه چندفرهنگی ساخته شوند.

### اسلام‌هراسی و نمودهای آن

با اینکه اسناد، کنوانسیون‌ها و حقوق بسیاری برای حمایت از اقلیت‌ها (مسلمانان) در برابر تبعیض وجود دارد، دشمنی با اسلام و مسلمانان ویژگی برخی از جوامع اروپایی از قرن هشتم به بعد بوده است. این دشمنی در زمان‌های مختلف اشکال گوناگونی به خود گرفته و کارکردهای متعددی را ایفا کرده است. بنابراین شایسته‌تر این است که از «اسلام‌هراسی‌ها» سخن گفته شد تا از پدیده‌ای منفرد. هرکدام از جلوه‌های اسلام‌هراسی ویژگی‌های خاص خود را دارد و در عین حال برخی از ویژگی‌ها در جلوه‌های مختلف اسلام‌هراسی شبیه به یکدیگر بوده و از همدیگر وام گرفته‌اند.<sup>۱</sup>

اسلام‌هراسی را می‌توان به‌طور کلی به این‌صورت تعریف کرد: تنفر یا ترسی غیرعقلانی از مسلمانان یا فرهنگ اسلامی. «مشخصه اسلام‌هراسی این‌ها باور است که مسلمان‌ها متعصبانی مذهبی‌اند، جهت‌گیری‌های خشن علیه غیرمسلمانان دارند و مفاهیمی مثل برابری، مدارا و دمکراسی

1. The Study by The International Helsinki Federation For Human Rights (IHF).

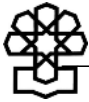


را قبول ندارند». نموده‌های دشمنی علیه مسلمانان عبارتند از:

- حملات فیزیکی و زبانی به اسلام و مسلمین در اماکن عمومی،
  - حملات به مساجد و توهین به قبرستان‌های مسلمین،
  - سیاست ضدحجاب با تلاش‌های آرام برای جلوگیری از حقوق زنان مسلمان،
  - کلیشه‌های منفی عادی و گسترده در رسانه‌ها، از جمله پوسترها و در محاوره‌ها و «حس عمومی» غیرمسلمان‌ها - مردم درباره مسلمان‌ها به‌گونه‌ای حرف می‌زنند و می‌نویسند که اگر به‌عنوان مثال درباره یهودی‌ها و یا سیاه‌ها آن‌گونه حرف بزنند قابل قبول نخواهد بود،
  - تذکرات و حرف‌های کلیشه‌ای منفی در سخنرانی‌های رهبران سیاسی، با اشارات ضمنی به اینکه مسلمان‌ها در بریتانیا کمتر از سایرین به دموکراسی و حکومت قانون پایبندند،
  - تبعیض در اشتغال و استخدام و در رسوم و فرهنگ محل کار،
  - ایستایی و تأخیر بوروکراتیک در پاسخ به درخواست‌های مسلمانان در زمینه‌های فرهنگی، آموزشی و بهداشتی و درخواست‌های مربوط به ساخت‌وساز مساجد،
  - عدم توجه به این واقعیت که مسلمانان در بریتانیا به‌طور نامتناسبی در فقر و محرومیت اجتماعی هستند،
  - عدم شناسایی مسلمانان به‌طور خاص و مذهب در کل، از سوی قانون زمین، تبعیض در استخدام به‌خاطر مذهب هنوز تا این اواخر قانونی بوده است و تبعیض در ارائه خدمات هنوز قانونی است،
  - ناهنجاری‌ها در قانونگذاری نظم عمومی، به‌طوری که مسلمان‌ها در برابر نفرت دیگران کمتر از اعضای سایر مذاهب مورد حمایت قرار می‌گیرند،
  - قوانین محدودکننده آزادی‌های مدنی که به‌طور نامتناسبی مسلمانان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.
- تعصب مذهبی در جامعه بریتانیا چیز تازه‌ای نیست، با این حال از ۱۱ سپتامبر جامعه مسلمانان با احساسات اسلام‌هراسی سخت‌تری روبرو شده است. مسلمانان در بریتانیا در واقع بیشتر از سایر گروه‌ها نتایج واکنش به تروریسم بین‌المللی را احساس می‌کنند و این، بعد جدیدی به مسائل از قبل موجود بخشیده است.

### عوامل زمینه‌ای اسلام‌هراسی

اسلام‌هراسی را تعداد از عوامل زمینه‌ای تشدید کرده است. اولین و مهمترین عامل زمینه‌ای سیاست خارجی سنتی بریتانیا در رابطه با شرایط متعدد منازعه در جهان و به‌ویژه در خاورمیانه است. امروز به‌طور گسترده این‌طور دریافت می‌شود که جنگ علیه ترور در واقع جنگ علیه اسلام است. کاملاً روشن است که بریتانیا از رژیم صهیونیستی در برابر فلسطینی‌ها حمایت می‌کند. در منازعات



دیگر نیز دولت بریتانیا در طرف غیرمسلمان‌ها علیه مسلمان‌ها قرار دارد و با این نگرش که اصطلاحات «مسلمان» و «تروریست» هم‌معنی‌اند، هم داستان است.<sup>۱</sup>

دومین عامل زمینه‌ای نگرش ندانم‌گو، سکولار و بدبینانه به مذهب است. این نگرش گاهی به روشنی در رسانه‌ها، به‌ویژه در رسانه‌های چپ لیبرال منعکس می‌شود. نگرش مذکور به همه مذاهب، نه‌تنها به اسلام، تحمیل می‌شود.

عامل زمینه‌ای سوم نقش رهبران سیاسی و سیاست‌های رسمی است. در پی حوادث ۱۱ سپتامبر حزب ناسیونال راست افراطی بریتانیا (BNP)، که ۵ درصد آرا را در انتخابات پارلمانی اروپا در ۲۰۰۴ به‌دست آورد و در همان سال ۲۱ کرسی شورای محلی را تصاحب کرد، به‌طور روزافزونی گرایش‌های ضدمسلمان در پیش گرفته است.

اعضای حزب ناسیونال بریتانیا، در یک فیلم مستند تلویزیونی محرمانه که در تابستان ۲۰۰۴ پخش شد، اسلام را به‌عنوان «عقیده شرور شیطانی» می‌نامند که «توسط یک مشیت دیوانه عجیب و غریب گسترش یافته است و اظهار امیدواری می‌کنند که مساجد و مسلمانان «جنگ‌افروز» سرکوب شوند».<sup>۲</sup>

همچنین، برخی از رهبران سیاسی متعاقباً نظراتی ارائه کرده‌اند که به‌طور ضمنی نشان می‌دهد که مسلمانان عموماً به دمکراسی و مدارا کمتر از سایر اعضای جامعه پایبندند. برای مثال در اواخر ۲۰۰۳، منابع خبری گزارش کردند که دنیس مک شین، وزیر امور اروپا، از مسلمانان خواسته است تا بین «راه بریتانیایی» و «راه تروریستی» یکی را انتخاب کنند. جمله‌ای با این محتوا در متن سخنرانی وزیر برای ارائه در نشست مؤسسه گنجانده شده بود که به‌دست رسانه‌های خبری افتاد.

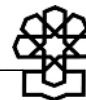
در نتیجه اعتراضات شدید او در زمان ایراد سخنرانی صدای خود را به نسبت پایین آورد.<sup>۳</sup> عامل چهارم این واقعیت است که درصد زیادی از پناهندگان و پناهجویان مسلمانان هستند. هرچند که پناهندگان نقش مثبتی در اقتصاد بریتانیا و توسعه آن ایفا می‌کنند، اما رسانه‌های جمعی به‌ویژه روزنامه‌های جنجالی علیه آنها تبلیغات می‌کنند. بنابراین، کلماتی مثل «مسلمان»، «پناهجو»، «پناهنده» و «مهاجر» در نظر مردم هم‌معنی و قابل تبدیل به یکدیگرند.

تأثیر جمعی ویژگی‌های متعدد اسلام‌هراسی - که با عوامل زمینه‌ای گفته شده در بالا تشدید می‌شود - باعث می‌شود تا مسلمانان احساس کنند که واقعاً به بریتانیا تعلق ندارند. آنها احساس می‌کنند که به‌طور واقعی پذیرفته نشده‌اند و به‌عنوان عضو کامل جامعه بریتانیا محسوب نمی‌شوند. برعکس، به آنها به‌عنوان «دشمنی در داخل» یا «ستون پنجم» نگریسته می‌شود و آنها احساس

1. The Guardian, Richard Norton – Taylor “How Labour Used The Law to Keep Criticism of Israel Secret”, 21 Feb, 2008.

2. The Guardian, Jeremy Seabrook, “Religion as A Fig Leave for Racism”, 23 July, 2004. Also in BBC Program “BNP Activists Admit to Race Crime”, 15 July, 2004.

3. The Guardian, “Minister’s Warning Angers Muslims”, 22 Nov, 2003.



می‌کنند که در محاصره‌های دائمی هستند.

«ما در بین خودمان یک ستون پنجم داریم. هزاران مسلمان جوان بیزار - که اغلبشان در اینجا متولد شده و تغذیه می‌کنند ولی خودشان را یک ارتش در داخل می‌دانند - منتظر فرصتی هستند تا جامعه‌ای را که آنها را حفظ می‌کند خراب کنند. ما اینک بهت‌زده به این مغاک خیره شده‌ایم»<sup>۱</sup>.

### تبعیض علیه مسلمانان بریتانیایی

تبعیض همواره مسئله مهمی برای تمدن‌ها بوده است. در نتیجه آن جنگ‌ها رخ داده است. امپراتوری‌ها و کشورهای در نتیجه آن سقوط کرده و جوامعی منهدم شده‌اند. عصر مدرن اخیر، تبعیض علیه اقلیت‌ها مسئله اخلاقی و سیاسی مهمی بوده است و برخی از بدترین جنایت‌ها و سوءاستفاده‌ها از حقوق بشر را علیه انسانیت - از دوره جنگ‌های داخلی تا آلمان نازی و یوگسلاوی سابق - موجب شده است.

یکی از سنگ‌بناهایی که سازمان ملل متحد براساس آن شکل یافت، عدم تبعیض بود. اولین ماده منشور ۱۹۴۵ سازمان ملل متحد اعلام می‌کند که اهداف این سازمان عبارتند از:

«... تقویت و تشویق رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان بدون تمایز به‌خاطر نژاد، جنس، زبان یا مذهب».

از آن زمان به بعد، حقوق و جلوگیری از تبعیض علیه اقلیت‌ها در مجموعه کاملی از پیمان‌ها، کنوانسیون‌ها، بیانیه‌ها و دیگر اسناد حقوقی و شبه‌حقوقی تدوین شده است. این اسناد همواره در سیاست‌ها و قوانین کشورها، کمابیش، گنجانده شده است.

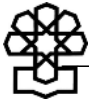
حقوق اقلیت‌ها و جلوگیری از تبعیض باید اساس تضمین برابری و رهایی از تبعیض برای همه افراد جامعه باشد.

درحالی که تبعیض و تعصب علیه مسلمانان قبل از ۱۱ سپتامبر مسئله بود، مسلمانان پس از حوادث ۱۱ سپتامبر شاهد وخیم‌تر شدن شرایط بوده‌اند.

از ۱۱ سپتامبر به بعد، سازمان‌های مسلمانان تعداد بی‌سابقه‌ای از حوادث ضد‌مسلمان، از جمله توهین کتبی و لفظی، مزاحمت، توهین‌های فیزیکی و حمله به اموال، را ثبت کرده‌اند.

تبعیض در حوزه‌های متعدد جامعه - تعصبی نامیده شدن از سوی رهبران سیاسی و قانونگذاری ضد‌تورپرستی که به‌طور نامتناسبی مسلمانان را تحت تأثیر قرار می‌دهد - فضایی را ایجاد کرده است که در آن مسلمانان احساس نمی‌کنند که به‌طور کامل به جامعه بریتانیا تعلق دارند یا به‌عنوان اعضای کامل جامعه بریتانیا پذیرفته شده‌اند. برعکس، آنها احساس می‌کنند که به آنها

1. The Sunday Times, Melanie Phillips, 4 Nov, 2007.



به‌عنوان «دشمنی در داخل» یا به‌عنوان «ستون پنجم» نگریسته می‌شود.

اغلب مطالعات مربوط به تبعیض درباره مسلمانان بیشتر به محرومیت‌های اقتصادی - اجتماعی آنها توجه کرده‌اند. به‌عنوان مثال برحسب کار، آموزش، درآمد و مسکن تبعیض را سنجیده‌اند نه براساس تبعیض در کل و نژادگرایی آشکار.

مطالعه تطبیقی لورین شریدان در دانشگاه لیسستر در سال ۲۰۰۲ در بین پنج گروه مذهبی نمونه ارزشمندی در این زمینه است. این تحقیق نتیجه می‌گیرد:

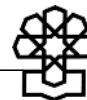
«... مسلمانان نه‌تنها بزرگ‌ترین قربانیان نژادگرایی ضمنی و تبعیض در کل قبل از ۱۱ سپتامبر بوده‌اند، بلکه همچنین بالاترین افزایش تجربه نژادگرایی و تبعیض پس از حوادث آن روز و در نتیجه بزرگ‌ترین ریسک قربانی شدن در اثر نژادگرایی و تبعیض پس از ۱۱ سپتامبر را داشته‌اند». بحث‌های من با نمایندگان جامعه مسلمانان، نگرانی‌ها نسبت به رشد اسلام‌هراسی آشکار کرد. اسلام‌هراسی از وضعیتی ناشی می‌شود که تهدیدات تروریستی به کرات در رسانه‌ها منتشر می‌شود. تغییرات قانونگذاری اخیر در رابطه با مقابله با تروریسم - آن‌گونه که آنها ادعا می‌کنند - نه‌تنها منجر به رفتار تبعیض‌آمیز نسبت به مسلمانان شده است، بلکه همچنین موجب برانگیخته شدن احساسات ضداسلامی شده است.<sup>۱</sup>

### جنگ علیه ترور و برانگیختن نژادگرایی

تردیدی نیست که سیاست «جنگ علیه ترور» دولت بریتانیا ضدمسلمان و ضدخارجی است و در نتیجه آن تنش‌های نژادی تشدید شده است. این سیاست در عمل ترس بین مسلمانان و فعالان حقوق بشر و بسیاری دیگر را که نگرانی خود را در این خصوص ابراز کرده‌اند، کاهش نداده است. بسیاری از مسلمانان و دیگر جوامع اقلیت احساس می‌کنند که در سال‌های اخیر در محاصره بوده‌اند. آنها نیز مثل هرکس دیگری در کشور، ترس ناشی از حملات ۱۱ سپتامبر و جولای ۲۰۰۵ را تجربه کرده‌اند. آنها از طرف دیگر نژادگرایی روبه‌رشدی را تجربه کرده‌اند که تا حدودی نتیجه ادعای دولت و رسانه‌ها مبنی بر ارتباط آنها با «تهدید تروریستی» خارجی‌ان و افراطی‌های مسلمان است.

کمیسیون حقوق بشر اسلامی در ۱۸ ژانویه ۲۰۰۸ نگرانی عمیق خود را نسبت به معیارهای دوگانه در قوانین ضدتروریستی بریتانیا ابراز کرده و گفته است این معیارها دو میلیون جمعیت مسلمانان بریتانیا را مجرم و گناهکار می‌شمارد. در ماه‌های اخیر دیده‌ایم که مسلمانان به‌خاطر داشتن دی.وی.دی‌هایی که به‌راحتی در اینترنت یافت می‌شود مجرم شناخته شده‌اند. این نوع جرم‌تراشی برای یک جامعه پایه دشمن‌سازی جوامع مورد ظن است.

۱. گفته‌های کمیسیون حقوق بشر شورای اروپا در گزارش خود.



مسلمانان از نتایج تدابیر ضد تروریستی که در قانون و در عمل تبعیض آمیز هستند، در رنجند هازل بلیرس، وزیر مبارزه با تروریسم، به مسلمانان هشدار داده است که باید با این واقعیت کنار بیایند که پلیس ممکن است آنها را به دلیل تهدید ناشی از افراد «هم‌دست با شکل افراطی اسلام» متوقف کرده و بازرسی کند.

تأثیر چنین سخنان و سیاست‌هایی را مسلمانان و اعضای سایر اقلیت‌های نژادی در خیابان‌ها احساس می‌کنند. از سپتامبر ۲۰۰۱ تا جولای ۲۰۰۴، عده افراد آسیایی‌الاصل که از سوی پلیس متوقف و بازرسی شده‌اند ۳۰۲ درصد افزایش یافته است. از ۲۰۰۱ و به‌ویژه از ۷ جولای ۲۰۰۵، رشد چشمگیری در تعداد حملاتی که به‌خاطر نژاد و عقیده علیه افراد، خانه‌ها، مدارس، مساجد و سایر اماکن عبادت صورت گرفته، گزارش شده است.

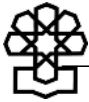
در طول اولین سال بعد از حملات ۱۱ سپتامبر در ایالات متحده، کمیسیون حقوق بشر اسلامی ۶۷۰ حادثه ضد مسلمان ثبت کرد که ۳۴۴ مورد آن مربوط به توهین‌های فیزیکی و حمله به اموال، ۱۸۸ مورد مربوط به بی‌حرمتی نوشتاری و لفظی و ۱۰۸ مورد مربوط به مزاحمت و فشارهای روانی بوده است. در مواردی قبور و دارایی‌های مسلمانان تخریب شده، یا در آنها بمبگذاری شده و یا آتش‌سوزی شده است که برخی مواقع منجر به آسیب‌های جدی شده است.

در سال‌های بعد نیز تعداد حوادث ضد مسلمان ثبت شده توسط کمیسیون مذکور بالا بوده است، هرچند کمتر از تعداد حوادث سال اول بوده است. درحالی که گزارشات مربوط به بدرفتاری‌های فیزیکی کاهش یافته است، گزارشات مربوط به بدرفتاری و مزاحمت در اماکن عمومی مثل مدارس و مساجد رشد یافته است.

نظرسنجی انجام شده توسط مؤسسه تحقیقاتی ICM اندکی پس از حمله تروریستی در مادرید تصویری از تجربیات مربوط به مزاحمت در بین مسلمانان را نشان می‌دهد. با بیش از ۵۰۰ نفر از مسلمانان در این نظرسنجی مصاحبه شد. ۳۳ درصد گفتند که خودشان یا اعضای خانواده‌شان تجربه دشمنی و بدرفتاری به‌خاطر مذهبشان را داشته‌اند.

کمیسیون حقوق بشر اسلامی ابراز نگرانی کرده است که تعداد چشمگیری از بدرفتاری‌ها علیه مسلمانان هرگز به پلیس گزارش نمی‌شود. چراکه قربانیان اعتمادی به اینکه پلیس مورد آنها را به‌طور جدی بررسی خواهد کرد ندارند.

این مسئله به قبل از ۱۱ سپتامبر برمی‌گردد، اما از آن زمان وضعیت به‌قدری بدتر شده است که مسلمانان به‌طور ناعادلانه موضوع تدابیر ضد تروریستی قرار گرفته‌اند. اینک دولت بریتانیا به دلیل حضورش در مبارزه علیه تروریسم که مقدمتاً مسلمانان را هدف قرار داده است و به همین دلیل جامعه مسلمانان کشور را به‌طور دسته‌جمعی مظنون شناخته است، مورد انتقاد است.



اما بسیار جالب است که پس از ۱۱ سپتامبر بیش از ۶۰۰ نفر که اکثرشان مسلمان بودند براساس قوانین ضدتروریسم بازداشت شده بودند و البته کمتر از ۱۰۰ نفر از بازداشت شده‌ها متهم به جرائم تروریستی شده و ۱۵ نفر به‌خاطر چنین جرائمی محاکمه شده بودند که فقط سه نفر از آنها مسلمان بودند.<sup>۱</sup>

علاوه‌بر چنین تجربیاتی، براساس گزارش‌ها مواردی وجود داشته است که با مسلمانانی که برای گزارش دادن جرائم علیه خودشان به پلیس مراجعه کرده‌اند، مثل مظنونان تروریستی رفتار شده است.<sup>۲</sup>

### بمبگذاری‌های لندن - رشد سریع تعصب، نژادگرایی و اسلام‌هراسی

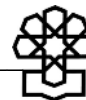
بعد از بمبگذاری‌های ۷ جولای ۲۰۰۵ رویکرد دولت نسبت به مسلمانان بدتر شده است. با اینکه همه بمبگذاران بریتانیایی بودند، دولت طرح‌هایی را برای اخراج کسانی که از نظر دولت رادیکال بودند، ممنوع کردند احزاب دارای مرام‌های نامطلوب و بستن مساجدی که مرام‌های نامطلوب را ترویج می‌کنند، اعلام کرد. این طرح‌ها از سوی سیاستمداران غیرمسلمان و مسلمان متعدد و سایر اشخاص عادی با مخالفت روبرو شد. مقامات حقوقی اروپا و ملل متحد برخی از سیاست‌ها و به‌ویژه سیاست‌هایی را که منجر به اخراج افراد می‌شود زیر سؤال برده‌اند.

بسیاری، با تحلیل این حوادث، به این نتیجه رسیده‌اند که شاید تصمیم بریتانیا به پیوستن به ایالات متحده در حمله به عراق مسئله رادیکالیسم را تشدید کرده باشد. حمله به عراق اساساً غیرمردمی بود و نامه‌های بسیاری از سوی مردم در انتقاد از ورود بریتانیا به جنگ به مقامات بریتانیایی ارسال می‌شود، البته یادداشتی از جک استراد و وزیر امور خارجه وقت بریتانیا، نیز این نظر را تأیید می‌کند. فدراسیون جوامع دانشجویی اسلامی در آگوست ۲۰۰۵ پیمایشی در بین دانشجویان مسلمان انجام داد که ۹۵ درصد مصاحبه‌شوندگان مخالف سیاست خارجی بریتانیا بودند و ۶۶ درصد معتقد بودند که حمله به عراق به مسئله تروریسم داخلی دامن زده است.

علیرغم این واقعیت، احساسات ضدمسلمان - حتی قبل از بمبگذاری‌های ۷ جولای - تشدید شده است. توهین‌ها، آتش‌زدن‌ها و خشونت‌های دیگر به‌نظر می‌رسد که در پی این حوادث به بالاترین حد خود رسیده است. در پی این حوادث مشکلاتی برای پناهجویان به‌وجود آمده و اسلام‌هراسی شدت یافته است. بیش از یک‌سوم مسلمانان اظهار می‌کنند که خودشان یا اعضای خانواده‌هایشان قربانی

---

1. The Financial Times, Rohit Jaggi, "Police Gain Extra Time to Question Suspects", 9 August, 2004.  
- Institute of Race Relations (IRR), "Terror Policing Brings Many Arrests But Few Charges", 5 March, 2003.  
- Liberty, The Impact of Anti Terrorism Powers on the British Population, June 2004.  
2. The Islamic Human Rights Commission, Submission to the Home Office in Response to Discussion Paper..., p.35.



دشمنی شده‌اند.<sup>۱</sup>

پیمایش ۲۰۰۴ کمیسیون حقوق بشر اسلامی نشان داد که ۸۰ درصد مسلمانان تبعیض به‌خاطر عقیده‌هایشان را تجربه کرده‌اند که این رقم ۳۵ درصد نسبت به سال ۱۹۹۹ و ۴۵ درصد نسبت به سال ۲۰۰۰ افزایش را نشان می‌دهد. کمیسیون این تغییرات را نشانه رشد دشمنی و آگاهی از تبعیض در بین مسلمانان دانسته است.

پس از بمبگذاری‌های ۷ جولای ۲۰۰۵، جرائم ناشی از تعصب شدیداً در لندن افزایش یافته است. اسکاتلندیارد ۲۶۹ جرم را در سه هفته بعد از این بمبگذاری‌ها گزارش کرده است، در حالی که در یک سال پیش در همان دوره زمانی فقط ۴۰ مورد جرم گزارش شده بوده است.

دولت بریتانیا تدابیر ضدتروریستی جدیدی را در پیش گرفت که بسیاری از آنها هنوز اعمال می‌شود. حداقل ۵۰۰ مظنون در هفته‌های بعد از این حوادث از بریتانیا اخراج شدند.

دولت همچنین پیشنهاد داد که مساجد نامطلوب ویران شود، احزاب افراطی ممنوع شود و دادگاه‌های تروریستی سری تأسیس شود - کاری که قبلاً در منازعه ایرلند شمالی صورت گرفته بود. پیشنهاد شد که قانون وطن‌فروشی که دهه‌ها بلااستفاده مانده بود در دادگاه‌های ائمه جماعت افراطی مورد استفاده قرار گیرد. همچنین اطلاعات بریتانیا شروع به ایجاد واحدهای امنیتی داخلی کرد تا مسلمانان مظنون به طرفداری از افراطی‌گری (رادیکالیسم) را زیر نظر بگیرد.

گزارش‌هایی از رشد سریع حملات به افراد، خانه‌ها و اماکن عبادی به‌خاطر نژاد عقایدشان، در پی بمبگذاری‌های ۷ جولای وجود داشت. این موضوع انتقادات صحیحی را متوجه دولت کرده بود که اظهارات و سیاست‌هایش، از نگرانی‌ها نسبت به این موضوع که جنگ علیه ترور، جنگ علیه مسلمانان است نکاسته و تنش‌های نژادی را وخیم‌تر کرده است.<sup>۲</sup>

نمودارهای پلیس لندن افزایش ۶ برابری جرائم، با انگیزه نفرت از مذهب، عمدتاً علیه مسلمانان، بعد از حوادث بمبگذاری را ثبت کرده است. این نمودارها ۲۶۹ جرم با انگیزه نفرت از مذهب را در سه هفته اول بعد از حوادث نشان می‌دهد، حال آنکه در همان دوره زمانی در سال گذشته تنها ۴۰ جرم اتفاق افتاده بوده است.<sup>۳</sup>

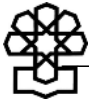
عفو بین‌الملل معتقد است مقامات دولتی در اظهارات خود همواره مسلمانان، پناهجویان و خارجیان را به ارتباط با تهدیدات تروریستی متهم می‌کنند. عفو بین‌الملل به‌عنوان مثال به اظهارات بلیرس، وزیر کشور، در مارس اشاره می‌کند که گفته بود قانون ضدتروریسم به‌طور اجتناب‌ناپذیری جامعه مسلمانان را به‌طور نامتناسبی هدف قرار خواهد داد زیرا این ماهیت تهدید تروریستی است.<sup>۴</sup>

1. United Kingdom Shadow Report, 2003.

2. Amnesty International, "War against Terror", 2 Nov, 2005.

3. Institute for Race Relations, "Forty Seven Murders in Britain Since Mcpherson", 3 Aug, 2005.

4. Home Affairs Select Committee Uncorrected Minutes of Evidence, 1 March, 2005.



این امر نه تنها نگرش عمومی نسبت به مسلمانان را به طور منفی تحت تأثیر قرار داده است، بلکه اعتماد مسلمانان به عادل بودن مقامات را نیز خدشه دار کرده است. طرح‌های ضدتروریستی جدید دولت و به ویژه جرائم جنایی جدید (قانون ۲۰۰۶) به دلیل تأثیر مستقیم و نامتناسب آن بر آزادی بیان مسلمانان و آسیب زدن به روابط بین نژادها مورد انتقاد شدید بوده‌اند.

دبیر انجمن برابری نژادی اولدهام معتقد است نه تنها جامعه مسلمانان در جریان این کار مورد مشورت قرار نگرفتند، بلکه این کار علیه روح قانون روابط نژادی پیش رفته است.<sup>۱</sup>

گزارش سالانه حوادث نژادگرایی از رشد ۲۲ درصد پرونده‌های متهمان خبر می‌دهد البته مشکلاتی مثل نبود شاهد و مدرک کافی موانعی برای محاکمه متهمان است و منتقدان معتقدند که هنوز پلیس و دادگاه برای فشار آوردن به عنصر انگیزش نژادگرایی موفق نبوده‌اند و بنابراین صدور احکام روشن مشکل است.<sup>۲</sup>

مطالعه مؤسسه روابط نژادی نشان می‌دهد که مصوبات ضدتروریسم غالباً علیه متهمان مسلمان مورد استفاده قرار می‌گیرد. از صدها نفر از بازداشت‌شدگان تنها عده انگشت‌شماری محاکمه می‌شوند. همچنین، اراده‌ای وجود داشته است تا قوانین ضدتروریسم به اندازه‌ای دامنه پیدا کند که رفتارهای جنایی عادی و نقض قوانین مهاجرت توسط مسلمانان را نیز پوشش دهد.

در لندن در طول سال ۲۰۰۶ شمار آسیایی‌هایی که متوقف شده و مورد بازرسی قرار گرفته‌اند ۴۰ درصد افزایش یافته بود - بالاترین میزان افزایش ثبت شده برای یک سال برای یک گروه در سطح کشور، اینک آسیایی‌ها ۲/۵ برابر بیشتر از سفیدپوست‌ها احتمال دارد که متوقف و مورد بازرسی قرار گیرند، البته دولت ادعا کرده است که سیاست‌های خاصی را علیه مسلمانان در واکنش به حوادث ۷ جولای پیگیری نخواهد کرد.

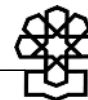
### انتقاد کمیس حقوق بشر

آقای آلوارو گیل روبلز، کمیس حقوق بشر در جریان دیدارش از بریتانیا (از ۴ تا ۱۲ نوامبر ۲۰۰۴) نگرانی خودش را نسبت به سیاست دولت بریتانیا در رابطه با وضعیت مسلمانان ابراز کرده است. او در گزارش خود به کمیته شورای پارلمانی و وزرا در ژوئن ۲۰۰۵ گفت: مذاکراتش با نمایندگان جامعه مسلمانان نگرانی‌هایی را در رابطه با رشد اسلام‌هراسی برملا کرد. او خاطر نشان ساخت:

«مذاکرات من با نمایندگان جامعه مسلمانان، نگرانی‌هایی را نسبت به رشد اسلام‌هراسی برملا کرد که ناشی از نشان دادن مکرر تهدیدات تروریستی در رسانه‌هاست. آنها می‌گویند تغییرات

1. Institute for Race Relations, "New Terror Law Will Harm Race Relations", 5 Jan, 2006.

2. BBC News, "Courts Failing to Pursued Racism", 16 Dec, 2005.



قانونگذاری اخیر در رابطه به جلوگیری از تروریسم نه تنها منجر به رفتار تبعیض آمیز علیه مسلمانان شده است، بلکه احساسات ضد مسلمانان را نیز برانگیخته است. بدیهی است که نشان دادن تهدیدات تروریستی داخلی و بین المللی در رسانه‌ها و در سخنان مقامات مسئولیت‌های فراوانی را در پی دارد.

او همچنین تأکید کرد:

«البته روشن است که محدودیت‌های تدابیر تحقیرآمیز قانون ۲۰۰۱ برای خارجی‌ان و کاربرد انحصاری این محدودیت‌ها بر مسلمانان هم بر نگرش بقیه جمعیت بریتانیا بر مسلمانان و هم بر اعتماد مسلمانان به عادل بودن قوه مجریه تأثیری منفی داشته است. آسیب‌های وارده بر هر کدام به آسانی جبران پذیر نیست.»

استفاده از اختیارات گسترده در زمینه متوقف کردن و بازرسی افراد بر اساس قانون‌های ضد ترور مشکلات زیادی را به بار می‌آورد. کمیسیون برابری نژادی اطلاع داده است که شمار متوقف شده‌های آسیایی در تاریخ ۲۰۰۲/۳ بر اساس بخش ۴۴ قانون تروریسم سال ۲۰۰۰، ۳۶ درصد افزایش داشته است. در حالی که این افزایش در رابطه با سفیدپوست‌ها ۱۷ درصد بوده است. از زمان تصویب قانون مذکور تا تاریخ ۲۰۰۲/۳ شمار متوقف شده‌های آسیایی ۳۰۰ درصد افزایش داشته است.

نمودارهای پلیس - که در ۳ آگوست افشا شدند - رشدی ۶۰۰ درصدی در حملاتی به انگیزه نفرت از مذهب در لندن بعد از ۷ جولای ۲۰۰۵ صورت گرفته‌اند نشان می‌دهند. در سه روز اول بعد از ۷ جولای ۲۰۰۵، ۶۸ جرم با انگیزه نفرت از عقاید رخ داده است که در سال ۲۰۰۴ در همان دوره هیچ جرمی از این دست روی نداده بود.

عضو بین الملل نیز در گزارش سالیانه خود درباره وضعیت حقوق بشر در بریتانیا اظهار داشته است:

«کمیته [حقوق بشر] سازمان ملل متحد در آگوست ۲۰۰۴ مواردی از اسلام‌هراسی، تبعیض و حمله به پناهجویان را گزارش کرده است. این کمیته همچنین نگرانی عمیق خود را نسبت به تدابیر «قانون ضد تروریسم، جرم و امنیت» که منحصراً ملیت‌های خارجی را هدف قرار می‌دهند، ابزار نموده است.»<sup>۱</sup>



## بخش پنجم - نقض حقوق بشر در ایرلند شمالی

### مقدمه

تاریخ ایرلند شمالی به‌عنوان یک واحد سیاسی مجزا در سال ۱۹۲۱ شروع شد، زمانی که ۶ کانتی شمال ایرلند از ۲۶ کانتی جنوب جدا شدند. ۷۷ سال بعد از این جدایی را عموماً «دردها» می‌نامند. اصطلاحی که به وضعیتی از جنگ داخلی اشاره دارد. دردها منجر به نقض گسترده حقوق بشر و حقوق مدنی توسط بازیگران دولتی و شبه‌نظامیان شد.

از جمله این نقض‌ها عبارتند از: تهدیدها و بی‌احترامی‌های کلامی، شکنجه و تنبیه ظالمانه، نقض‌های سیستماتیک حق برخورداری از دادگاه عادلانه و دیگر امور مربوط به عدالت و بالاخره تعداد چشمگیری از نقض‌ها در خصوص حق زندگی کردن. عدم رعایت حقوق بشر ویژگی همیشگی است که نزدیک به چهار هزار نفر زندگی‌شان را از دست داده‌اند.

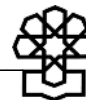
سلسله خشونت‌ها بین شبه‌نظامیان، دولت بریتانیا و نیروهای امنیتی محلی با گذشت دهه‌ها به قدری شدت یافت که منجر به جنگ تمام‌عیاری شد که دولت با همدستی شبه‌نظامیان به سرکوب فعالیت‌های سیاسی ناسیونالیست‌های افراطی پرداخت.

در طول دوره سی‌ساله ناآرامی در ایرلند شمالی که مشهور به «دردها» است، جامعه ایرلندی‌ها در بریتانیا به‌عنوان جامعه‌ای مظنون شناخته می‌شد و ایرلندی‌ها در بریتانیا گناهکار شناخته می‌شوند مگر اینکه بی‌گناهی‌شان ثابت شود. در طول این ۳۰ سال میلیون‌ها نفر از ایرلندی‌ها در بندرها و فرودگاه‌ها متوقف و بازداشت شدند.

مطالعه‌ای که از سوی کمیسیون برابری نژادی در سال ۱۹۹۳ انجام شده است نشان می‌دهد که ۶۰ درصد ایرلندی‌ها در بریتانیا براساس طرح جلوگیری از تروریسم (PTA) متوقف شده و مورد سؤال قرار گرفته‌اند. خانه‌های ایرلندی‌ها مکرراً غارت شده و هزاران نفر از ایرلندی‌ها بی‌دلیل از چند ساعت تا هفت روز بازداشت شده‌اند که اغلب‌شان بدون هیچ اتهامی آزاد شده‌اند.

در طول دوره «دردها» بی‌بی‌سی، آی‌تی‌وی و کانال ۴ مکرراً برنامه‌های مستندشان را درباره ایرلند قطع کرده یا به تأخیر انداخته‌اند. برنامه مستند بی‌بی‌سی با عنوان «یک زندگی واقعی» در آگوست ۱۹۸۵ با مداخله مستقیم وزیر کشور وقت، لئون بریتانی به‌طور موقت توقیف شد که منجر به اعتصاب یک‌روزه اتحادیه ملی ژورنالیست‌ها شد.

درحالی که اکثریت بزرگی از مردم بریتانیا در جولای ۲۰۰۵ با افشا شدن این موضوع که پلیس بریتانیا یک سیاست «شلیک به قصد کشت» در پیش گرفته است، شوکه شده بودند، کارشناسانی که تجربه ایرلند را داشتند چندان متعجب نبودند. پروفیسور بادی هیلارد می‌گوید سال‌ها سیاست «شلیک



به قصد» در دوره دروسها به‌ویژه در IRA و جمهوریخواهان دیگر اجرا می‌شد. ایرلند شمالی به‌عنوان حکومت خودمختار و تحت حاکمیت بریتانیا، در سال ۱۹۲۲ پارلمانی به‌نام «استورمونت» تأسیس کرد. استورمونت تنها اقتدار قانونگذاری محدودی داشت. پارلمان وست‌مینستر در لندن، که ایرلند شمالی نمایندگی حاشیه‌ای در آن دارد، حاکمیت مستقیم خود را بر همه حوزه‌های مهم ملی حفظ کرده است.

پارلمان استورمونت، در پنجاه سال اول شروع فعالیت خود و علیرغم مخالفت مداوم جمعیت کاتولیک، تحت سلطه اکثریتی از پروتستان‌های طرفدار وحدت ایرلند شمالی و بریتانیا بود. استورمونت طرفدار وحدت ایرلند شمالی و بریتانیا در سایه اختیارات قانونگذاری در سطح محلی، یکسری سیاست‌های تبعیض‌آمیز علیه کاتولیک‌ها در حوزه‌هایی نظیر خانه‌سازی، استخدام و حقوق رأی‌گیری تصویب کرده است.

کاتولیک‌ها در ابتدا با تظاهرات‌های مدنی مسالمت‌آمیز به این تبعیض‌ها پاسخ دادند. واکنش نیروهای امنیتی محلی به این اعتراض‌های مسالمت‌آمیز به‌طور بازدارنده‌ای خشونت‌آمیز بود، که در سال ۱۹۷۲ به اوج خود رسید و منجر به کشته شدن ۱۳ نفر از تظاهرات‌کنندگان غیرنظامی در حادثه‌ای معروف به «یکشنبه خونین» شد.

یکشنبه خونین در ۳۰ ژانویه ۱۹۷۲ روی داد. زمانی که نیروهای امنیتی بریتانیایی به روی تظاهرات‌کنندگان آتش گشودند و ۱۳ نفر را کشته و ۱۴ نفر دیگر را زخمی کردند.

با اینکه یکشنبه خونین مسئله نقض حق زندگی کردن براساس حقوق بین‌المللی را در پی داشت، اما در بررسی پرونده کشته‌شدگان سربازان بریتانیایی از هر نوع اتهامی تبرئه شدند! این رأی شکاف بین کاتولیک و پروتستان را تشدید کرد و توجه به شناسایی مسالمت‌آمیز حقوق برابر را به فراموشی سپرد.

در سال بعد از یکشنبه خونین پارلمان معلق استورمونت به‌طور کلی برانداخته شد و ایرلند شمالی به مدت ۲/۵ دهه تحت اداره مستقیم پارلمان وست‌مینستر قرار گرفت و با این کار مشکلات و مسائل ایرلند شمالی به صلاحدید انحصاری بریتانیا سپرده شد.

بعد از یکشنبه خونین جمعیت کاتولیک احساس می‌کرد که تحت اداره دولتی ظالم و تبعیض‌گر قرار گرفته است. پارلمان وست‌مینستر در برابر خشونت قومی درحال رشد در ایرلند شمالی اقدام به تصویب قانون‌های ضروری در جهت سختگیرتر کردن محاکمات جنایی و نقش شورای دفاع کرد که منجر به وخیم‌تر شدن تنش‌ها شد.



## بهای انسان

از یک جمعیت ۱/۵ میلیون نفری، شمار رسمی کشته‌شدگان دوره دردها حدود ۳/۷۰۰ نفر تخمین زده شده است، هرچند که شمار واقعی - با احتساب مرگ‌ومیرهای مناقشه‌دار - بسیار بیشتر از این تعداد خواهد بود. نگران‌کننده این است که در شمار زیادی از این مرگ‌ها، مستقیماً یا غیرمستقیم، مشارکت و حمایت عوامل دولتی که به نام ارتش بریتانیا انجام وظیفه می‌کردند - و سایر نیروهای امنیتی بریتانیا مثل نیروهای ویژه هوایی دخیل بوده است.

قانونگذاری ضروری باعث شده است که مرگ‌های این چینی به بهانه منافع امنیت ملی مورد تحقیق و مجازات قرار نگیرند. حتی امروز، دولت بریتانیا مسئولیت نابودی زندگی شهروندانی را که توسط عوامل دولت کشته شده‌اند را نمی‌پذیرد.

بی‌عدالتی و فقدان مسئولیت‌پذیری دولت صدمات روانی زیادی به خانواده‌های کسانی که قربانی نقض حقوق بشر شده‌اند وارد آورده است، تا به حال جرائم نیروهای امنیتی و دولت بریتانیا در دادگاه‌های ایرلند شمالی عمدتاً بدون رسیدگی باقی مانده است.

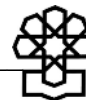
دادگاه اروپایی حقوق بشر در تاریخ ۱ جولای ۲۰۰۳ این‌گونه حکم داد که بریتانیا بار دیگر کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را نقض کرده است. این دادگاه اظهار داشت که روندهای قضایی ایرلند برای رسیدگی به مرگ‌هایی که ادعا شود و پلیس در آنها دست داشته است ناکارآمد هستند زیرا غیرمستقل و پرتأخیرند و بررسی دقیق روشن کافی به عمل نمی‌آورند.

## مسئولیت دولت بریتانیا

دولت بریتانیا، پس از یکشنبه خونین و در واکنش به تشدید خشونت‌ها، هرنوع حکومت محلی در ایرلند شمالی را منسوخ کرد و دو تا طرح قانونی وضع کرد که به‌طور چشمگیری حمایت‌های قضایی ممکن برای شهروندان را حذف می‌کرد.

اولی طرح تدابیر ضروری (۱۹۷۳) بود که منحصراً در داخل ایرلند شمالی اجرا می‌شد، دومی طرح جلوگیری از تروریسم (۱۹۷۴) بود که در کل بریتانیا اجرا می‌شد. این دو طرح با همدیگر سیستمی را برای اعتراف‌گیری در طول دوره‌های بلندمدت بازداشت بدون اتهام و بدون دسترسی به وکیل طراحی می‌کردند.

طرح جلوگیری از تروریسم (PTA) در سال ۱۹۷۴ از سوی پارلمان وست‌مینستر در واکنش به دو حادثه بمبگذاری در بیرمنگام - که به کشته شدن ۲۱ نفر منجر شد - به تصویب رسید. طرح جلوگیری از تروریسم به مقامات این اختیار را می‌داد که سازمان‌های نظامی (و شبه‌نظامی) را غیرمجاز اعلام کنند و عضویت در آنها را قلعین کنند، مقرراتی را تصویب کنند که براساس آنها



بتوان شهروندان بریتانیایی را در ایرلند شمالی، انگلیس، ولز و اسکاتلند بدون دادگاه و بازرسی قضایی بازداشت کرد و افراد را به مدت بیش از هفت روز بدون حضور در دادگاه دستگیر، بازداشت و بازرسی کنند.

تأثیر اجرای طرح جلوگیری از تروریسم و ناکامی دادگاه‌ها در اجرای عدالت باعث شد تا جامعه ایرلند در بریتانیا خودش را از بقیه جامعه بریتانیا جدا کند. جامعه ایرلند در لاک خود فرو رفت. مشروب‌فروشی‌های ایرلند پاتوق و خلوت مردم ایرلند شد، مردم ایرلند مرتباً مجبور به گزارش کردن مکان و کار خود در زمانی که یک حادثه بمبگذاری اتفاق می‌افتاد بودند. بسیاری از ایرلندی‌ها روز بعد بمبگذاری‌ها به دلیل ترس از انتقام کار خود را تعطیل می‌کردند. جامعه ایرلندی‌ها کاملاً مورد تبعیض قرار می‌گرفت و به‌عنوان جامعه‌ای «مظنون» در انزوا گذاشته می‌شد. در کل، طرح جلوگیری از تروریسم آفت کاملی بر عملیات ضدتروریستی و روابط انگلیسی - ایرلندی بود.

طرح تدابیر ضروری (EPA) یک سال قبل از طرح جلوگیری از تروریسم در سال ۱۹۷۳ از سوی پارلمان وست‌مینستر به تصویب رسید. طرح تدابیر ضروری باقیمانده قانون ضروری فراگیر در ایرلند شمالی از زمان جدایی آن در سال ۱۹۲۱ بود و بسیاری از ویژگی‌های منسوخ آن را به ارث برده بود.

طرح تدابیر ضروری، برخلاف کنوانسیون ۱۹۵۰ اروپا درباره حقوق بشر، به پلیس و سایر نیروهای امنیتی در داخل ایرلند شمالی این اجازه را داد که افراد را متوقف کرده و از آنها درباره هویت و آخرین رفت‌وآمدهای‌شان سؤال کنند، افراد و ساکنان را مورد بازرسی قرار دهند و اسناد و مدارک آنها را بررسی و ضبط کنند - همه این کارها بدون دستور و اخطار قضایی قبلی صورت می‌گرفت.

این طرح همچنین به‌منظور توجیه سرقت‌های مکرر از خانه‌های کاتولیک‌ها و جستجو و ضبط اموال شخصی از وسایل نقلیه و اماکن شخصی مورد استفاده قرار می‌گرفت، البته تبعات طرح تدابیر ضروری - فراتر از محدود کردن حقوق مدنی - به عامل مهمی در مزاحمت‌های سیستماتیک و کشتار توطئه‌آمیز اشخاص منتخب منجر شد.

### موافقتنامه جمعه نیک<sup>۱</sup> و غفلت از شکایات علیه نقض حقوق بشر

موافقتنامه جمعه نیک (۱۹۹۸) به دلیل استنباطش از رابطه بین حمایت و تقویت حقوق بشر و امکان‌هایی برای صلح و عدالت پایدار، تعهدی به حقوق بشر و حقوق مدنی ایجاد می‌کند.<sup>۲</sup> این موافقتنامه به‌طور تلویحی اعلام می‌کند که هر نوع موافقتنامه صلح موفقیت‌آمیزی در ایرلند شمالی به‌طور اجتناب‌ناپذیری به حقوق مدنی و حقوق بشر پیوسته است، اما متأسفانه این

1. Good Friday Agreement

2. Human Rights Watch, "Justice for All"? It is An Analysis of the Human Rights Provisions of the 1998 Northern Ireland Peace Agreement.



موافقتنامه نه اشاره صریحی به ادعای حل نشده علیه دولت بریتانیا به خاطر نقض حقوق بشر کرده است و نه نهاد خاصی تأسیس کرده است تا مسائل درآورد گذشته را مورد رسیدگی قرار داده و مکانیسم دقیقی برای جبران اشتباهات گذشته ایجاد کند.

اینک روشن است که عدم رعایت حقوق بشر منازعه را تشدید کرده است و این موافقتنامه تلاشی است برای پایان بخشیدن به آن در چارچوب قانون.

عضو بین‌الملل در گزارش ۲۰۰۶ خود درباره بریتانیا گفت:

در ماه دسامبر مقامات قضایی همه متهمانی را که تحت تعقیب جنایی قرار داشتند و در اکتبر ۲۰۰۲ تعلیق مجمع ایرلند شمالی را تسریع کرده و باعث برقراری حکومت مستقیم بریتانیا شده بودند بخشید. اندکی بعد یکی از کسانی که بخشیده شده بود، شین فین، رسماً اعتراف کرد که عامل بریتانیا بوده است.

عضو بین‌الملل همچنین در گزارش ۲۰۰۷ اظهار داشت:

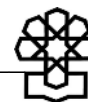
«در ماه ژانویه دولت طرح (جرائم) ایرلند شمالی را پس گرفت. این کار در پی این نگرانی انجام شد که در صورت تصویب طرح مذکور ممکن بود بخشودگی نقض حقوق بشر در گذشته از طرف عوامل دولت و شبه‌نظامیان با مشکل روبرو شود و نیز ممکن بود این طرح قربانیان نقض حقوق بشر را از رسیدگی کارآمد به پرونده‌هایشان محروم کند. دولت از تشکیل دادگاهی برای رسیدگی به ادعاهای مربوط به دست داشتن دولت در کشته شدن پاتریک فینوسین، وکیل دائمی حقوق بشر، در سال ۱۹۸۹ سرپاز زد. وزیر امور ایرلند شمالی گفت رسیدگی به پرونده فینوسین تنها براساس «طرح اطلاعات» ۲۰۰۵ انجام خواهد شد. شبه‌نظامیان طرفدار وحدت ایرلند شمالی و بریتانیا ۱۴ بار به سوی آقای فینوسین (وکیل صریح‌الوجه حقوق بشر) در روز یکشنبه در خانه در کنار خانواده‌اش شلیک کرده و ضمن کشتن وی همسرش را نیز مجروح کردند. سه تا فرزند آنها شاهد ماجرا بودند.

گروه مبارزین ایالت ولستر در بیانیه خود گفت: «آنها پت فینوسین، افسر ارتش جمهوریخواه ایرلند را کشته‌اند». درحالی که آقای فینوسین نماینده اعضای ارتش جمهوریخواه ایرلند بوده است، خانواده‌ها شدیداً این ادعا را تکذیب کرده‌اند و پلیس نیز در این کار از آنها حمایت کرده است.

اما آنچه باعث شده است تا بررسی درباره قتل وی این قدر برای بسیاری از افراد در ایرلند شمالی مهم باشد این است که قتل وی محور این ادعاهاست که برخی از اعضای نیروهای امنیتی بریتانیا تا حدی با شبه‌نظامیان همکاری می‌کنند که در صورتی که بخواهند می‌توانند از کشتن جلوگیری کنند.<sup>۱</sup>

عضو بین و سایر سازمان‌های غیردولتی معتقدند که این قانونگذاری‌ها برای تحقق الزامات قوانین حقوق بشر کافی نبوده است. ادعاهای مربوط به همکاری بین نیروهای امنیتی بریتانیا و

1. BBC Report, 13 Sept, 2004.



شبه‌نظامیان طرفدار وحدت در نقض حقوق بشر، از جمله بمبگذاری در داندالک و فرودگاه دوبلین در ۱۹۷۵ و در کنستل بلینی، موناغان در ۱۹۷۶ بار دیگر در یک گزارش پارلمانی ایرلندی برجسته شد.

## بخش ششم - زندان‌های بریتانیا

### مقدمه

بیش از ۸۵,۰۰۰ زندانی در تقریباً ۱۶۰ زندان بریتانیا نگهداری می‌شوند. اکثریتی از آنها (۸۰,۰۰۰ زندانی) در حال حاضر در انگلیس و ولز هستند. در هیچ جای اروپای غربی جمعیت زندانیان بیش از انگلیس و ولز نیست. در انگلیس و ولز از هر ۱۰۰,۰۰۰ نفر ۱۴۸ نفر در زندان است.

از اوایل سال ۱۹۹۳ تعداد زندانیان از ۴۱,۰۰۰ به بیش از ۸۵,۰۰۰ رسیده و انتظار می‌رود به بیش از این تعداد نیز برسد.

در اسکاتلند جمعیت زندانیان از ۱۹۹۶-۱۹۹۷ بیش از ۱۰ درصد رشد داشته و از هر ۱۰۰,۰۰۰ نفر ۱۳۵ نفر در زندان است.

به دلیل بحران جمعیت زندانیان از سلول‌های پلیس به جای زندان استفاده می‌شود. غیر از هر چیزی ازدحام جمعیت زندانیان منجر به مرگ‌های ناشی از خودکشی و خودزنی، خطرات جانی برای کارکنان و ساکنان زندان‌ها و وخیم‌تر شدن شرایط بازداشت‌ها می‌شود. سربازرس زندان‌های اسکاتلند به شرایط غیرانسانی و تحقیرآمیز بازداشت‌ها که به دلیل ازدیاد جمعیت رو به وخامت گذاشته است اشاره کرده است.

طبق گزارش ۲۰۰۴ عفو بین‌الملل، سربازرس سابق زندان‌های انگلیس و ولز در پی دیدارش از تعدادی از مؤسسات گزارش‌های نفرت‌انگیزی را منتشر کرده است. او نگرانی‌اش را نسبت به بدرفتاری با زندانیان، در خطر بودن سلامتی آنان و شرایط بازداشت غیرانسانی و تحقیرآمیز ابراز کرد.



جدول ۲. وضعیت زندان‌ها در انگلیس

کشور	تعداد زندانیان	تعداد در هر ۱۰۰,۰۰۰	سطح اشغال زندان به درصد	زندانیان بدون حکم دادگاه	درصد زندانیان زن
بریتانیا (تنها انگلیس و ولز)	۸۰۰۰۰	۱۴۸	۱۱۲/۷	۱۶/۴	۵/۵
آلمان	۷۷۱۶۶	۹۴	۹۶/۵	۱۷/۱	۵/۳
اسپانیا	۶۳۹۹۱	۱۴۴	۱۲۹/۵	۲۳/۵	۸
ایتالیا	۶۱۷۲۱	۱۰۴	۱۳۱/۵	۳۵/۹	۴/۸
فرانسه	۵۲۰۰۹	۸۵	۱۰۹/۹	۳۱/۵	۳/۶
هلند	۲۱۰۱۳	۱۲۸	۹۵/۶	۳۰	۸/۷
پرتغال	۱۲۷۶۵	۱۲۰	۱۰۳/۷	۲۳/۸	۷
بلژیک	۹۵۹۷	۹۱	۱۱۰/۶	۳۷/۲	۴/۲
اتریش	۸۷۶۶	۱۰۵	۱۰۷/۲	۲۲/۶	۵/۳
سوئد	۷۴۵۰	۸۲	۱۰۲/۷	۲۰/۳	۵/۲
اسکاتلند	۶۸۷۲	۱۳۴	۱۰۷/۵	۲۱	۴/۴
سوئیس	۶۱۱۱	۸۳	۹۳/۴	۳۹	۵/۴
فنلاند	۳۹۵۴	۷۵	۱۱۲/۴	۱۱/۶	۶/۳
نروژ	۳۰۴۸	۶۶	۹۲/۱	۱۵/۹	۴/۸

مأخذ: گزارش عفو بین‌الملل در مورد انگلیس، ۲۰۰۴.

در پرداخت غرامات در دسامبر، قربانیانی بودند که ادعا می‌کردند که مورد سوء رفتار قرار گرفته‌اند. از جمله سوء رفتارهایی که آنها عنوان می‌کردند عبارت بود از شکنجه‌هایی مثل تجاوز جنسی، دست انداخته شدن و کتک‌کاری وحشیانه در زمان حبس در زندان و روم وود اسکرابز در لندن از اواسط تا اواخر دهه ۱۹۹۰.

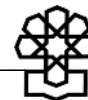
مارتین ناری، مدیر زندان و آزادی مشروط رشد بی‌سابقه جمعیت زندانیان را مورد انتقاد قرار داده و گفته است: زشت بود که حدود ۱۶,۰۰۰ زندانی در شرایطی نگهداری می‌شدند که برای یک سلول یک توالت مشترک که زندانیان در آن غذا نیز می‌خوردند وجود داشت.<sup>۱</sup>

در ژوئن ۲۰۰۷ گزارشی از تحقیق رسمی درباره کشته شدن زاهد مبارک به دست هم‌سلولی‌اش - نژادپرستی معروف - در مؤسسه مجرمان جوان فلتهام در مارس ۲۰۰۰ منتشر شد.<sup>۲</sup>

این تراژدی درحالی اتفاق افتاد که مقامات زندان علیرغم اطلاع قبلی از رفتار خشن و تعصبات نژادی قوی قاتل، آن دو مرد را در یک سلول نگه داشتند.

1. Amnesty International Report, 2006.

2. Ibid, 2007.



## مرگ و خودکشی در زندان‌ها

طبق گزارش گاردین، حدود ۶۰۰ مرگ در زندان در انگلیس و ولز در ۲۰۰۷ رخ داده است که یک‌سوم آنها ناشی از خودکشی بوده است. مدافعان اصلاح زندان‌ها رشد ازدیاد جمعیت زندان‌ها را مورد انتقاد قرار داده‌اند.<sup>۱</sup>

طبق گزارش عفو بین‌الملل ۵۲۳ مرگ در زندان در ۲۰۰۶-۲۰۰۷ وجود داشته است، اما این نمودار شامل مرگ‌ها و خودکشی‌ها در زندان پلیس نمی‌شود. در پایان ۲۰۰۵ تعداد ۷۸ خودکشی در بازداشتگاه‌ها ثبت شده است.<sup>۲</sup>

در آوریل یک خبر تلویزیونی کریستوفر آلدرا را درحالی نشان می‌داد که خودش را درحالی که دستبند داشت در کف ایستگاه پلیس کوئینز گارونز در سال ۱۹۹۸ خفه می‌کرد. در دسامبر چهار نفر از پنج افسر پلیسی که در مرگ او دست داشتند به دلایل ناتندرستی بازنشسته شدند. در پایان سال ۲۰۰۴ پرونده آلدرا هنوز از سوی کمیسیون مستقل رسیدگی به شکایات پلیسی در جریان بود. خانواده آلدرا بررسی مستقل و علنی پرونده را خواستار بودند.

تحقیقی که از سوی «انجمن جلوگیری از مرگ در زندان‌ها» انجام شد، دریافت که سالیانه ۵۰۰ تا ۶۰۰ مرگ در زندان‌ها رخ می‌دهد که برخی از آنها قابل جلوگیری است.

میزان خودکشی در زندان‌های بریتانیا نزدیک به ۳۳ بار بیشتر از حد معمولی است. خودکشی فقط یک درصد مرگ‌ها را در افراد بالای ۱۵ سال در بریتانیا شامل می‌شود.

جان وادهام، رئیس انجمن جلوگیری از مرگ در زندان‌ها گفته است:

«تعداد مرگ‌ها در زندان نشانه یک جامعه متمدن است. فکر می‌کنم این میزان خیلی بالاست، باید آن را کاهش دهیم».

کمیته مشترک پارلمان درباره حقوق بشر از وزارت کشور و وزارت بهداشت خواسته است تا هیئتی را برای نظارت بر مرگ‌ها در انواع زندان‌های دولتی، از جمله بیمارستان‌های روانی بگمارند. هدف این هیئت باید گسترش اطلاعات و عمل برای جلوگیری از مرگ در زندان باشد.

ژولیس لیون، مدیر بنیاد اصلاح زندان‌ها، از رشد تعداد خودکشی‌ها در همه مکان‌های بازداشت در سال گذشته به دلیل ازدحام جمعیت انتقاد کرده است او گفته است:

«ازدحام جمعیت افسران زندان را از نظارت دقیق به زندانیان آسیب‌پذیر باز می‌دارد. اداره زندان‌ها نهایت سعی خود را می‌کند تا خطر را کاهش داده و به نحو بهتری به افراد آسیب‌پذیر واکنش نشان دهد، اما سطح ازدحام جمعیت اینک به جایی رسیده است که بسیاری از این تلاش‌ها

1. The Guardian, 21 Sept, 2007.

2. Ibid, "Crowded Jails Boosting Suicides", 22 Aug, 2005.



کاملاً بی‌نتیجه مانده‌اند».

کاردینال کورمک مورفی اوکانور، رئیس کلیسای کاتولیک در انگلیس و ولز می‌گوید:

«رشد حیرت‌آوری در خودکشی در زندان‌ها به دلیل ازدحام جمعیت وجود دارد، سیستم در اثر ازدحام جمعیت، تا نقطه شکستن کشیده می‌شود. بحران ازدیاد جمعیت به‌طور مکرر در بولتن‌های خبری ما تیتراژ می‌شود. بحران باعث رشدی حیرت‌آور در خودکشی در زندان‌ها می‌شود»<sup>۱</sup>.

پائولین کمبل، که دخترش سارا در زندان مرده است، به بی‌بی‌سی گفت زندان‌ها مملو از زندانی بودند، مملو از آدم‌های آسیب‌پذیری که نیاز به مراقبت داشتند نه مجازات.

او ادامه داد: «از زندان‌ها به‌عنوان سطل آشغال‌هایی استفاده می‌شود که بیماران روانی، معتادان به الکل و مواد مخدر، بی‌خانمان‌ها و نظایر آن در آنها نگهداری می‌شوند».

«و با وجود چنین درصد بالایی از زندانیان که از مشکلات روانی در رنجند، وقوع این مرگ‌های غم‌انگیز اجتناب‌ناپذیر است مگر اینکه که اراده‌ای برای جلوگیری از وقوع این حوادث وجود داشته باشد».

مادر جوان‌ترین بچه‌ای که در زندان بریتانیا مرد دولت را به کم‌کاری در مراقبت از زندانیان آسیب‌پذیر متهم کرد.

جالب توجه است که رشد ۵۰ درصد جمعیت زندانیان در دهه گذشته باعث شده است تا بریتانیا بالاترین میزان زندانیان را در اروپای غربی به‌خود اختصاص می‌دهد. رشد شتابان جمعیت زندانیان ناشی از ترکیب حکم‌های حبس مکرر و بلندمدت‌تر است.

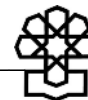
کمیسیون حقوق بشر شورای اروپا در گزارش خود درباره بریتانیا به این نتیجه رسید که بزرگ‌ترین مشکل سیستم زندان‌ها، جمعیت بیش از حد آنهاست. کمیسیون همچنین اشاره کرد که در برخی از زندان‌های پرجمعیت‌تر، وضعیت تا حدی وخیم است که در نتیجه، معیارهای بین‌المللی رعایت نمی‌شود.

او به دولت پیشنهاد کرد که مشکل ازدحام جمعیت را از طریق تسهیلات بازداشتی جدید و توجه بیشتر به حکم‌های جایگزینی و نظارت بدون بازداشت در دوره قبل از دادگاه حل کند و به‌منظور کاهش از میزان خودکشی‌ها در زندان‌ها حمایت‌های روانی بیشتری انجام دهد.

### سازمان ملل - نقض حقوق کودکان در بریتانیا

کمیسیون حقوق بشر شورای اروپا، در گزارش خود درباره بریتانیا، همچنین تأکید کرد که بریتانیا در زمره کشورهای است که بالاترین میزان بازداشت‌شده‌های کودکان و نوجوانان در اروپای غربی را

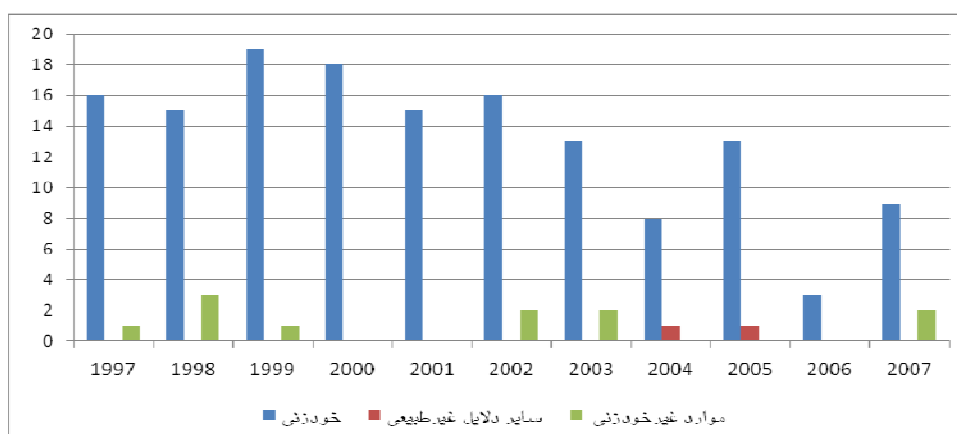
1. The Observer, Rowan Walker, 18 Nov, 2007.



دارند. تعداد مجرمان جوان و کودک و نوجوان در بین سال‌های ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۷ به‌طور چشمگیری افزایش یافته است. تعداد زندانیان ۱۵ تا ۱۷ ساله در ۳۰ ژوئن ۱۹۹۵، ۱/۶۷۵ نفر بود که در سال ۱۹۹۷ در همان روز به ۲/۴۷۹ نفر افزایش یافته بود. در ۳۱ دسامبر ۲۰۰۴، جدول متقابل در عدد ۲/۱۶۹ ایستاد.

چنین رقم بزرگی از زندانیان جوان و کودک و نوجوان، خود مسئله است. بازداشت مجرمان جوان، به‌ویژه کودک و نوجوان باید به‌عنوان چاره آخر دیده شود و برای کوتاه‌ترین زمان ممکن مورد استفاده قرار گیرد. باید توجه داشت که تقریباً ۸۰ درصد افرادی که در سنین پایین حکم زندان دریافت می‌کنند در عرض دو سال پس از آزادی از زندان دوباره در دادگاه حاضر می‌شوند. کمیسر همچنین نگرانی‌اش را نسبت به تعقیب قضایی کودکان و نوجوان ابراز داشته و می‌گوید: «نگرانی من بیشتر به‌خاطر تعقیب قضایی کودکان در دادگاه‌های معمولی بزرگسالان است، البته واقعیت این است که دادگاه‌های معمولی بزرگسالان جایی برای محاکمه کودکان ندارند».

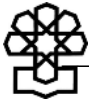
نمودار ۲. مرگ جوانان (۲۱ سال و پایین‌تر) در زندان ۱۹۹۷-۲۰۰۰



طبق جداولی که براساس قانون آزادی اطلاعات، در سال ۲۰۰۶ منتشر شد، حدود ۳۰۰۰ جرم از جمله سرقت، مزاحمت، زخمی کردن و جرائم جنسی از سوی کودکانی به وقوع پیوسته است که به دلیل سن کمشان امکان تعقیب قضایی آنها وجود نداشت. ۶۶ کودک زیر ۱۰ سال مرتکب ۶۶ جرم جنسی شده بودند.<sup>۱</sup>

جداولی که نشان‌دهنده وقوع جرم ۱۳۰۰ حادثه جنایی آتش‌سوزی و آسیب‌رسانی توسط کودکان زیر ۱۰ سال در انگلیس و ولز بود، سه بحث را راجع به اینکه آیا سن مسئولیت جنایی باید پایین آورده شود یا نه باز کردند.

1. The Guardian, 3 Sept, 2007.



دیوید دیویس، وزیر کشور در سایه، گفت مدارک جدید نشان می‌دهند که سن جرم و جنایت در حال پایین آمدن است. او گفت: «این موضوع تنها این نکته را به وضوح می‌رساند که برخی از سؤال‌های اساسی در مورد جامعه آشفته بریتانیا در خانه و مدرسه استارت می‌خورد».

پروفسور جپ ای دوک، رئیس کمیته سازمان ملل متحد درباره حقوق کودکان در کنفرانس ائتلاف سازمان‌های کودکان در لندن گفت:

«برای جبران وضعیت اسفبار کودکان در زندان نیاز به اقدامات فوری است. بریتانیا برای چه زندانی کردن غیرضروری کودکان و نوجوانان را مجاز می‌دارد؟»

او در گزارش خود همچنین از دستمزد پایین کارگران نوجوان، کناره‌گیری حقوق از کودکان پناهجو و سیستم تبعیضی که شانس زندانی شدن نوجوانان سیاه‌پوست را در دانشگاه سه برابر بیشتر از سایرین می‌کند، انتقاد کرد.

او همچنین گفت: «بریتانیا در آینده در سال ۲۰۰۹ مورد بازرسی کمیته تحت اداره من قرار خواهد گرفت»،<sup>۱</sup> اما این زمان برای منتظر ماندن در مورد کودکانی که حقوق انسانی‌شان هر روز نقض می‌شود، بسیار طولانی است.

### بخش هفتم - پناهجویان و مهاجران در بریتانیا

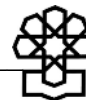
مهاجرت و پناهندگی از جمله مناقشه‌برانگیزترین مسائل در طول دهه گذشته در اروپا و به‌ویژه بریتانیا بوده است. بریتانیا به‌طور فزاینده‌ای نگران آینده هجوم غیرقابل کنترل خارجی‌ان و امکان به نظم درآوردن سرازیر شدن آنها به کشور است. البته در عین حال، دشمنی آشکار با خارجی‌ان و فرهنگ خارجی با تأکید بیان می‌شود.

درخواست‌های پناهندگی در بریتانیا در طول دهه گذشته از پایین‌ترین حد آن در سال ۱۹۹۶ (۲۶,۶۴۰ درخواست) تا بالاترین حد خود در سال ۲۰۰۲ (۸۴,۱۳۰ درخواست) رسیده است. بریتانیا در این سال (۲۰۰۲) بالاترین میزان درخواست‌ها را در میان کشورهای اتحادیه اروپا دریافت داشت. کمیسیون اروپایی، کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان و سازمان‌های غیردولتی نگران این موضوع هستند که بریتانیا درصدد واگذاری مسئولیت پناهندگان به دیگران، به‌ویژه کشورهای فقیرتر است. آنها هشدار می‌دهند که پیشنهادهای بریتانیا می‌تواند حق پناهجویی و حق حمایت شدن در برابر بازگردانده شدن به مکانی ناامن را تضعیف کند.<sup>۲</sup>

آقای آلوارو گیل - روبلز، کمیسر حقوق بشر شورای اروپا در گزارش خود اظهار داشت: در این

1. The Independent, 29 Nov, 2004, P. 18.

2. HRW Report, 22 Sept, 2003.



شرایط توجه به تکرار و مدت بازداشت بچه‌ها در بریتانیا هشداردهنده است. آمار بچه‌هایی که توسط والدینشان حبس می‌شوند نشان می‌دهد که توجه کافی به امتحان اشکال دیگری از نظارت نمی‌شود.<sup>۱</sup> حبس کردن در زندان‌ها در بریتانیا نیز مشکل دیگری است. در ۲۷ دسامبر ۲۰۰۳، ۱۲۰ پناهجو در زندان‌های معمولی تنها براساس اختیارات قانون مهاجرت در حبس بودند. به نظر می‌رسد که این نوع حبس، تدبیری خیلی استثنایی باشد و مدت اندکی به طول بیانجامد، اما این تعداد قابل اغماض نیست. شایان ذکر است که پناهجویان هیچ گناهی مرتکب نشده‌اند و تحت هیچ شرایطی نباید با مجرمان معمولی نگه‌داشته شوند. تنها می‌توانم با اصرار بخواهم که عمل بازداشت پناهجوها در زندان‌ها معمولی فوراً متوقف شود.<sup>۲</sup>

عمل بازداشت کودکان با والدینشان مورد انتقاد کمیسر کودکان انگلیس و سر بازرس زندان‌ها در مرکز جابجایی یارلز وود قرار گرفت. آنها دریافتند که کافی نبودن دادگاه‌های حمایت از کودکان و فقدان آموزش، توأم با محیط شبیه زندان، کودکان را با خطر جدی روبرو کرده است. دادگاه حقوق بشر اروپا در جولای ۲۰۰۶ کشف کرد که بریتانیا حق یک پناهجو را از اطلاع یافتن فوری از دلایل بازداشتش نقض کرده است. یک فیلم مستند بی.بی.سی از سوء رفتار نژادی و فیزیکی با بازداشت‌شده‌ها توسط کارکنان مرکز پذیرش اکینگتون افشا کرد.<sup>۳</sup>

در ماه آگوست ۳ بازرس زندان‌ها در مورد مراکز نگهداری کوتاه‌مدت مهاجران گزارش داد که سه‌چهارم مراکزی که مورد بازرسی قرار گرفتند فاقد روالی برای رسیدگی به خودزنی و خودکشی بودند، روالی برای رسیدگی به شکایت‌ها و آموزش وجود نداشت و ثبت مسائل نامنظم بود. به‌علاوه بازداشت‌شدگان در شرایط غیرانسانی بدون وسایل خواب و گرما می‌خوابیدند.<sup>۴</sup>

### یافته‌های عفو بین‌الملل

گزارش ۲۰ ژوئن ۲۰۰۵ عفو بین‌الملل الگویی دائمی از نقض حقوق بشر را در ارتباط با بازداشت و عملیات‌های جابجایی نشان می‌دهد. این گزارش بر استفاده فزاینده از بازداشت هم در آغاز و هم در پایان فرآیند پناهجویی تمرکز می‌کند.

عفو بین‌الملل وضعیت مهاجران و پناهجویان را این‌گونه توصیف می‌کند:

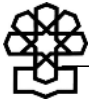
- مراقبت‌های پزشکی غیرقابل قبول، شرایط زندگی طاقت‌فرسا و غیربهداشتی در مراکز بازداشت،
- مشکلاتی در دسترسی به دادگاه‌های کارآمد و عادل برای پناهجویان، که در نتیجه آن پناهجویان به کشورهای ایزام می‌شوند که در آنجا در معرض نقض جدی حقوق بشرند.

1. Mr Alvaro Gil – Roble Report, Para. 53-58.

2. Op. Cit. Para. 62.

3. Inquiry in to Allegation of Racism and Mistreatment of Detainees at Okington.

4. I Mimgation Short Term Holding Facilities Inadequate, Nov 2004 – Jan 2005.



- مشکلاتی در دسترسی به وکلا و مشاورانی حقوقی که برخلاف کنوانسیون اروپایی حقوق بشر است،

- بدرفتاری با بازداشت‌شدگان و اقدام پلیس به استفاده بیش از حد از زور در طول عملیات‌های تبعید. این سند نگرانی‌هایی را تأیید می‌کند که عفو بین‌الملل، مؤسسات ملی و بین‌المللی نظارت بر حقوق بشر (مثل کمیسر عالی پناهندگان ملل متحد، مأمور ویژه ملل متحد در زمینه حقوق بشر مهاجران، کمیسر حقوق بشر شورای اروپا، کمیته اروپایی جلوگیری از شکنجه و رفتار غیرانسانی و تحقیرآمیز و مجازات) و سایر سازمان‌های غیردولتی با توجه به فقدان حمایت‌های قضایی کافی و شرایط زندگی وحشتناک در اغلب مراکز بازداشت، ابراز کرده‌اند.

گزارش ۲۰۰۷ عفو بین‌الملل درباره بریتانیا می‌گوید: «اکثر درخواست‌های پناهندگی در نهایت رد می‌شدند ده‌ها هزار نفر از پناهجویان پذیرفته نشده‌ای که بریتانیا را ترک نکرده‌اند، اغلب بدون هیچ گناهی محکوم به زندگی در فقر مطلق بودند. پناهجویان پذیرفته نشده، همچنین اجازه کار کردن نداشتند، مستحق استفاده از مراقبت‌های پزشکی رایگان در بیمارستان‌ها نبودند. جز در موارد ضروری، رفتاری که در دوره رسیدگی به درخواست پناهندگی آنها با آنها می‌شد پس از اعلام عدم پذیرش از آنها دریغ می‌شد».

عفو بین‌الملل قبول دارد که کشورها حق کنترل بر ورود، اقامت و جابجایی ملیت‌های خارجی در داخل سرزمین‌هایشان را دارند. با این حال حق باید مطابق با معیارها و قوانین حقوق بشر و پناهندگی بین‌المللی اعمال شود. به‌ویژه از جمله این معیارها اصول تناسب و عدم تبعیض است. اعمال حاکمیت دولتی نمی‌تواند به قیمت حقوق اساسی پناهجویان یا مهاجران باشد.

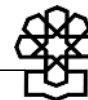
### بخش هشتم - خشونت علیه زنان

خشونت علیه زنان در تناقض با حقوق اساسی انسانی زنان است. «اعلامیه ملل متحد راجع به رفع خشونت علیه زنان»، خشونت علیه زنان را این‌گونه تعریف می‌کند: هر نوع عمل خشونت‌آمیز جنس پایه که منجر شود یا احتمال دارد منجر شود به آسیب و آزار جسمی، جنسی یا روانی زنان از جمله تهدید با این نوع اعمال، محروم ساختن خودسرانه و اجباری از آزادی، چه در زندگی شخصی و چه در زندگی عمومی.<sup>۱</sup>

خشونت علیه زنان مسئله بزرگی در بریتانیاست. در واقع، تقریباً نیمی از همه زنان در بریتانیا تجربه تجاوز جنسی، مزاحمت و خشونت خانوادگی را داشته‌اند.<sup>۲</sup> موارد زیر اطلاعات و نمودارهایی

1. The UN Declaration on The Elimination of Violence Against Women.

2. Walby & Allen, Domestic Violence, Sexual Assault and Stalking, Finding From the British Crime Survey, 2004.



از خشونت خانوادگی علیه زنان در بریتانیاست:

- هر ساله سه میلیون زن خشونت را تجربه می‌کنند و تقریباً نیمی از این حوادث جدی است و تکرار می‌شود.

- تقریباً نیمی از زنان در انگلیس و ولز در طول زندگی خود، تجاوز جنسی، مزاحمت و خشونت خانوادگی را تجربه می‌کنند.

- در سال ۲۰۰۲، ۱۱۶ زن توسط معشوقه‌های مرد یا معشوقه‌های مرد سابق خود کشته شدند.<sup>۱</sup> هر هفته دو زن توسط معشوقه‌های مرد یا معشوقه‌های مرد سابق خود کشته می‌شوند.<sup>۲</sup>

- در سال ۲۰۰۲ حوادث خشونت خانوادگی علیه زنان در طول سال گذشته ۱۲/۹ میلیون مورد برآورد شد.<sup>۳</sup>

- حداقل ۷۵۰,۰۰۰ کودک هر ساله شاهد خشونت خانوادگی هستند.

- یک‌چهارم زنان در بریتانیا خشونت خانوادگی را در مواقعی از زندگی‌شان تجربه خواهند کرد. زنانی که تجربه خشونت خانوادگی دارند به احتمال زیاد در مواقع متعدد دیگری نیز چنین تجربه‌ای خواهند داشت. احتمال اینکه این زنان در صورت مراجعه به پلیس بتوانند مرتکب را به دادگاه کشیده و محاکمه کنند بسیار کم است.

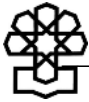
- زنانی که در وضعیت مهاجرت نامعلوم قرار دارند کمکی از صندوق‌های عمومی دریافت نمی‌کنند، بنابراین از حمایت‌های لازم برای پناهندگان بهره‌مند نیستند و ممکن است مجبور به حفظ رابطه‌ای ظالمانه باشند.

خشونت علیه زنان هزینه‌های مالی و اجتماعی فراوانی دارد. دولت بریتانیا در سپتامبر ۲۰۰۴ تحقیقی را منتشر کرد که هزینه‌های خشونت خانوادگی در بریتانیا را ۶ میلیارد پوند در سال برآورد می‌کرد و نمودار هزینه‌های غیراقتصادی خشونت خانوادگی و درد و رنج‌های ناشی از آن ۱۷ میلیارد پوند را نشان می‌داد.<sup>۴</sup>

طبق گزارش ۲۰۰۷ عفو بین‌الملل، دولت بریتانیا از انجام هر نوع کار استراتژیک برای جلوگیری از خشونت علیه زنان بازمانده و حمایت مالی کافی از زنان مشمول کنترل مهاجرت به‌منظور توانمندسازی آنان برای برون‌رفت از شرایط بیکاری و خشونت به‌عمل نیاورده است. زنان مشمول کنترل مهاجرت از حمایت‌های صندوق قرضه ملی، از جمله مسکن ضروری، محروم بوده‌اند.

---

1. Crime in England and Wales, 2001/2002, 2003.  
2. Women and Equality Unit, Living Without Fear, 1999.  
3. British Crime Survey, 2004.  
4. Walby, "The Cost of Domestic Violence", 2004.



## تجاوز و خشونت جنسی

نزدیک به ۸۰,۰۰۰ زن هرساله در بریتانیا قربانی تجاوز جنسی یا تجاوز جنسی نافرجام می‌شوند.<sup>۱</sup> میزان محکومیت به خاطر تجاوز هنوز در پایین‌ترین حد، خیلی پایین‌تر از سایر جرائم قرار دارد. حدود ۸۵ درصد از تجاوزها هرگز به پلیس گزارش نمی‌شود و از موارد گزارش شده فقط ۵/۳ درصد منجر به محکومیت مرتکب می‌شود.<sup>۲</sup>

در سال ۲۰۰۳ از ۱۲,۷۶۰ مورد گزارش شده به پلیس فقط ۶۷۳ مورد منجر به حضور مرتکب در دادگاه شد.<sup>۳</sup> بریتانیا پایین‌ترین رقم محکومیت به خاطر تجاوز را در کل اروپا دارد. در بریتانیا اکثر زنان هیچ‌گونه دسترسی به یک «مرکز بحران تجاوز جنسی» ندارند و کمتر از یک‌چهارم مقامات محلی هیچ نوع خدماتی برای خشونت جنسی ندارند. جرائم جنسی، همچنین خطر ایدز، بیماری‌های منتقل شونده از راه روابط جنسی و بارداری‌های ناخواسته را افزایش می‌دهد - خشونت آسیب‌های روانی پایداری را موجب شود. هزینه‌های تقریبی جرائم جنسی در سال ۲۰۰۳ - ۴۸,۲۰۰۴ میلیارد پوند برآورد شده است.

## آمارهای وحشتناک از روسپیگری و قاچاق (زنان) در بریتانیا

- تخمین زده می‌شود که ۸۰,۰۰۰ زن در بریتانیا در خیابان‌ها به روسپیگری مشغولند.
- میانگین سن زنان روسپی به ۱۲ سال رسیده است.<sup>۴</sup>
- سه نفر از هر چهار زن روسپی ۲۱ ساله یا جوان‌ترند و از هر ۲ نفر ۱ نفر ۱۸ ساله یا جوان‌تر است.
- بیش از ۸۵ درصد (روسپی‌ها) بدرفتاری در خانواده و ۴۵ درصد سوءاستفاده جنسی در خانواده را گزارش کرده‌اند.
- ۸۷ درصد زنان مشغول به روسپیگری خیابانی، هروئین مصرف می‌کنند.<sup>۵</sup>
- ۸/۹ درصد مردان ۱۴-۴۴ ساله در لندن گزارش کرده‌اند که در پنج سال گذشته برای ارتباط جنسی پول پرداخت کرده‌اند.
- دوسوم زنان روسپی تجربه خشونت مشتری داشته‌اند و تنها ۳۲/۴ درصد جرائم مشتریان به پلیس گزارش شده است.
- بیش از ۶۰ زن روسپی در ده سال گذشته در بریتانیا به قتل رسیده‌اند.

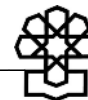
1. The British Crime Survey, 2004.

2. Amnesty International Reports on the UK, 2007.

3. Figures Obtained Directly From the Home Office, 2005.

4. Home Office, Paying the Price, Aconsultation Peyoes on Prostitution, 2004.

5. Home Office Research Study, Landon, 2004.



- در انگلیس و ولز در سال ۲۰۰۵ تعداد ازدواج‌ها ۲۴۴,۷۱۰ و تعداد طلاق‌ها ۱۴۱,۷۵۰ مورد بوده است.<sup>۱</sup>

برآورد می‌شود که ۱۰,۰۰۰ مهاجر با وضعیت مهاجرت نامعلوم، به‌عنوان روسپی در بریتانیا کار می‌کنند که سه‌چهارم آنها در روسپی‌خانه‌ها هستند. هرچند که استخراج آمار دقیق ممکن نیست، اما تحقیق وزارت کشور برآورد کرده است که بیش از ۱,۴۲۰ زن در سال ۱۹۹۹ به‌منظور استفاده‌های جنسیتی به بریتانیا قاچاق شده‌اند.<sup>۲</sup> تنها ۱۹ درصد زنان روسپی در بریتانیا، بریتانیایی هستند.

### بخش نهم - آزادی بیان

حق آزادی عقیده و بیان از نظر بسیاری از مردم به‌عنوان پیش‌درآمد همه حقوق بشری است. گفته شده است که دموکراسی واقعی بدون آزادی بیان امکانپذیر نیست.

با اینکه بریتانیا به لحاظ تاریخی به‌عنوان یک جامعه دارای آزادی بیان مشهور است، اما در سال‌های اخیر محدودیت‌های آزادی رشد چشمگیری داشته است. نه‌تنها آزادی مطبوعات با محدودیت‌های بیشتر تهدید شده، بلکه پخش برنامه‌های رادیو، تلویزیونی نیز با چالش‌های مشابهی روبرو شده و حق اعتراض محدود گشته است.

### قوانین ضد ترور و محدودیت‌های جدی بر حقوق

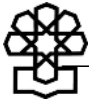
نگرانی‌های زیادی راجع به تأثیرات سیاست‌ها و قوانین ضد ترور بریتانیا بر استفاده مشروع از حق آزادی بیان وجود دارد. در سال‌های اخیر شاهد اتخاذ معنی فراخ و مبهمی از «تروریسم» و رشد استفاده از قوانین ضد ترور در سرکوب اعتراض‌های سیاسی و اجتماعی مشروع بوده‌ایم. به‌علاوه، سیاست‌ها و قوانین اخیر نه‌تنها اعمال تروریستی یا تحریک مستقیم آنها، بلکه «تشویق و ترغیب غیرمستقیم» تروریسم را نیز غیرقانونی اعلام می‌کند.

براساس گزارش حقوق بشر در ۱۵ آگوست ۲۰۰۷، مقامات بریتانیایی نباید از اختیارات تروریسم علیه مخالفان در فرودگاه هتروی لندن استفاده کند. صدها مخالف در اعتراض نسبت به گرم شدن جهان، کنار فرودگاه چادر زدند تا دولت را برای متوقف کردن گسترش فرودگاه تحت فشار قرار دهند.

«اینها مطمئناً مخالفان سیاسی هستند نه تروریست و پلیس باید در رابطه با آنها از اختیارات عادی استفاده کند. همه مخالفانی که مسبب قطع پروازها یا آسیب دیدن اموال هستند باید تحت

1. National State Statistics Report.

2. Kelly & Regan, Police Research Series, 2000, P. 125.



تعقیب قرار گیرند، اما اختیاراتی که براساس قانون ضدتروریسم به پلیس اعطا شده است نباید علیه کسانی که تنها جرمشان شرکت در تظاهرات عمومی است به کار برده شوند»<sup>۱</sup>.

گاردین در ۱۶ اکتبر ۲۰۰۶ فاش کرد که: از مدرسان و کارکنان دانشگاه‌های سراسر بریتانیا خواسته شده بود تا از دانشجویان مسلمان و «آسیاگون» مظنون به همکاری با افراط‌گرایی اسلامی و حامی خشونت تروریستی جاسوسی کنند. از آنها خواسته شده بود تا دانشجویان را در رشته‌های خاصی لو دهند چراکه دولت فکر می‌کند محوطه دانشگاه‌ها به محل مناسبی برای عضوگیری افراط‌گراها تبدیل شده است.

هرچند که یکی از وظایف اصلی دولت‌ها حمایت از شهروندانشان در برابر تهدیدات تروریستی است، با این حال اعمال آنها باید متناسب و به‌دور از افراط باشد.

این، نشان می‌دهد که جرائم جنایی مرتبط باید به دقت تعریف شده و با محدودیت متناسب پاسخ داده شوند. همچنین نشان می‌دهد که جرم «تروریسم» نیز به‌طور ویژه و به‌دقت تعریف می‌شود و تنها در شرایطی مورد استفاده قرار می‌گیرد که واقعاً ضروری باشد.

تعریف تروریسم در قوانین بریتانیا - در قانون تروریسم ۲۰۰۰ - مبهم و دامنه آن بسیار گسترده است. این تعریف نه‌تنها اعمال ماهیتاً تروریستی، بلکه تظاهرات و اجتماعات قانونی و اشکال فراوانی از رفتار را نیز - که نمی‌توان تروریستی نامید - جرم می‌داند.

طبق قوانین بین‌المللی حقوق بشر، تدابیر قانونی محدودکننده حقوق باید به دقت طراحی و متناسب با هدف مورد نظر باشند. توجه به این موضوع مهم است که کمیته حقوق بشر ملل متحد اینک مکرراً کشورها را به دلیل دامنه گسترده قوانین ضدتروریستی‌شان مورد نقد قرار می‌دهد.

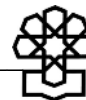
کمیته حقوق بشر ملل متحد در سال ۲۰۰۵ تعریف «تروریسم» در قوانین کانادا را - که ویژگی‌هایی مشابه تعریف بریتانیا دارد - به دلیل گسترده بودن غیرضروری‌اش مورد نقد قرار داد. این کمیته در نهایت توصیه کرد که «دولت باید تعریف دقیق‌تری از جرائم تروریستی ارائه دهد، تا بدین طریق تضمین کند که افراد به دلایل سیاسی، مذهبی یا ایدئولوژیکی مورد هدف قرار نگرفته و بازداشت، بازپرسی و حبس نخواهند شد»<sup>۲</sup>.

### سانسور بریتانیا برای اجتناب از رنجاندن اسرائیل

جدیداً دولت بریتانیا به دلیل مداخله در یافته‌های گزارش، با رسوایی‌های بیشتری روبرو شده است. نزاع بر سر پیش‌نویس گزارش عراق از الگوی مشابه تلاش‌های ایت‌ها برای جلوگیری از آزادی

۱. ژوان ماریز، مدیر تروریسم و ضدتروریسم دیده‌بان حقوق بشر.

2. Concluding Observations of Human Rights Committee, Canada, 2 Nov, 2005, UN Doc. CCPR/C/CAN/CO/, Para. 12.



اطلاعات مورد نیاز پیروی کرده است.

سندی منتشر شده از سوی گاردین روشن می‌سازد که چطور وزارت امور خارجه با موفقیت تلاش کرده است تا هر نوع اشاره‌ای به اسرائیل در پیش‌نویس را محرمانه نگهدارد.

روزنامه گاردین فاش کرد که کلمه «اسرائیل» که در کناره‌های پیش‌نویس سند بادیستی ناشناخته - البته دست یک مقام بلند پایه - نوشته شده بود، پاک شده است. این، به جمله‌ای درباره رژیم صدام در عراق باز می‌گردد: «هیچ کشور دیگری این قدر با بی‌شرمی اقتدار سازمان ملل متحد را در جستجوی سلاح‌های کشتار جمعی تحقیر نکرده است».

این یادداشت در حاشیه پیش‌نویس به‌طور ضمنی به این معنی بود که «نویسنده یادداشت معتقد است که اسرائیل مثل رژیم صدام حسین اقتدار سازمان ملل متحد را نقض کرده است».<sup>۱</sup>

مقامات وزارت امور خارجه گزارش روزنامه را تأیید کرده و گفتند اطلاعات مربوط به اسرائیل به‌خاطر ترس از آسیب دیدن روابط با این کشور حذف شده بودند.

وزارت خارجه هرگز به اینکه اطلاعات ممکن بود امنیت ملی را به خطر بیندازد اشاره نکرد. گاردین می‌گوید متن کامل و اظهارات یک مقام ارشد وزارت خارجه را دیده است. مقام مذکور در پشت درهای بسته گفته است هر نوع اشاره آشکار به مرجع مخفی به روابط بین بریتانیا و اسرائیل به شدت صدمه خواهد زد. او در اظهارات خود فاش کرد که در پنج سال گذشته در ایتهاال ۱۰ مورد درگیری اساسی و ۲۰ مورد درگیری کم‌اهمیت‌تر در رابطه با اسرائیل وجود داشته است.<sup>۲</sup>

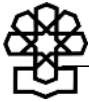
دادگاه اطلاعات که درباره منازعات مربوط به قانون آزادی اطلاعات حکم صادر می‌کند، پذیرفت که اسم اسرائیل را زمانی که دستور آزادی پیش‌نویس گزارش مربوط به سلاح‌های عراق را صادر می‌کند، حذف کند.

## ارزیابی

حقوق بشر از جمله مفاهیم مهم در نظام بین‌المللی است که جایگاه ویژه‌ای در مناسبات جهانی پیدا کرده است. گذشته از مجادلات و مباحثات موجود پیرامون جهانشمولی یا نسبی بودن ارزش‌های حقوق بشر، این موضوع به یکی از متغیرهای مهم در حوزه سیاست بین‌الملل و روابط خارجی کشورها تبدیل شده است. با این حال در باب ماهیت و مبانی حقوق بشر دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. درحالی که برخی قائل به ماهیت حقوقی این مفهوم بوده و آن را از متفرعات موضوع حقوق بین‌الملل می‌دانند، عده‌ای دیگر بر ماهیت سیاسی آن تأکید کرده و اصالت و سرشت حقوقی آن را

1. The Guardian, "Closed Hearing and a Secret Ruling: How the Word Israel was Deleted", 21 Feb, 2008.

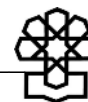
2. Malaysia Sun, 21 Feb, 2008.



مورد تردید قرار می‌دهند. آنها پررنگ شدن موضوع حقوق بشر در مناسبات بین‌المللی را با خواست و منافع قدرت‌های غربی مرتبط دانسته و بر نقش ابزاری آن در سیاست بین‌الملل تأکید دارند. این ادعا مستند به دو واقعیت مهم است که با رفتارها و سیاست‌های دولت‌های مدعی حقوق بشر ارتباط دارد. نخست برخورد دوگانه آنها با موضوع حقوق بشر در نظام بین‌الملل به نحوی که وجوه پارادوکسیکال سیاست خارجی آنها را به نمایش می‌گذارد، دوم وضعیت بعضاً نامساعد حقوق بشر در داخل این کشورها که از رفتار و سیاست‌های داخلی دولت‌های مدعی نشئت می‌گیرد و موقعیت و موضع آنها به‌عنوان حامیان و مدافعان حقوق بشر در دنیا را به چالش می‌کشد. درخصوص محور اول، مصادیق متعدد و مختلفی را در مورد حمایت دولت‌های غربی از برخی رژیم‌های دیکتاتوری و ناقض حقوق بشر از جمله در مناطق خاورمیانه، آسیای مرکزی و قفقاز می‌توان ذکر کرد، این حمایت گاه تا پی‌ریزی اتحاد استراتژیک با این قبیل رژیم‌ها به پیش رفته است. این درحالی است که دولت‌های غربی همزمان به طرح ادعای نقض حقوق بشر در برخی کشورهای غیرهمسو که بعضاً از توسعه سیاسی بالاتری نسبت به کشورهای متحد آنها برخوردارند می‌پردازند.

مصادیق دیگر سیاست دوگانه غرب در نظام بین‌الملل در زمینه حقوق بشر را می‌توان براساس رفتار آنها در قبال تحولات اخیر منطقه خاورمیانه مورد اشاره قرار داد. درحالی که دولت‌های غربی به‌ویژه آمریکا، انگلستان و فرانسه اقدام به استفاده از نیروی نظامی برای سرکوب رژیم معمر قذافی به بهانه دفاع از حقوق بشر کرده‌اند، همزمان در برابر اقدامات رژیم بحرین در سرکوب قیام مردم این کشور و نیز مداخله نظامی عربستان سیاست سکوت را اختیار کرده‌اند. ملاحظات سیاسی این کشورها، مبنی بر حفظ رژیم وابسته آل خلیفه و جلوگیری از تکرار الگوی انقلاب اسلامی در بحرین از جمله عوامل مؤثر در اتخاذ سیاست سکوت در قبال نقض حقوق بشر در این کشور است. این قبیل برخوردهای سیاسی مورد اشاره به استناد کسانی است که معتقدند حقوق بشر در دنیای امروز بیش از تأثیرپذیری از الزامات حقوقی متأثر از ملاحظات سیاسی است.

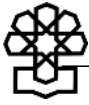
همچنین وجود نشانه‌ها، مصادیق و رویه‌های نقض حقوق بشر در داخل برخی کشورهای غربی بیش از هرچیز اعتبار و مشروعیت سیاست حقوق بشری آنها را در جهان تضعیف می‌سازد. این مسئله از جمله در مورد دولت انگلیس موضوعیت دارد. یافته‌های معتبری که در گزارش حاضر مورد بحث و اشاره قرار گرفته مؤید آن است که دولت انگلیس نه‌تنها در موقعیت دفاع از حقوق بشر در دیگر کشورها نیست، بلکه خود می‌تواند به‌دلیل موارد مکرر و متعدد نقض حقوق بشر در داخل این کشور مورد بازخواست قرار گیرد. درواقع مطالب گزارش حاضر استدلال حامیان نگرش سیاسی بودن حقوق بشر که بر عدم کفایت و صداقت مدعیان غربی حقوق بشر تأکید دارند را مورد



تأیید قرار می‌دهد. از این رو یافته‌ها و مستندات این گزارش می‌تواند منبع مناسبی برای پیگیری سیاست به چالش کشیدن اعتبار ادعاهای حقوق بشری دولت انگلیس باشد. از جمله نهادهای مرتبط در مجلس شورای اسلامی به‌ویژه کمیته حقوق بشر و کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس می‌توانند متناسب با وظایف و مسئولیت‌های خویش استفاده از این یافته‌ها را در دستور کار قرار دهند. پیگیری این امر به‌ویژه در شرایط تشدید ادعاهای انگلیس در مورد نقض حقوق بشر در ایران که از جمله در گزارش سالیانه وزارت امور خارجه این کشور در اوایل فروردین‌ماه ۱۳۹۰ مورد تأکید قرار گرفت ضرورت بیشتری پیدا کرده است.

### منابع و مآخذ

1. Amnesty International on the UK, at [www.amnesty.org.uk](http://www.amnesty.org.uk)
2. BBC News and Reports, at [www.bbc.co.uk](http://www.bbc.co.uk)
3. Blink Information Link, at [www.Blink.org.uk](http://www.Blink.org.uk)
4. CNN Reports, at [www.cnn.com](http://www.cnn.com)
5. Crime Statistics For England and Wales, at [www.crimestatistics.org.uk](http://www.crimestatistics.org.uk)
6. Daily Telegraph, at [www.telegraph.co.uk/news/main](http://www.telegraph.co.uk/news/main)
7. Dick Marty Report. Rapporteur of the Committee on Legal Affairs and Human Rights of the Parliamentary Assembly of the Council of Europe
8. Equality Act 2006, at [www.opsi.gov.uk/acts/acts2006/ukpga](http://www.opsi.gov.uk/acts/acts2006/ukpga)
9. Foreign and Commonwealth Office, Human Rights Annual Reports, at [www.fco.gov.uk](http://www.fco.gov.uk)
10. Foreign Policy Aspects of the War Against Terrorism, Six Report of 2004/2005.
11. Home Office Progress Reports, at [www.homeoffice.gov.uk](http://www.homeoffice.gov.uk)
12. Home Office, National Domestic Violence Delivery Plan. Annual
13. Human Rights Act 1998
14. Human Rights Articles in Independent, at [www.independent.co.uk](http://www.independent.co.uk)
15. Human Rights Articles in the Guardian, at [www.guardian.co.uk](http://www.guardian.co.uk)
16. Human Rights Watch, at [www.hrw.org/uk](http://www.hrw.org/uk)
17. Immigration, Asylum and Nationality Act 2006, at [www.opsi.gov.uk/acts](http://www.opsi.gov.uk/acts)
18. INQUEST, at [www.inquest.org.uk](http://www.inquest.org.uk)
19. Institute of Race Relations (IRR), at [www.irr.org.uk](http://www.irr.org.uk)
20. Institue of Race Relations At [www.irr.org.uk](http://www.irr.org.uk)
21. International Helsinki Federation For Humman Rights (IHF), at [www.ihf-hr.org](http://www.ihf-hr.org)
22. International Law Commission Reports, [www.un.org/law](http://www.un.org/law)
23. Islamic Human Rights Commission, at [www.ihrc.org](http://www.ihrc.org)
24. Liberty, at [www.liberty-human-rights.org.uk](http://www.liberty-human-rights.org.uk)
25. Mark Phythian, Arming Iraq “How the U.S and Britain Secretly Built Saddam’s War Machine”, (Boston, 1997)
26. Muslim Council of Britain, at [www.mcb.org.uk](http://www.mcb.org.uk)
27. National States Statistics, at [www.statistics.gov.uk](http://www.statistics.gov.uk)
28. Refugee Council, at [www.Refugeecouncil.org.uk](http://www.Refugeecouncil.org.uk)
29. Report of the Commissioner for Humam Rights, Mr.Alvaro Gil-Robles, at [www.manskligarattigheter.gov.se/dynamaster/file](http://www.manskligarattigheter.gov.se/dynamaster/file)
30. The “Taguba Report” on Treatment of Abu Ghraib Prisoners In Iraq, Article 15-6 Investigation if the 800th Military Police Brigade.



31. The “Taguba Report” on Treatment of Abu Ghraib Prisoners In Iraq, at [news.findlaw.com](http://news.findlaw.com)
32. The British Crime Survey (2001-2004)
33. The Financial Times, at [www.ft.com](http://www.ft.com)
34. The Geneva Conventions Relative to the Treatment of Prisoners of War.
35. The Guardian, at [www.guardian.co.uk](http://www.guardian.co.uk)
36. The Mail on Sunday, At [www.mailonsunday.co.uk](http://www.mailonsunday.co.uk)
37. The Observer, at [observer.guardian.co.uk](http://observer.guardian.co.uk)
38. The Sunday Times, at [www.timesonline.co.uk/tol/news](http://www.timesonline.co.uk/tol/news)
39. The UK Acts on Terrorism including (2000-2001-2005 and 2006).
40. The UK-Us Extradition Treaty 2003, at [www.justice.org.uk](http://www.justice.org.uk)
41. The UN Convention Against Torture and Other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment, at [www.unhcr.ch](http://www.unhcr.ch)
42. The UN Declaration on the Elimination of Violence Against Women.
43. The UN High Commissioner for Human Rights Reports.
44. The United Nations Treaties on Human Rights and Terrorism.
45. The British Institute of Human Rights, at [www.bihhr.org](http://www.bihhr.org)
46. Walby & Allen, at [www.womensaid.org.uk](http://www.womensaid.org.uk)
47. Washington Post Reports, at [www.Washingtonpost](http://www.Washingtonpost).
48. Women and Equality Unit, at [www.womenandequalityunit.gov.uk](http://www.womenandequalityunit.gov.uk)



شماره مسلسل: ۱۰۷۸۵

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: انگلیس و نقض حقوق بشر

نام دفتر: مطالعات سیاسی (گروه سیاست خارجی)

ترجمه: خیراله خیری اصل

ناظر علمی: محمد جمشیدی

همکاران: مهدی امیری، مهدی جاودانی مقدم

متقاضی: زهره الهیان (نماینده تهران، ری و شمیرانات در مجلس شورای اسلامی)

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. حقوق بشر

۲. انگلیس

۳. ترویج خشونت

۴. آزادی بیان

تاریخ انتشار: ۱۳۹۰/۲/۲۱